



IPSA Women
INTERNATIONAL
CONFERENCE
TEHRAN - FEB 2021

کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران

مجموعه چکیده‌های مقالات

علم سیاست مطالعات زنان و آینده

بهمن ماه ۱۳۹۹

انجمن علوم سیاسی ایران
Iranian Political Science Association



دبیر علمی: دکتر سیمین حاجی پور ساردویی
دبیر اجرایی: دکتر مرضیه حاجی پور ساردویی



علم سیاست، مطالعات زنان و آینده

مجموعه چکیده مقالات کنفرانس بین‌المللی کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران

۱۶ بهمن ۱۳۹۹

دبیر اجرایی همایش
دکتر مرضیه حاجی‌پور ساردویی

دبیر علمی همایش
دکتر سیمین حاجی‌پور ساردویی



مجموعه چکیده مقالات کنفرانس بین‌المللی «علم سیاست، مطالعات زنان و آینده»
به اهتمام کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران
دبیر علمی کنفرانس: دکتر سیمین حاجی‌پور ساردویی
دبیر اجرایی کنفرانس: دکتر مرضیه حاجی‌پور ساردویی
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۹
تیراژ: ۱۵۰ نسخه
همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.



هیأت علمی کنفرانس

(به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر شیرین احمدنیا دانشگاه علامه طباطبایی
 دکتر کیومرث اشتریان دانشگاه تهران
 دکتر محمد بابایی دانشگاه خوارزمی
 دکتر سیمین حاجی‌پور ساردویی دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر مرضیه حاجی‌پور ساردویی دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر محمدبدلول حسن دانشگاه داکا، بنگلادش
 دکتر جواد حیدری دانشگاه شاهد
 دکتر امیر دبیری‌مهر دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر علی دژاکام پژوهشگاه فرهنگ و معارف
 دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی دانشگاه علامه طباطبایی
 دکتر میترا راه‌نجات دانشگاه علامه طباطبایی
 دکتر غلامعباس رهبر دانشگاه علامه طباطبایی
 دکتر زینب فرهادی دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر محمدتقی فزلسفلی دانشگاه مازنداران
 دکتر لیلا فلاحتی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
 دکتر نیره قوی دانشگاه تهران
 دکتر سعید کرمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
 دکتر محمدتقی کرمی دانشگاه علامه طباطبایی
 دکتر الهه کولایی دانشگاه تهران
 دکتر محمدرضا مجیدی دانشگاه تهران
 دکتر مجتبی مقصودی دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر حمید ملک‌زاده دانشگاه پیام نور
 دکتر عبدالامیر نبوی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

دکتر رضا نجف‌زاده دانشگاه شهید بهشتی
 دکتر کرک هاگینز دانشگاه BYU، آمریکا
 دکتر جعفر هزارجریبی دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه فرهنگ و معارف

کمیته اجرایی

دکتر خدیجه توفیقیان
 سیدجواد احمدی
 الهام ستاری

کمیته رسانه

محسن امیری

کمیته طراحی و سمعی - بصری

مهندس یوسف بهرخ
 مهدی اکبری

کمیته انفورماتیک

مجتبی شریعت‌زاده
 مسعود افشین
 امیر نوری

فهرست مطالب

چکامه دبیر علمی کنفرانس ف

چشم‌انداز ایران در جهان هـ

زنان، اعتدال و کارآمدی در سیاست

فهمیه آزموده ۱

مدیریت زنان در جهان پساکرونا

طاهره ابراهیمی فر ۳

زنان و معضله امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

محمد ابوالفتحی، یزدان خالدی‌پور ۵

عامل گفتمان‌های عدالت جنسیتی (سنت و مدرن) در برنامه‌های توسعه جمهوری

اسلامی ایران

فخری‌سادات احمدی ۷

زنان، شبکه‌های اجتماعی و بازتولید سلطه مردانه

(بازخوانی نظریه سلطه مردانه پی‌یر بوردیو در عصر شبکه‌های اجتماعی)

محمدامین اربابی ۹

فمینیسم (زن‌محوری): چارچوبی اجتماعی برای نقد مفاهیم سیاسی

ساریسا اردلان ۱۱

ارزیابی سیاست جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان

(مطالعه موردی ماده صد و یکم برنامه ششم توسعه)

زینب اسحاقی ۱۳

دختر است دیگر؛ تحلیل روایی هویت زنانه از منظر طنزهای شبکه‌های مجازی

وحید اسدزاده ۱۵

استعاره‌ها و روایت‌های «زنانه» و «مردانه» از قدرت در سینمای اصغر فرهادی

وحید اسدزاده ۱۷

جنسیت و عرصه‌های قدرت در زندگی روزمره از منظر سینمای فرهادی

وحید اسدزاده ۱۹

چالش‌های کار شایسته زنان در ایران در پرتو اسناد بین‌الملل

رضا اسلامی، خدیجه توفیق‌یان ۲۱

فلسفه، دکترین و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در مسایل و امور زنان

روح‌الله اسلامی، فاطمه مصیبی ۲۳

جایگاه توانمندسازی زنان در سیستم آموزشی ایران - مطالعه موردی: کتب درسی دبستان

روح‌الله اسلامی، الهه ولی‌زاده ۲۵

کارکردها و کژکاردهای توانمندسازی زنان در ایران

روح‌الله اسلامی، فاطمه نباتیان ۲۷

ضرورت تمایزگذاری مبانی روش‌شناختی امر زنانه - **Femininity** - با فمینیسم:

الزامات درکی کثرت‌گرا

علی اشرف نظری ۲۹

دشواره هنر زیستن و مقوله «حق» با محوریت زنان

سیدحسین اطهری، سیدهاشم منیری ۳۱

راهکارهای فرهنگی ارتقای نقش زنان در اثرگذاری سیاسی در ایران

محسن امیری ۳۳

موانع فرهنگی و ساختاری حضور زنان ایرانی در حوزه عمومی

متین انجم‌روز ۳۵

بررسی عملکرد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران
(مجلس اول تا دهم)

سمانه باباپور، ساناز رمضانپور شوبی ۳۷

بازتولید هویت زنانه در مکتوبات زن‌نگار روزنامه حبل‌المتین ۱۳۰۹-۱۳۷۲ ه.ش

علی باغدار دلگشا ۳۹

بررسی تأثیر چرخه بحران سیاسی بر نقش‌پذیری زنان در سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸)

علیرضا باقری رسایی ۴۱

بررسی صور خیال منفی در رمان «حالا کی بنفشه می‌کاری»

سیداحمد پارسا، شهربانو حسین‌پناهی ۴۴

آسیب‌شناسی جایگاه «وجودی» زنان در رسانه‌های جهان با رویکرد به مکتب
اگزستانسیالیسم دینی - اجتماعی

الناز پروانه‌زاد ۴۶

از فردیت تا سوژه‌گی؛ بازخوانی شخصیت ولگا در رمان «از شیطان آموخت و سوزاند»

الناز پروانه‌زاد، مهرناز پروانه‌زاد ۴۸

خوانشی پسا ساختارگرایانه از نظریه فمینیستی روابط بین‌الملل

بر اساس آرای ژولیا کریستوا

نوید تابش ۵۰

نقش یونسکو در توانمندسازی زنان در مناطق منازعه‌خیز خاورمیانه

نسترن تربتی ۵۲

عدالت جنسیتی و دستیابی زنان به قدرت سیاسی

با تکیه بر تجربه کشورهای حوزه اسکاندیناوی

عارفه توانافر ۵۴

چرایی ناگشودگی درهای نهادهای سیاسی به‌روی زنان ایرانی

محدثه جزائی ۵۶

سیاست مادرانه: طرح‌گویی از تولید انعطاف در وضعیت حاضر ایران

عرفان جعفری، امیر امجدیان ۵۸

مقایسه تطبیقی کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض علیه زنان و

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نیلوفر جعفری ۶۰

پیامدهای خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه با تأکید بر سازوکارهای قانونی

سیمین حاجی‌پور ساردویی، گارینه کشیشیان ۶۲

زنان و مدیریت؛ مطالعه عوامل تأثیرگذار بر حضور زنان در مدیریت‌های عالی‌رتبه

مرضیه حاجی‌پور ساردویی ۶۴

سیاست‌گذاری جنسیتی در قوانین حقوقی با تأکید بر قوانین زنان و خانواده

مهدیه حامد ۶۶

جهان عرب و مشارکت سیاسی زنان در قرن بیست‌ویکم دیاسپورای پرده‌نشینان

مظفر حسونند ۶۸

بررسی تأثیر اجرای برنامه اهداف توسعه هزاره در ایران بر

توانمندسازی زنان و ارتقای برابری جنسیتی

الهام حسین‌خانی، مهدی حصارکی، حامد عمویی ۷۰

تبیین چارچوب مفهومی و نظری و سازوکارهای توانمندسازی زنان

عبدالعلی حسینیون ۷۲

تأثیر نرخ مشارکت اقتصادی و تحصیلات آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی ایران

نوش‌آفرین خان‌زاده ۷۴

بررسی جواز خشونت علیه زوجه در قرآن

صالحه خدادادی ۷۶

بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در کشورهای حاشیه خلیج فارس

مطالعه موردی: کویت، بحرین و امارات در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰

علیرضا خسروزاده ۷۸

باورهای بازدارنده مشارکت سیاسی زنان در جامعه ایرانی

زهرا خلیلی ۸۰

بررسی عوامل مؤثر در ارتقای زنان به سطوح مدیریت بیمارستان

پروانه خیاط فراهانی ۸۲

بررسی عوامل مؤثر بر پایین آمدن نرخ مشارکت بانوان سیاسی در مناصب کلیدی ایران

محیا دانش ۸۴

نقش مشارکت زنان در حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری در جمهوری اسلامی ایران

دلارام دژآهنگ ۸۶

راهکارهای توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی

مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران

فرزانه دشتی، بیژن میرزایی ۸۸

نقش رسانه در توانمندسازی سیاسی زنان

محمد رضا دهشیری، لیلا فقیه‌لو ۹۱

الزامات و مأموریت‌های دانشگاه‌های توانمندساز زنان

فاطمه ذوالفقاریان ۹۳

واکاوی وضعیت مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در استان قزوین

صدیقه ربیعی ۹۵

تأثیر خانواده و سیاستگذاری عمومی بر نابرابری جنسیتی

مهرداد ربیعی، زهره خدایی بیاتیانی ۹۷

حکمرانی زنانه خوب در کنترل بحران‌های کرونا - مطالعه موردی: حوزه نوردیک

(نروژ، فنلاند، ایسلند، دانمارک و سوئد)

رضا رحمتی، فریبا حاصلی، فاطمه عرفانی ۹۹

مطالعه تطبیقی وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان

(بررسی وضعیت موجود و مطلوب)

سیمین رستمی‌فر، معصومه رضانی ۱۰۱

کنشگری زنان در عرصه تبلیغ دین

فاطمه رضوی‌راد ۱۰۳

سه‌میه‌بندی‌های جنسیتی و حضور زنان در پارلمان کشورهای در حال توسعه

(مطالعه موردی هند، مکزیک، سنگال و عراق)

ابوذر رفیعی قهساره ۱۰۵

تحلیل پارادوکس هویت انسانی زنان در ارتباط با انگاره‌های سنتی و مدرن

زینب سادات رفیعی‌پور علوی ۱۰۷

بررسی تأثیر فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی بر آگاهی سیاسی و کنشگری زنان در ایران

ساناز رمضانپور شوبی، احمد رشیدی ۱۰۹

فمینیسم اسلامی، فرصتی پیش رو در راستای توسعه حقوق زنان

منیره زاهدی گلوگاهی ۱۱۱

تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر نقض حقوق زنان - مطالعه موردی: منطقه غرب آسیا

حکیمه زعیم‌باشی ختمی ۱۱۳

محیط بین‌الملل و مسئله زنان در ایران: تحلیلی از منظر جامعه‌شناسی تاریخی

مهدی زیبائی، فرید کامیاب ۱۱۵

ارتقای جایگاه زنان در صلح و توسعه بررسی اقدام‌های آسه‌آن

بهاره سازمند ۱۱۷

جریان‌شناسی سیاسی فمینیسم

الهام ستاری ۱۱۹

بررسی مقایسه‌ای میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی در میان مسلمانان روسیه

سارا سلیمانی، دنیس گلبوویچ پادوسک ۱۲۱

استراتژی‌های موفق برای تشویق مشارکت مدنی و سیاسی زنان

پریسا سلیمی ۱۲۳

نقش احزاب سیاسی در روند ورود زنان به عرصه سیاست

زهره شجاعی ۱۲۵

موانع سیستم سهمیه‌بندی زنان در ایران بر اساس روش مبنایی (زمینه‌ای)

فاطمه شیرین ۱۲۶

جنسیت و تروریسم : عوامل مؤثر بر رادیکال شدن زنان در اروپا

یاسمن صابری ۱۲۸

سازوکارهای دسترسی به صلح پایدار و همزیستی در جوامع بومی

با تأکید بر نقش زنان خانه‌دار

بنیامین صادقی، مریم یوسفی صدر ۱۳۰

تحول گفتمانی در حوزه نقش زنان در ایران

مطالعه موردی: زنان در مجلس شورای اسلامی

سیدجواد صالحی، سیده مریم حسینی لرگانی ۱۳۲

بزهکاری ناخواسته زنان در بستر فقر و ناامنی اجتماعی

مبینا صدیقی ۱۳۴

نسبت توانمندسازی سیاسی زنان با مشارکت سیاسی

(با تأکید بر نظریه حمایت اجتماعی ساراسون)

حامد عامری گلستانی، انوشه دربندی ۱۳۶

مشارکت سیاسی فعالانه زنان؛ ضرورت کشورهای توسعه‌نیافته

مجید عباس‌زاده مرزبالی ۱۳۸

بررسی وضعیت زنان در کرونا و نقش آنان در تاب‌آوری زیست‌پسا کرونا

شراره عبدالحسین‌زاده ۱۴۰

واکاوی موانع اجتماعی تجرد قطعی زنان در ایران و اثرات آن بر تغییرات اجتماعی

شراره عبدالحسین‌زاده ۱۴۲

تأثیر موقعیت اجتماعی زنان بر فرآیند گذار به دموکراسی

(حقوق زنان و دموکراسی خواهی)

محمد عثمانی ۱۴۴

زنان، گفتگو و سپهر سیاسی ایران

میمنت عطاریانی ۱۴۶

بررسی جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه

سمانه فایض ۱۴۸

موانع و چالش‌های فراروی توسعه و گسترش کارآفرینی زنان

سمانه فایض ۱۵۰

مدیریت زنان؛ شاخصی نو در روند اشتغال جامعه پویا

سمانه فایض ۱۵۲

دانشگاه آزاد اسلامی، زنان و توسعه

سمانه فایض ۱۵۴

استراتژی‌های توسعه فضا برای مشارکت زنان در عرصه سیاست

ابوالفتح فخرمحمدیان ۱۵۶

کلیشه‌های جنسیتی و ردپای آن بر بازار کار زنان: خاستگاه انتخاب‌ها و ترجیح‌ها

سمیه فریدونی ۱۵۸

زنان و معنای مرد بودن در سال ۲۰۲۰ با تأکید بر نظریه «آشوب» جیمز روزنا

رضا فضلعلی ۱۶۰

بررسی تحلیلی ضرورت‌های ارزیابی تأثیرات جنسیتی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی

لیلا فلاحتی ۱۶۲

نقش زنان در توسعه فرهنگ زیست محیطی در ایران

فرزاد قبادی ۱۶۵

تأثیر تحولات حوزه زنان بر نظریه فقهی با محوریت دیدگاه امام خمینی (ره)

نیره قوی ۱۶۷

تبیین چارچوب مفهومی و نظری مکانیسم‌های توانمندسازی زنان

شهلا کاظمی‌پور ۱۶۹

نقش و جایگاه سیاسی زن در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی: تقابل دیدگاه

تحریم و تجویز مشارکت سیاسی زنان در عصر سلجوقی

محمد کامکاری، محمدعلی توانا، سیدمحمدجواد مصطفوی منتظری ۱۷۱

مقایسه حقوق مدنی زنان از منظر مهرانگیز کار و فاطمه مرنیسی

محمد کامکاری، محمدعلی توانا، سیدمحمدجواد مصطفوی منتظری ۱۷۳

چالش‌های منشور حقوق شهروندی در ترویج مشارکت و ارتقای حقوق زنان در ایران

توکل لطفی ۱۷۵

ارزیابی کیفی عوامل اثرگذار در مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دسترسی زنان به

حقوق شهروندی - مورد مطالعه: شهر تهران

نسیم‌السادات محبوبی شریعت‌پناهی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، لیلا فلاحتی ۱۷۷

راهکارهای توانمندسازی زنان در جهان پساکرونا از منظر سازمان ملل متحد

مطالعه موردی: آفریقا

فریده محمدعلی‌پور، شیرین حداد زند ۱۷۹

تأثیر زنان بر گسترش جامعه مدنی در ایران پس‌انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶

سیدمحمد محمدی ۱۸۱

بررسی مقایسه‌ای وضعیت زنان در کشورهای آسیای مرکزی با ایران

فاطمه محمدی ۱۸۳

الگوی توانمندی زنان نخبه سیاسی با تأکید بر آموزش

شیوا مدرس‌زاده ۱۸۵

زنان ایران؛ از فمینیسم تا خرد مردسالارانه

فرشته مرادی راغب ۱۸۷

بررسی نقش زنان در جامعه مبتنی بر موانع و مشکلات موجود

مطهره مرادی‌فر ۱۸۹

تأثیر تضمین حقوق شهروندی زنان بر دموکراتیزاسیون

آتنا مرکزی ۱۹۱

مطالعات زنان در پس دیوارهای بلند نادیده‌انگاری و به حاشیه‌سپاری

سیاست مقاومت در برابر تغییر

مجتبی مقصودی ۱۹۳

پدیدارشناسی و معرفت‌شناسی زنانه‌محور

حمید ملک‌زاده ۱۹۸

زنانگی و مسئله هویت‌یابی اجتماعی

حمید ملک‌زاده ۲۰۰

تأثیر حمایت شبکه‌های جمعی از زنان در ارتقای جایگاه سیاسی به

سطوح مقام سیاسی

طاهره مهرورزیان ۲۰۲

شناسایی مدل‌های تربیت سیاسی و تأثیر آن بر رقابت سیاسی

میان زنان سیاستمدار ایرانی

سیده آمنه میرخوشخو ۲۰۴

روش‌شناسی مبتنی بر ارزش‌های جنسیت با تمرکز بر دو مفهوم «عینیت» و «ارزش»

در دیدگاه ماکس وبر

سیده آمنه میرخوشخو ۲۰۶

بررسی نقش پدران در جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانش‌آموز

مطالعه موردی: دختران دانش‌آموز استان اصفهان

مهدی میرزایی قلعه میرزمانی ۲۰۸

بررسی نقش مردان در جامعه‌پذیری سیاسی زنان

مطالعه موردی: زنان متأهل استان اصفهان

مهدی میرزایی قلعه میرزمانی ۲۱۰

حضور زن در عرصه سیاستگذاری: موانع و راهکارها

یحیی میرشکاران، الهام وحیدی ۲۱۲

زن و سیاست‌گذاری تحلیلی بر مشارکت سیاسی زنان در ایران

یحیی میرشکاران، الهام وحیدی ۲۱۴

نقش زنان در حکمرانی خوب: مطالعه موردی پاندمی ویروس کووید - ۱۹

امیرهوشنگ میرکوشش ۲۱۶

سیاست و زنان؛ بررسی مشارکت زنان در سیاست در منطقه خاورمیانه

سیده مسعوده میرمسعودی ۲۱۸

بازنمایی رسانه‌ای خشونت علیه زنان - مطالعه موردی: قتل رومینا

سیدمحمدحسین میرهاشمی ۲۲۰

زمانه تصمیم‌گیری: مطالبات زنان و آینده ایران

سیدعبدالامیر نبوی ۲۲۲

مطالعه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا

(بررسی شاخص CPIA)

صدیقه نصری ۲۲۴

اخلاق مراقبت و دیگری: امکان‌سنجی عدالت و صلح

رضا نصیری حامد ۲۲۶

پیشگیری از خشونت بر علیه زنان در پرتو

«لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»

امیرحسن نیازپور ۲۲۸

ارتباط میان فرهنگی در سفر زنانه؛ پدیدارشناسی تجربه زنان ایرانی

از پیاده‌روی اربعین در عراق

سماء نیسی، محسن بدره ۲۳۰

زنان و معمای توانمندسازی یا سلطه‌پذیری در ایران رهیافتی انتقادی

شکیباسادات هاشمیان، سعید گازرانی ۲۳۲

قوانین حمایتی منع خشونت علیه زنان

مطالعه موردی قانون منع خشونت خانگی اقلیم کردستان عراق

آزاد عبدالقادر ولدبیگی ۲۳۴

بررسی سیاست‌های اثرگذار بر مطالعات زنان پس از انقلاب اسلامی

با تکیه بر روش آینده‌پژوهی

سمانه یحیی‌پور کومله ۲۳۶

بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب فارسی (بخوانیم) پایه اول دبستان در ایران

سمانه یحیی‌پور کومله ۲۳۸

WOMEN'S ROLE IN THE COLLECTIVE WATER MANAGEMENT IN COASTAL BANGLADESH: A CASE STUDY OF POND SAND FILTER SYSTEM

Muhammad Badrul Hasan 240

FUNDAMENTALS AND REQUIREMENTS OF METHODOLOGY IN WOMEN'S STUDIES

Shahla Bagheri 242

THE ROLE AND PRESENCE OF WOMEN IN THE RUSSIAN LEGISLATIVE PROCESS AFTER THE COLLAPSE OF THE SOVIET UNION

(Case Study: Duma)

Aref Bijan 244

THE ROLE OF WOMEN IN THE POLITICAL AND ECONOMIC STRUCTURE OF SOCIETY; IRAQI KURDISTAN AS A CASE STUDY

Ribaz Chato Biro, Zhila Nuri Saeed 246

A THOUSAND PETITIONS; A SINGLE DEMAND

A Demand for Equal Citizenship Rights and Recognition Reflections on Women's Petitions during the Constitutional Period

Simin Fasihi 248

A COMPARATIVE AND FEMINIST STUDY OF THE INHERITANCE OF LOSS BY KIRAN DESAI AND THE WHITE TIGER BY ARAVIND ADIGA

Roya Fattahpour 250

IRANIAN WOMEN: THE POLITICS OF UNDER-PRESENCE

Simin Hajipour Sardue 252

SAVING THE CITY BY WOMEN IN CAIRO

Seyedeh Roghayeh Hasani Chenar 254

THE ARAB WORLD AND WOMEN'S POLITICAL PARTICIPATION IN THE 21ST CENTURY; DIASPORA OF THE HIDDEN BEHIND CURTAINS

Mozafar Hasanvand 256

IRANIAN WOMEN'S PARTICIPATION IN POLITICS: CONSTITUTIONAL RIGHTS, ACTUAL BARRIERS & SUGGESTED SOLUTIONS

Jaleh Hassaskhah 259

EFFECTIVENESS OF INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS ON WOMEN'S RIGHTS

Marzieh Hojaji, Massimo Papa 261

OPPRESSIVE SOCIALIZATION AND WOMEN'S AUTONOMY

Noemi Magnani 264

ARAB POSTMODERN THINKERS AND THE CONCEPT OF WOMEN'S POLITICAL ACTION AND PARTICIPATION

Nafiseh Nikbakht 266

AN ANALYSIS OF APPROACHES APPLIED TO ADDRESS THE SURGE OF DOMESTIC VIOLENCE DURING THE COVID 19 PANDEMIC

Ana Yousefian 268

CAUSES OF THE FORMATION OF FEMINIST MOVEMENTS IN WEST ASIA**Case Study: Iran, Turkey and Saudi Arabia**

MarjanYousefpour, Ali Soltani 270

ISLAMIC FEMINISM; AN ONWARD OPPORTUNITY TOWARDS DEVELOPMENT OF WOMEN'S RIGHTS

Monireh Zahedi Galougahi 273

مانیفست کنفرانس بین‌المللی «علم سیاست، مطالعات زنان و آینده» ۲۷۵

چکامه دبیر علمی کنفرانس

کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران یکی از مراکز مطالعاتی و پژوهشی فعال در حوزه عدالت جنسیتی، حقوق دختران و زنان و مشارکت‌جویی آنان در عرصه قدرت و تصمیم‌گیری است که تلاش می‌کند با انجام مطالعات و تحقیقات و برگزاری نشست‌های علمی، فضایی بهتر و فرصتی شایسته‌تر برای شنیدن صدای زنان و دختران ایران‌زمین ایجاد کرده، چشم‌انداز مناسبی از روندها، فرصت‌ها و چالش‌هایی فراهم کند که دختران و زنان کشور ما با آنها روبه‌رو هستند و با بررسی این روندها، فرصت‌ها و چالش‌ها از دریچه‌ای علمی، راهکارهای مناسب را به قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه ارائه دهد.

در حرکت از آرزوها و آرمان‌ها بسوی استحقاق‌ها، شایستگی‌ها و حقوق و از برنامه‌ها و اهداف به سمت اقدامات، کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران تصمیم گرفت کنفرانسی در ابعاد بین‌المللی در حوزه مطالعات زنان برگزار کند. آرزوی ما این بود که این کنفرانس در یک فرصت مناسب بدون سایه کروناویروس اتفاق می‌افتاد؛ زمانی که حضور و دغدغه‌مندی مردم ما به شکلی بهتر می‌توانست به نمایش گذاشته شود.

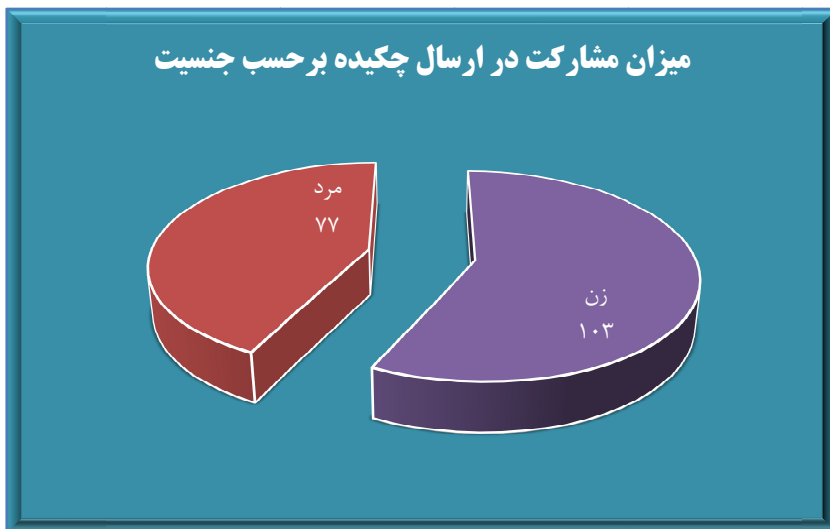
از این رو، کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران افتخار دارد که میزبان کنفرانس بین‌المللی «علم سیاست، مطالعات زنان و آینده» است. این کنفرانس اولین رویداد بین‌المللی در این حوزه محسوب می‌شود و تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای را ارائه خواهد داد. سخنرانان متعددی از دانشمندان، محققان، اساتید و دانشجویان دکتری داخل کشور سخنرانی کرده، یافته‌های خود را به اشتراک خواهند گذاشت.

سخنرانان بین‌المللی شامل پروفسور آن فیلیپس، استاد علوم سیاسی دانشکده اقتصاد لندن (LSE)، پروفسور لنا وانگروود، استاد علوم سیاسی دانشگاه گوتنبرگ سوئد، پروفسور تاریا وایرینن، استاد تحقیقات جنگ و صلح دانشگاه تامپره و پروفسور دونا لی باون استاد علوم سیاسی دانشگاه BYU هستند.

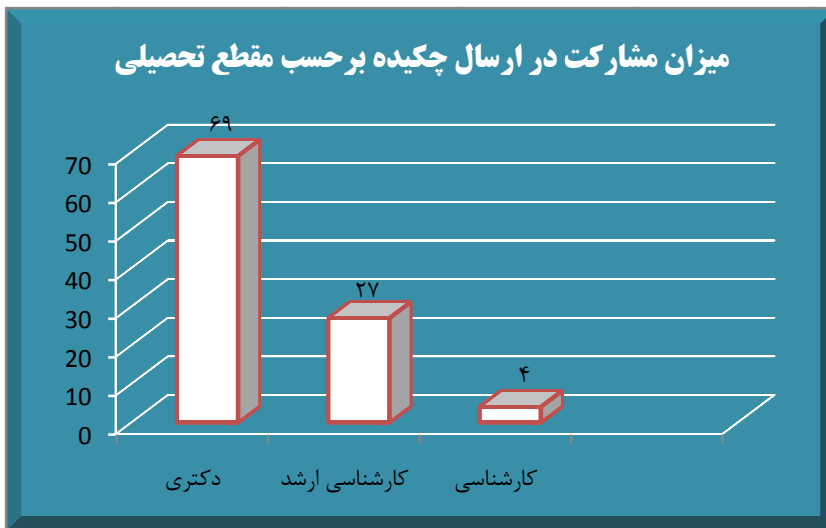
کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران از تمام افرادی که با ارسال مقاله و چکیده، تحقیقات و پژوهش‌های خود را به اشتراک گذاشتند، سپاسگزار است. ما از تجزیه و تحلیل این یافته‌ها، پیشنهادات و ایده‌ها برای تهیه بیانیه و مانیفست زنان بهره بردیم.

علاوه بر دریافت مقالات از کشورمان، ایران، مقالاتی نیز از کشورهای آذربایجان، آلمان، آمریکا، انگلیس، ایتالیا، بنگلادش، روسیه، سوئد و فنلاند برای این کنفرانس ارسال شد. این مقالات تلاش کرده‌اند دانش و آخرین یافته‌ها و تحقیقات خود را در حوزه مطالعات زنان در فضای علمی کنفرانس مطرح کنند. تمامی مقالات پذیرفته و ارائه شده در کتاب مجموعه مقالات و چکیده‌های کنفرانس چاپ شده‌اند و برخی از مقالات برای نمایه‌سازی به SCOPUS ارسال خواهد شد. تعدادی از مقالات با همکاری فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در این فصلنامه منتشر خواهند شد.

از مجموع ۱۸۰ نفری که برای ما مقاله ارسال کردند، ۱۰۳ نفر زن و ۷۷ نفر مرد هستند. خوشبختانه، آقایان با مشارکت خوب در این کنفرانس نشان دادند که به ایجاد فضایی علمی برای مطالعه مسایل زنان کشور و ارائه راهکار برای ظهور و بروز شایستگی‌های زنان و دختران علاقه‌مند هستند.

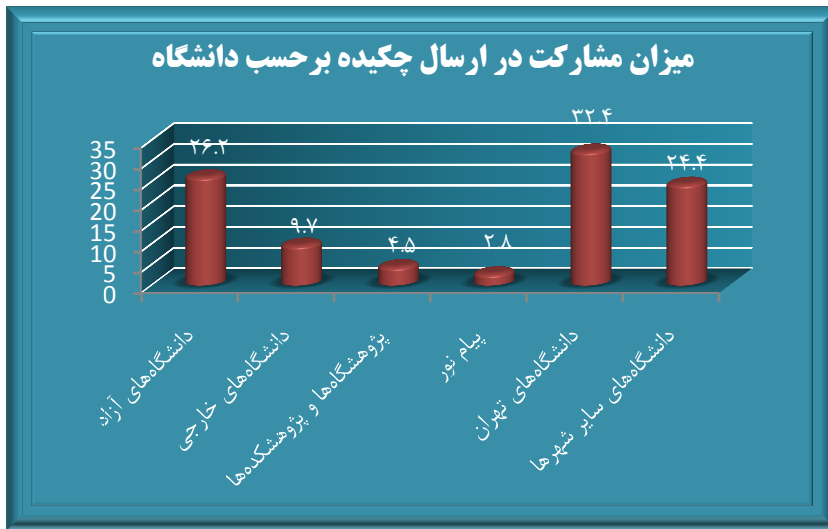


از این میزان، ۶۹ درصد دارای مدرک دکتری، ۲۷ درصد مدرک کارشناسی ارشد و ۴ درصد مدرک کارشناسی هستند. آمار نشان می‌دهد میزان مشارکت برحسب مدرک مقطع تحصیلی روند طبیعی خود را دارد. هر چند تصور نمی‌شد دارندگان مدرک کارشناسی یا دانشجویان دوره کارشناسی در ارسال مطلب مشارکت کنند، اما این مشارکت نشانه‌ها و سیگنال‌های امیدوارکننده از سوی نسل جوان برای آینده کشور است.

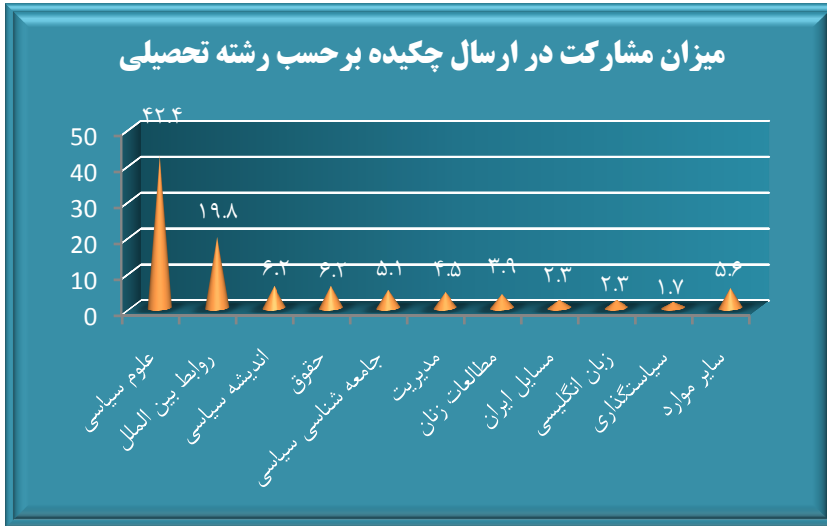


از پنج پژوهشگاه و پژوهشکده (شامل پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه‌های مختلف تهران (شامل دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و دانشگاه علوم انتظامی)، به علاوه دانشگاه‌های فردوسی مشهد، مازندران،

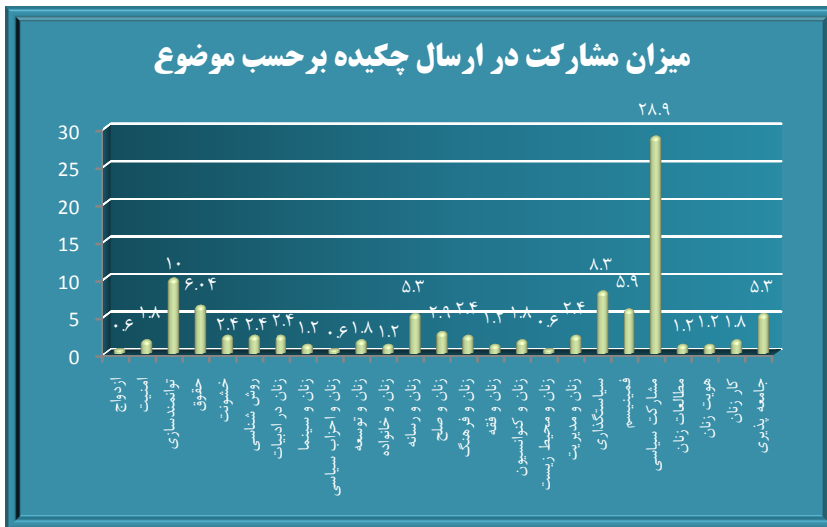
شیراز، یزد، گیلان، بوعلی سینا همدان، رازی کرمانشاه، قم، کردستان، تبریز، یاسوج، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین و دانشگاه حکیم سبزواری مقاله ارسال شده است. دانشگاه‌های خارجی مشارکت‌کننده عبارتند از: فردریش الکساندر آلمان، تورورتگا ایتالیا، دوستی ملل مسکو، سنت پترزبورگ روسیه، اربیل عراق، دانشگاه آلمان، دانشگاه لندن، دانشگاه تامپره فنلاند، دانشگاه BYU آمریکا، دانشگاه گوتنبرگ سوئد، دانشگاه رم، دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان و دانشگاه داکا.



از این میزان، دانش‌پژوهان رشته علوم سیاسی با ۴۲.۴ درصد بیشترین مشارکت را داشتند. رشته‌های روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی تحت یک عنوان واحد ۱۹.۸ درصد مشارکت داشتند. رشته مطالعات زنان به دلیل تعداد کم فارغ‌التحصیل و دانشجو با ۳.۹ درصد در کنفرانس شرکت کردند. سایر موارد ذکر شده (۵.۶ درصد) شامل رشته‌های فلسفه، ادبیات فارسی، برنامه‌ریزی جغرافیایی، برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، تاریخ، جغرافیای سیاسی و منابع طبیعی بود.



بیشترین میزان مقالات ارسال شده در موضوع مشارکت سیاسی زنان است که نشان می‌دهد موضوع مشارکت سیاسی زنان و حضور آنها در عرصه‌های مختلف برای دانشگاهیان از اهمیت بسیاری برخوردار است.



نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که این کنفرانس موفقیت بزرگی به دست آورده است. افراد زیادی از بسیاری جهات برای تبدیل این کنفرانس به یک رویداد با سخنرانی‌های جالب و ایجاد فضای مناسب برای بحث کمک کرده‌اند. من از همه سازمان‌ها و افرادی تشکر می‌کنم که سخاوتمندانه و بر اساس احساس مسئولیت در برابر جامعه زنان ما را در این مسیر یاری داده، به برپایی این کنفرانس کمک کردند. مهمانان، شرکت‌کنندگان و همکاران عزیز حضور شما کمک کرد تا این رویداد موفقیت بزرگی کسب کند و اشتیاق و روحیه مثبت شما باعث می‌شود که ماه‌ها کار و تلاش ما پربار و نتیجه‌بخش باشد. میزبانی این کنفرانس و استقبال از مدعوین حاضر در جلسه به صورت حقیقی و مجازی قطعاً برای کمیته مطالعات زنان انجمن علوم سیاسی ایران یک امتیاز و افتخار بزرگ است. همچنین این کنفرانس فرصتی عالی برای همه ما است تا به سخنرانی اندیشمندان برجسته‌ای گوش فرادهیم که دانش و تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند. در اینجا بر خود لازم می‌دانم از سرکار خانم دکتر مرضیه حاجی‌پور ساردویی، جناب آقای دکتر عبدالامیر نبوی، سرکار خانم دکتر خدیجه توفیقیان، جناب آقای مهندس علیرضا حسنی‌سعدی، جناب آقای دکتر شریعت‌زاده، جناب آقای دکتر صابر امامی، جناب آقای محسن امیری، جناب آقای مهدی اکبری، جناب آقای سیدجواد احمدی و سرکار خانم الهام ستاری که صادقانه، خالصانه و با صرف ساعت‌ها وقت در این مسیر همدلی داشتند، تشکر ویژه داشته باشم.

سیمین حاجی‌پور ساردویی

دبیر علمی کنفرانس بین‌المللی

«علم سیاست، مطالعات زنان و آینده»

چشم‌انداز ایران در جهان

حضور کم‌رنگ زنان در عرصه سیاست یکی از مسایل زنان است که تقریباً در تمام کشورهای جهان و در تمام سطوح قدرت و حکمرانی دیده می‌شود. یکی از چارچوب‌هایی که برای نشان دادن نابرابری جنسیتی در عرصه بین‌المللی استفاده می‌شود، شاخص شکاف جنسیتی است. متوسط شکاف جنسیتی در عرصه بین‌المللی در سال ۲۰۲۰، ۳۱.۴ درصد ارزیابی شده است. در ۱۰۱ کشور از ۱۴۹ کشور مورد مطالعه پیشرفت‌های کمی ایجاد شده است، اما این پیشرفت‌ها چشمگیر و سریع نیستند. در عین حال، تا به امروز هیچ کشوری نتوانسته به برابری دست یابد. در اندازه‌گیری شکاف جنسیتی از چهار زیرشاخص یا شاخص فرعی استفاده می‌کنند که شامل توانمندسازی سیاسی، مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، آموزش و بهداشت است.

جهان بزرگ‌ترین شکاف جنسیتی را در عرصه توانمندسازی سیاسی زنان تجربه می‌کند که ۷۵.۳ درصد در سال ۲۰۲۰ برآورد شده است. شکاف جنسیتی جهانی در زمینه توانمندسازی زنان حضور کم‌رنگ زنان را در تمام عرصه‌ها و نقش‌های سیاسی و بخصوص حضور گاه و بیگاه آنها را به عنوان رهبران کشورها نشان می‌دهد. اکثر زنان حاضر در جایگاه ریاست دولت نیز در دهه اخیر انتخاب شده‌اند. علی‌رغم این پیشرفت‌ها، اکنون در میان ۱۴۹ کشور جهان فقط ۱۷ زن در جایگاه ریاست دولت یا نخست وزیر قرار دارند. جایگاه زنان به عنوان وزیر و نماینده پارلمان در سطح جهان کمی بهتر است. ۲۱ درصد از جایگاه‌های وزرا در سراسر جهان به زنان اختصاص داده شده و در ۸۵ کشور از ۱۵۳ کشور مورد مطالعه اصلاً زنان در پنجاه سال اخیر در رأس کشور حضور نداشته‌اند. در مورد پارلمان هم بر اساس آمار اتحادیه بین‌المجالس متوسط حضور زنان در پارلمان‌های ملی سراسر جهان در سال ۲۰۲۰، ۲۵ درصد ارزیابی شده است. با این تصویر جهانی، میزان حضور زنان در منطقه منا یعنی خاورمیانه و شمال آفریقا بر اساس آمار به ۱۹ درصد می‌رسد. این در شرایطی است که در ایران به عنوان یکی از کشورهای منطقه منا این رقم فقط ۵.۹ درصد در مجلس یازدهم برآورد می‌شود.

بنابراین آمار، میزان مشارکت زنان ایرانی در عرصه سیاست بسیار پایین است. بر اساس پژوهش‌های محققان، در منطقه منا، با ۱۹ درصد مشارکت سیاسی زنان، ۱۵۳ سال طول می‌کشد تا این شکاف در عرصه سیاست برطرف شود. حال این سؤال مطرح است که در کشور ما با ۵.۹ درصد چند سال طول می‌کشد تا شکاف جنسیتی در عرصه سیاست برطرف شود؟

دومین شکاف بزرگ جنسیتی در مشارکت اقتصادی و فرصت‌های اقتصادی در سطح جهان دیده می‌شود. تا سال ۲۰۲۰، ۵۷.۸ درصد از این شکاف جنسیتی در حوزه اقتصاد پر شده است که نسبت به سال ۲۰۱۹، این شکاف جنسیتی کمی افزایش یافته است. این در حالی است که شکاف اقتصادی بر شکاف سیاسی تأثیرگذار است. عواملی مانند اختلاف سطح دستمزد، میزان کم‌رنگ اشتغال زنان و کار بدون دستمزد زنان در خانه، شکاف اقتصادی میان زنان و مردان را در ایران گسترده کرده است، این در حالی است که دسترسی به خدمات مالی در میان زنان و مردان ایرانی تقریباً یکسان است. در این عرصه، نرخ مشارکت زنان به عنوان نیروی کار در ایران فقط ۱۳ درصد است، در حالی که این نرخ برای مردان به ۷۱.۴ درصد می‌رسد. با توجه به اینکه حضور زنان در عرصه سیاست لازم و ملزوم حضور آنها در عرصه اقتصاد است، شکاف اقتصادی و توانمندی کمتر زنان از منظر اقتصادی موجب شده زنان در عرصه سیاست هم حضور کم‌رنگ‌تری داشته باشند.

زنان ایران از منظر آموزش با مردان برابری می‌کنند؛ به گونه‌ای که نرخ سواد در میان زنان ایرانی ۹۷.۷ درصد و در میان مردان ایرانی ۹۸.۲ درصد است و نابرابری در آموزش در ایران فقط ۴.۹ درصد برآورد شده است. زنان تحصیل‌کرده ایران از منظر شکاف آموزشی، این فاصله را برطرف کرده‌اند، اهداف بزرگ‌تری پیدا کرده‌اند و از منظر سرمایه انسانی ارزش افزوده یافته‌اند. اما هیچ ارتباط معنادار و منطقی میان نرخ آموزش و حضور زنان در عرصه سیاست و اقتصاد در ایران وجود ندارد.

در این چارچوب، از منظر زیرشاخص‌های آموزش و بهداشت، آمارها در سطح جهانی امیدوارکننده است، به طوری که در آموزش، شاهد شکاف جنسیتی ۴.۴ درصد و در بهداشت ۴.۶ درصدی هستیم.

بهبود عدالت جنسیتی توسعه‌یافتگی را تقویت خواهد کرد. شواهد نشان می‌دهد در صورت توجه به عدالت جنسیتی، کشورها با افزایش حضور زنان کارآفرین در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی، با کاهش فقر، افزایش درآمد خانوار، افزایش رفاه خانواده‌ها و شتاب رشد اقتصادی مواجه خواهند بود.

کشورهای مختلف استراتژی‌های مختلفی را برای دستیابی به این اهداف تدوین کرده و تجربه‌های متفاوتی اندوخته‌اند. برخی از این استراتژی‌ها عبارتند از:

- ← تدوین سهمیه‌بندی برای زنان برای حضور تعداد بیشتر و پررنگ‌تری از زنان در عرصه‌های سیاسی، مدیریتی و پارلمان؛
- ← تدوین سیاست‌های تبعیض مثبت جنسیتی؛
- ← ایجاد کمیسیون‌های تخصصی زنان؛
- ← ایجاد نهاد حقوق زنان؛
- ← اتخاذ سیاست‌های حساس و پاسخگو به جنسیت؛
- ← اختصاص بودجه‌هایی به منظور بهبود وضعیت زنان در حوزه‌های مختلف.

زنان، اعتدال و کارآمدی در سیاست

فهمیه آزموده^۱

چکیده



تأثیر اعتدال

فیزیولوژیک و

سایکولوژیک زنان بر

مقولات سیاسی چون

تسهیل عمل سیاسی،

توان اجماع‌سازی،

تلطیف روابط قدرت و

... چگونه است؟

حضور زنان در عرصه‌های مدیریت سیاسی از جمله موضوعات مناقشه‌برانگیزی محسوب می‌شود که همواره موافقان و مخالفان خود را داشته است. برخی با استناد به نصوص دینی حضور زنان در چنین عرصه‌هایی را مخالف اراده شارع قلمداد می‌کنند و برخی نظر به تجربیات مدیریتی زنان به کارکردها و نتایج عمل آنها نظر دوخته‌اند؛ از جمله این افراد منتسکیو اندیشمند بزرگ قرن هجدهم میلادی است. مونتسکیو در روح‌القوانین ضمن احصای تجربیات موفق زمام‌داری زنان در کشورهای مختلف و در اعصار مختلف، نتیجه می‌گیرد این اعتدال فیزیولوژیک و سایکولوژیک زنان است که از آنها زمام‌دارانی مؤثر و مفید می‌سازد. از این نگاه زنان بهترین گزینه برای حکومت در دموکراسی‌ها محسوب می‌شوند. مقاله حاضر نظر به این پیش فرض مونتسکیو بر آن است به مطالعه تأثیر اعتدال زنان بر مقولات سیاسی چون تسهیل عمل سیاسی، توان اجماع‌سازی، تلطیف روابط قدرت و ... بپردازد. بر این اساس، تلاش می‌شود نمونه‌هایی موفق‌ی چون خانم آنجلا مرکل و ... مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد.

^۱ دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

واژگان کلیدی: زنان؛ اعتدال؛ کارآمدی؛ زمام‌داری؛ اجماع‌سازی



مدیریت زنان در جهان پسا کرونا

طاهره ابراهیمی فر^۱

چکیده



رهبری زنان در عرصه پسا کرونا چگونه خواهد بود؟

جهان پسا کرونا هرگز همانند گذشته نخواهد بود، اما آنچه اهمیت دارد، این است که اطمینان حاصل کنیم که جهان به سمت جوامع عادلانه‌تر و برابری سوق پیدا می‌کند؛ جایی که همه ما از یکدیگر مراقبت می‌کنیم و نسل‌های آینده از حقوق و فرصت‌های یکسانی برخوردار خواهند شد. از سوی دیگر، ارتباط تنگاتنگ بین بهداشت و سرزمین هرگز تا این اندازه قابل مشاهده نبوده است. فائق آمدن بر چالش‌های بهداشتی فقط با اقدامات بهداشتی قوی که با ارائه خدمات صحیح عمومی پشتیبانی می‌شود، میسر خواهد شد. از این رو، بجای اینکه صرفاً به دنبال «بازگشت به حالت عادی» باشیم، وقت آن است برابری جنسیتی را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از راه حل بسیاری از چالش‌های پیش رو از نظر بهداشت، آب و هوا، اقتصاد و حقوق اساسی بشر در نظر بگیریم و از هر نوع سیر قهقرایی دوری کنیم و بین برابری زن و مرد در جوامع خود و مباشرت جوامع و سیاره ما پیوند برقرار کنیم. واضح است که شرایط اضطراری بهداشتی به طور یکسان بر زن و مرد تأثیر نمی‌گذارد و این اذعان ساده برای غلبه بر این

^۱ دانشیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

بیماری همه‌گیر و آینده ضروری خواهد بود. این مقاله در صد پاسخگویی به این سؤال است که رهبری زنان در عرصه پسا کرونا چگونه خواهد بود؟ یافته این تحقیق بر این امر تأکید دارد که زنان توانمندتر و ایمن‌تر، به جوامع مقاوم‌تر و ایمن‌تر منتهی می‌شوند.

واژگان کلیدی: زنان؛ پسا کرونا؛ مدیریت؛ برابری جنسیتی



زنان و معضله امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

محمد ابوالفتحی^۱
یزدان خالدی پور^۲

چکیده

مقاله حاضر با طرح این پرسش که «مسایل زنان چگونه می‌توانند در بازتولید امنیت اجتماعی برای نظام جمهوری اسلامی نقش داشته باشند؟» بر آن است تا نقش زنان را در امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد. در این چارچوب، در ابتدا چالش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان شناسایی شده‌اند که در بُعد درونی، گذار از سنت به تجدد و در بُعد بیرونی، تصویرسازی رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه از زن در جامعه ایران هستند. در واقع، از یک سو، در دوران گذار از سنت به مدرنیته، جایگاه، وظایف، نقش و موقعیت اجتماعی زنان در جامعه سنتی متزلزل و پایه‌های آن سست شده است، اما متناسب با وضعیت جامعه مدرن بازتعریف نشده‌اند. از سوی دیگر، رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه در راستای اهداف سیاسی، الگوهایی از زن را تبلیغ و ارائه کرده‌اند که در تناسب با بافتارهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان نیست. این رسانه‌ها در پی آن هستند تا نوع و سبک



مسایل زنان چگونه می‌توانند در بازتولید امنیت اجتماعی برای نظام جمهوری اسلامی نقش داشته باشند؟

^۱ عضو هیأت علمی علوم سیاسی، دانشگاه رازی

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی

پوشش و روابط زنان در اجتماع را، به عنوان واکنشی سیاسی در برابر حکومت مطرح کنند که مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران را به چالش کشیده، با رفتارهای روزمره خود، هویت مقاومت را در برابر حکومت بازتولید می‌کنند. پس از شناسایی چالش‌ها، راهکارهایی برای مدیریت چالش‌ها و افزایش نقش زنان در بازتولید امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است. مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس چارچوب نظری مکتب کپنهاگ به تحلیل موضوع می‌پردازد.

واژگان کلیدی: امنیتی‌سازی؛ تصویرسازی؛ رسانه‌های بیگانه؛ زنان؛ سنت؛ مدرنیته

تعامل گفتمان‌های عدالت جنسیتی (سنت و مدرن) در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران

فخری‌سادات احمدی^۱

چکیده

مقاله پیش رو به واکاوی تعامل عدالت جنسیتی و برنامه‌ریزی توسعه در گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. سؤال اصلی ما در این پژوهش این است که تحول گفتمانی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران از تقابل تا تعامل بین سنت و مدرن در برنامه‌ریزی توسعه چگونه قابل تحلیل است؟ بدین ترتیب، برای شرح تعامل گفتمان‌های سنت و مدرن در نظام برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران، خواهیم دید که هر یک از گفتمان‌های مسلط در سه دهه اخیر در جمهوری اسلامی ایران با توجه به منظومه گفتمانی خود در خصوص برنامه‌ریزی توسعه مواجهه متفاوتی در خصوص عدالت جنسیتی داشته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سیاست‌های برنامه‌ریزی توسعه جمهوری اسلامی ایران در خصوص منظومه عدالت جنسیتی در پی گفتمان‌های مسلط دچار تقابل‌های معنایی و چالش‌های کارکردی و عملکردی شده‌اند، به طوری که در مرحله تحول بعدی از درون دو گفتمان سنت و مدرن به ظهور تکاملی خرده‌گفتمان اعتدال‌گرا منجر شد و این سیر تحول و



تحول گفتمانی
دولت‌های جمهوری
اسلامی ایران از تقابل
تا تعامل بین سنت و
مدرن در برنامه‌ریزی
توسعه چگونه قابل
تحلیل است؟

^۱ دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی E-mail: fakhryahmadi@gmail.com

تکامل با همنشینی نشانه‌های عدالت جنسیتی مقبول که تلفیقی از ارزش‌های سنتی و ارزش‌های مدرن است، منجر به برنامه‌ریزی توسعه مطلوب‌تر شد. روش تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه است.

واژگان کلیدی: تعامل؛ تقابل؛ اعتدال‌گرا؛ ارزش‌های سنتی؛ ارزش‌های مدرن؛ زنان



زنان، شبکه‌های اجتماعی و بازتولید سلطه مردانه

(بازخوانی نظریه سلطه مردانه پی‌یر بوردیو در عصر شبکه‌های اجتماعی)

محمدامین اربابی^۱

چکیده



همه‌گیری شبکه‌های اجتماعی چگونه بر دگرگونی این روابط قدرت مادی و سمبلیک تأثیر داشته و چگونه امکانی را برای زنان در تغییر این شکل از روابط قدرت ایجاد کرده است؟

پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، در کتاب سلطه مردانه خود با استفاده از چارچوب تحلیلی خود یعنی نظریه کنش، خشونت نمادین و اقتصاد سمبلیک سعی می‌کند چگونگی بازتولید ساختارهایی که در آن زنان زیر سلطه مردانه قرار گرفته‌اند و به بخش‌های خاصی از جامعه همچون فرهنگ هدایت می‌شوند و از بخش‌های دیگر همچون اقتصاد و سیاست طرد می‌شوند را نشان دهد. در واقع، از منظر بوردیو ساختارهای اجتماعی با بازتولید مداوم باعث تداوم این سلطه شده، زنان برای تغییر در این روابط باید در نهادهایی همچون کلیسا، آموزشگاه و دولت که باعث تداوم این شکل از روابط قدرت مادی و سمبلیک است، اقدام کنند. نگارنده در این مقاله قصد دارد با بازخوانی دوباره نظریه بوردیو در عصر شبکه‌های اجتماعی به این پرسش پاسخ دهد که همه‌گیری شبکه‌های اجتماعی چگونه بر دگرگونی این روابط قدرت مادی و سمبلیک تأثیر داشته و چگونه امکانی را برای زنان در تغییر این شکل از روابط قدرت ایجاد کرده است و از این طریق، به

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تهران

بازخوانی و نقد نظریه سلطه مردانه بوردیو در عصر همه‌گیری
شبکه‌های اجتماعی بپردازد.

واژگان کلیدی: زنان؛ بازتولید اجتماعی؛ پی‌یر بوردیو؛ سلطه مردانه؛ شبکه‌های
اجتماعی؛ قدرت نمادین



فمینیسم (زن محوری): چارچوبی اجتماعی برای نقد مفاهیم سیاسی

ساریسا اردلان^۱

چکیده



در چارچوب نظریه فمینیسم و انواع آن چگونه می‌توان به مفاهیم سیاسی و روابط بین‌الملل نگرست که نقش زنان در آن نادیده گرفته نشود؟

فمینیسم به عنوان جنبشی اجتماعی تلاشی برای دگرگون ساختن ساختار اجتماعی قلمداد می‌شود. در وهله نخست، به نظر می‌رسد همانند دیگر جنبش‌ها، دغدغه اصلی آن ایجاد تغییر در مناسبات اجتماعی و توزیع مجدد قدرت سیاسی و اقتصادی است. این باور هم به تدریج پذیرفته شده است که اگر فمینیسم را به عنوان جنبشی اجتماعی بپذیریم، باید ایجاد تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همراه با دگرگونی‌هایی در زمینه تولید شناخت و معرفت علی‌الخصوص مفاهیم پایه باشد. در این نوشتار به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که در چارچوب نظریه فمینیسم و انواع آن چگونه می‌توان به مفاهیم سیاسی و روابط بین‌الملل نگرست که نقش زنان در آن نادیده گرفته نشود؟ از دیدگاه این نظریه‌پردازان، روابط بین‌الملل تاکنون بر بنیان و شالوده مردسالارانه استوار بوده، در تمامی این عرصه‌ها، نقش زنان ناخواسته و یا از روی عمد کنار گذاشته شده است. در چارچوب نظریه فمینیسم، فرضیه‌ای را به آزمون می‌گذاریم با این عنوان که این نظریه با

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان

استفاده از نگاه انتقادی خود وجوهی از روابط اجتماعی و بین‌المللی را آشکار کرده و مورد تأکید قرار داده است که سایر نظریه‌ها به آنها بی‌اعتنایی کرده‌اند و این نظریه می‌تواند در تحول بسیاری از مفاهیم روابط بین‌الملل کمک شایانی انجام دهد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده و روش گردآوری داده‌های آن کتابخانه‌ای و رسانه‌ای است.

واژگان کلیدی: فمینیسم؛ امنیت؛ جنگ؛ صلح، قدرت؛ روابط بین‌الملل



ارزیابی سیاست جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان

(مطالعه موردی ماده صد و یکم برنامه ششم توسعه)

زینب اسحاقی^۱

چکیده



ارزیابی سیاست‌ها، قوانین و مقررات وضع شده جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان بر اساس دو معیار اثربخشی و کارآیی چگونه است؟

با استناد به اصول دهم، بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تأکیدات مکرر در برنامه‌های مختلف توسعه کشور و همچنین سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، می‌توان اذعان کرد که همواره نقش مؤثر زنان - به عنوان نیمی از جمعیت کشور - در فرآیند توسعه، مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. با این حال، به رغم اجرای پنج برنامه توسعه‌ای و در نیمه راه سند چشم‌انداز، به نظر می‌رسد کشور همچنان از توسعه نامتوازن در حوزه زنان متأثر است. به این ترتیب، ارزیابی سیاست‌های این حوزه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. در این راستا، مقاله حاضر در چارچوب یک پژوهش تحلیلی - اکتشافی و با بهره‌گیری از رهیافت نهادی می‌کوشد، از طریق دو معیار اثربخشی و کارآیی، به ارزیابی سیاست‌ها، قوانین و مقررات وضع شده جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان بپردازد. همچنین به منظور تحدید موضوع مورد بحث، ماده صدویکم قانون برنامه ششم توسعه برگزیده شده است. از آنجایی که در حال حاضر، برنامه ششم توسعه هنوز به

^۱ کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه تهران E-mail: zeshaghi94@ut.ac.ir

پایان نرسیده و علاوه بر این، سازمان برنامه و بودجه کشور نیز تنها گزارش عملکرد سال اول و دوم برنامه ششم توسعه را به مجلس تقدیم کرده است، پژوهش پیش رو به ارزیابی دو سال اول برنامه ششم توسعه می‌پردازد. نهایتاً با در نظر گرفتن نقاط ضعف موجود در روند تحقق اهداف مندرج در ماده مورد بحث، مهم‌ترین دستاورد مقاله حاضر را می‌توان به این صورت مطرح کرد که دولت توانسته است، سیاست‌های اثربخش و کارآمدی را در سال‌های اول و دوم برنامه ششم توسعه، برای ماده صدویکم اعمال کند.

واژگان کلیدی: زنان؛ اثربخشی؛ رهیافت نهادی؛ سیاستگذاری؛ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ کارآیی

دختر است دیگر

تحلیل روایی هویت زنانه از منظر طنزهای شبکه‌های مجازی

وحید اسدزاده^۱

چکیده



مقوله‌ها و استعاراتی که طنزها درباره هویت زنانه به کار می‌برند، چه روایتی از هویت زنانه را بازتولید می‌کند؟

شبکه‌های مجازی را می‌توان مهم‌ترین منبع بازتولید روایت‌های جهان امروز دانست. روایت‌های هویت‌ساز زنانه در قالب استعاره‌های متعددی بازتولید می‌شوند. در شبکه‌های مجازی ایرانی محتوای خاصی از طنز با برجسب (هشتگ) «دختر است دیگر» به وجود آمد که درون‌مایه اصلی آن نمایش ناتوانی‌های زنانه - با تأکید بر دختران - بود و به شیوه‌ای نظام‌مند استعاره «دختر است دیگر» را وارد گفتمان بازنمایی هویت زنانه در شبکه‌های مجازی کرد. به دنبال آن، طیفی از طنزهای گفتاری نیز تولید شد که همان محتوا را در قالب‌های دیگری تولید می‌کرد و اغلب ناتوانی زنانه در مواجهه با وجوه عقل ابزاری مانند عقل تکنولوژیک را تصویر می‌کرد. سؤال اصلی این نوشتار این است که مقوله‌ها و استعاراتی که این طنزها درباره هویت زنانه به کار می‌برند، چه روایتی از هویت زنانه را بازتولید می‌کند. در این مقاله، با تلفیق رهیافت لیکاف و جانسون در تحلیل روایت با تحلیل چارچوب گافمن تلاش خواهد شد به پرسش یادشده پاسخ داده شود. اهمیت

^۱ دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تهران E-mail: vahid.asadzadeh@ut.ac.ir

این نوشتار در نشان دادن سازوکارهای نامرئی استعاره‌های روزمره فضای مجازی در شکل‌دادن به هویت فرودست زنانه است.

واژگان کلیدی: هویت زنانه؛ تحلیل روایی؛ شبکه مجازی؛ استعاره؛ طنز

استعاره‌ها و روایت‌های «زنانه» و «مردانه» از قدرت در سینمای اصغر فرهادی

وحید اسدزاده^۱

چکیده



در بررسی توانمندسازی زنان، تحلیل میکروپلیتیک قدرت در زیست روزمره جایگاه مهمی دارد. از این منظر، می‌توان روایت‌ها و استعاره‌های توانمندساز یا ضد آن را شناسایی کرد و سازوکارهای ساختاری بخشی به نظام‌های مفهومی مرتبط با هویت‌های جنسیتی را نشان داد که نقش مهمی در توانمندسازی دارند. سینمای اصغر فرهادی روایت‌های خاصی از زندگی طبقه متوسط ایرانی را نمایش می‌دهد که از طریق آن می‌توان به وجوهی از دینامیک و سینماتیک نیروهای زنانه و مردانه در شکل‌بخشی به هویت‌های جنسیتی پی برد. سؤال اصلی این است که میزان قدرت زنان و مردان در کنترل اجزای زندگی روزمره و جایگاه این قدرت در روایت‌هایی که از زنانگی و مردانگی در سینمای اصغر فرهادی ارائه می‌شود چیست؟ برای پاسخ به این سؤال با تلفیق رهیافت لیکاف و جانسون در تحلیل روایت با تحلیل چارچوب گافمن سه فیلم چهارشنبه‌سوری (۱۳۸۴)، درباره‌الی (۱۳۸۷) و جدایی نادر از سیمین (۱۳۸۹) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این مقاله،

میزان قدرت زنان و مردان در کنترل اجزای زندگی روزمره و جایگاه این قدرت در روایت‌هایی که از زنانگی و مردانگی در سینمای اصغر فرهادی ارائه می‌شود چیست؟

^۱دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تهران E-mail: vahid.asadzadeh@ut.ac.ir

با تقسیم‌بندی دوره‌های فیلمسازی فرهادی نشان داده خواهد شد که اصغر فرهادی در دوره اول فیلمسازی در رابطه با مسایل زنان موانع نهادی همچون قانون و فقه را مد نظر قرار می‌دهد. اما در دوره دوم با تمرکز بر میکروپلیتیک قدرت، موانعی که در این سطح مانع توانمندسازی زنان است، تصویر می‌شوند و تلاش می‌کند تا موانع توانمندسازی زنان را در محدودیت‌های آنها در کنش‌های معطوف به کنترل جهان - زیست نمایش دهد. قدرت واقعی، توانایی کنترل جهان - زیست است و موانع نهادی ریشه در موانع خرد و میکروپلیتیک قدرت دارد.

واژگان کلیدی: قدرت؛ هویت جنسیتی؛ اصغر فرهادی؛ میکروپلیتیک قدرت؛ تحلیل روایی

جنسیت و عرصه‌های قدرت در زندگی روزمره از منظر سینمای فرهادی

وحید اسدزاده^۱

چکیده



ابزارها و عرصه‌های
انقیاد زنان در زیست
روزمره از منظر
سینمای فرهادی
کدام است؟

رویکردهای فلسفی و جامعه‌شناختی طی تحولات خود به تدریج دریافتند که عرصه‌های قدرت، انقیاد و سلطه در سطح خرد زندگی روزمره قرار دارد. مطالعات جنسیت نیز با تأثیر از این رویکردهای جدید تلاش کردند عرصه‌های انقیاد زنان را در بافت زندگی روزمره نشان دهند. اصغر فرهادی به عنوان یکی از مطرح‌ترین سینماگران ایرانی با تمرکز بر زندگی روزمره داستان‌های خود را تصویر می‌کند. بنابراین، می‌توان برای تحلیل مناسبات جنسیت و قدرت در زیست روزمره به بازنمایی او رجوع کرد. بر این اساس، سؤال این پژوهش عبارت است از: ابزارها و عرصه‌های انقیاد زنان در زیست روزمره از منظر سینمای فرهادی کدام است؟ برای پاسخ به این سؤال با استفاده از ایده‌هایی که از ادبیات پژوهشی میشل فوکو درباره زیست - سیاست و زیست - قدرت گرفته شد، در سطح میکروپلتیک قدرت، زیست روزمره زنان در سینمای فرهادی را با روش تحلیل چارچوب اروینگ گافمن مورد بررسی قرار داده‌ایم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در سینمای فرهادی

^۱دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تهران E-mail: vahid.asadzadeh@ut.ac.ir

شاهد هستیم که چگونه سازوکارهای میکروپلیتیک قدرت در زندگی روزمره مانع ایجاد تجربه‌های انباشت‌پذیر زنان و در نتیجه معناسازی و خلق روایت‌های زنانه و ترکیب آنها در فرهنگ جمعی است. محل تولید انقیاد در زندگی روزمره در منازعه دو نحوه زیست و دو شیوه مواجهه زنان (متکثر) و مردان (یقینی) با جهان در لحظه‌های بحران است. شخصیت‌های زن سینمای فرهادی تاکتیک‌ها و استراتژی‌های مقاومتی اتخاذ می‌کنند که بدون مواجهه مستقیم با نظم مستقر مذکر، آن را به تدریج از ساحت‌های مختلف عزل کنند تا حوزه‌های تولید معنا و روایت‌های زنانه افزون شود. مهم‌ترین استراتژی آنها ایجاد «حس تردید» در مبانی وضعیت مستقر و صحبت از امکانیت «چیز دیگر» است که افق‌های جدید را ایجاد می‌کند؛ فرآیندی که گاه پرهزینه است و از زنان شخصیتی مطرود می‌سازد. پایان‌های باز سینمای فرهادی به لحاظ فرم و محتوا در خدمت تکثری است که افق‌های جدید را فارغ از قضاوت به رسمیت می‌شناسد.

واژگان کلیدی: جنسیت؛ اصغر فرهادی؛ انقیاد زنان، روایت‌های زنان

چالش‌های کار شایسته زنان در ایران در پرتو اسناد بین‌الملل

رضا اسلامی^۱
خدیجه توفیقیان^۲

چکیده



چه چالش‌ها و
خلاءهایی در زمینه
تحقق حق کار
شایسته زنان در نظام
حقوقی ایران در پرتو
حقوق بین‌الملل
وجود دارد؟

حق کار شایسته زنان به عنوان یکی از حقوق بنیادین زنان در هزاره جدید در سطح دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. کار شایسته تحقق چهار هدف اساسی: حقوق بنیادین کار، اشتغال مولد، حمایت اجتماعی و گفتگوی اجتماعی را دنبال می‌کند. مبانی این حق، بر التزامات نسبتاً یکسانی از جمله منع اشتغال زنان در ساعات شب به جز مشاغل خاص، منع تبعیض و ... مبتنی است. جمهوری اسلامی ایران، از جمله کشورهایی است که یکی از پایه‌های پیشرفت آن، حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف بوده است. با این وجود، چالش‌ها و خلاءهای اساسی حقوق کار در ایران و کنوانسیون‌های بین‌الملل به چشم می‌خورد. سؤال اصلی مقاله این است که چه چالش‌ها و خلاءهایی در زمینه تحقق حق کار شایسته زنان در نظام حقوقی ایران در پرتو حقوق بین‌الملل وجود دارد؟ نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در وهله نخست، عمده‌ترین چالش‌ها و خلاءها در حقوق ایران نسبت به حقوق بین‌الملل، تفاوت‌های مبنایی و ساختاری است. در ایران

^۱ دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، گروه حقوق

^۲ دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان E-mail: toufighian1389@gmail.com

دیدگاه‌های فقهی و وجود نهادهای متعدد قاعده‌گذار و در حقوق بین‌الملل، عدم وجود نهاد اجرایی مرکزی و نظارت مرکزی بر تحقق حق کار شایسته زنان از موانع دستیابی به این حق محسوب می‌شوند. از دیگر چالش‌ها می‌توان به حضور زنان سرپرست خانوار، تبعیض جنسیتی در محیط کار و نابرابری دستمزد زنان نسبت به مردان اشاره کرد.

واژگان کلیدی: اشتغال؛ حقوق بین‌الملل؛ حقوق بنیادین کار؛ کار شایسته زنان

فلسفه، دکترین و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در مسایل و امور زنان

روح‌الله اسلامی^۱
فاطمه مصیبی^۲

چکیده



فلسفه، دکترین و
سیاست‌های
جمهوری اسلامی
ایران در امور و
مسایل زنان چیست؟

در جمهوری اسلامی ایران زنان به دلیل نقش مادری و اهمیتی که در حفظ بنیان خانواده دارند، از توجه ویژه‌ای برخوردار هستند. در این مقاله، فلسفه، دکترین و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در امور زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. منظور از فلسفه، جهان‌بینی و نگاه کلی جمهوری اسلامی ایران به مسایل زنان است. دکترین اندیشه راهبردی است که مسیر را نشان می‌دهد و سیاست‌ها نیز مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها هستند که در اقدامات و اجرائیات ظهور می‌یابند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که فلسفه، دکترین و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در امور و مسایل زنان چیست؟ فرضیه مقاله این است که فلسفه جمهوری اسلامی ایران محافظه‌کار تعریف شده، دکترین آن به توانمندسازی سنتی زنان در جهت حفظ بنیان خانواده توجه دارد و سیاست‌ها نیز عمدتاً با محوریت قرار دادن ازدواج و یا ترویج آن صورت می‌گیرد. در واقع، زنان هویت مستقلی در فلسفه،

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد E-mail: hafez.eslami@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی E-mail: fa.mosayebi@mail.um.ac.ir

دکترین و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران ندارند و همواره به عنوان همسر، مادر و در قالب خانواده هویت پیدا می‌کنند. در این پژوهش از رهیافت دکترینی سیاست‌گذاری عمومی جی. ام. شافریتز و کریستوفر پی. بریک استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران؛ دکترین؛ سیاست؛ فلسفه؛ مسایل زنان



جایگاه توانمندسازی زنان در سیستم آموزشی ایران مطالعه موردی: کتب درسی دبستان

روح‌اله اسلامی^۱
الهه ولی‌زاده^۲

چکیده

وضعیت زنان در جامعه متأثر از عواملی است که طی فرآیند جامعه‌پذیری آنان صورت گرفته است. مدارس به عنوان یکی از نهادهای رسمی، نقش اساسی در روند جامعه‌پذیری دارند و پایه‌های شخصیتی دانش‌آموزان را شکل می‌دهند. کتاب‌های درسی در باورپذیری و سوق دادن اندیشه و تصورات دانش‌آموزان از خود و آینده زندگی‌شان سهم بسزایی دارند. با توجه به نقش مهم زنان در توسعه همه‌جانبه کشور، مسئله جایگاه آنان در کتاب‌های درسی حائز اهمیت است. نظام آموزشی با ترسیم موقعیت‌هایی متعادل از توانمندی‌های زنان و مردان در محیط اجتماعی می‌تواند در شکل‌گیری تصور دانش‌آموزان دختر از توانمندی‌ها، نقش‌ها و جایگاه آینده آنان در سطوح جامعه تأثیر بسیاری داشته باشد؛ به طوری که قادر باشند با شناخت توانمندی‌های خود در حرکت‌های اجتماعی



رویکرد سیستم آموزش مدارس ایران چه نسبتی با توانمندسازی زنان دارد؟

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد. E-mail: eslami.r@um.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد. E-mail: elaheh.valizadeh@mail.um.ac.ir

جامعه نقش فعالی ایفا کنند. در این مقاله، به منظور شناسایی وضعیتی که سیستم آموزشی ایران از زنان ترسیم کرده، این سؤال مطرح است که رویکرد سیستم آموزش مدارس ایران چه نسبتی با توانمندسازی زنان دارد؟ نگارندگان با بهره‌گیری از روش تحلیل سیستمی، چارچوب نظری توانمندسازی و شیوه گردآوری مطالب مبتنی بر تحلیل محتوای کتب درسی، در پی اثبات این فرضیه هستند که سیستم آموزشی ایران با دیدگاه‌های تفکیکی زنانه - مردانه و عدم استفاده از آموزگاران آشنا با مسایل زنان، منجر به ایجاد تئوری مردسالار، انزوای زنان و انتقال پیامی مبتنی بر ناتوانایی زنان در ایفا کردن نقش‌های اجتماعی دارد. بدین صورت تصویری نامتعادل از زنان و مردان انعکاس داده است. بر اساس تحلیل محتوای متون درسی این نتیجه استنباط شده است که طراحان و آموزگاران مروج عقل مذکر هستند و توانمندسازی آنها بر اساس تفکیک حوزه عمومی مردانه و خصوصی زنانه است.

واژگان کلیدی: تحلیل سیستمی؛ تفکیک جنسیتی؛ توانمندسازی؛ جامعه‌پذیری؛ نظام آموزشی

کارکردها و کژکاردهای توانمندسازی زنان در ایران

روح‌اله اسلامی^۱
فاطمه نیاتیان^۲

چکیده



جهان‌زیست سنتی
چه کارکردها و
کژکارکردی‌هایی
برای توانمندسازی
زنان در ایران شکل
داده است؟

در عصر به روزآمدن دانش‌ها و تنوع نیازها، توانمندسازی تنها راه اجتناب از گسست میان انسان و دستاوردهایش است. نادیده انگاشتن این نیاز به ارتباط پویا و مستمر، نسل‌ها را از یکدیگر دور می‌کند. در این میان، زنان که بار اصلی انتقال فرهنگ و دانش به نسل‌های بعد را برعهده دارند، در مسئله توانمندسازی دارای اولویت بالاتری هستند. در ایران، با وقوع انقلاب اسلامی جهان‌زیست سنتی فعال شد. حمایت از خانواده، مذهب و اجرای احکام اسلامی باعث شد که طبقات پایین و متوسط سنتی که در حکومت پهلوی امکان بازیگری نداشتند، به عرصه اجتماعی قدم بگذارند. جهان‌زیست سنتی از یکسو امنیت، همبستگی و همدلی ناشی از فضای مادری را تقویت می‌کرد و باعث ورود زنان به عرصه‌های آموزشی و اجتماعی شد، از سوی دیگر، با تداوم فضای مردانه و تقسیم کار «خصوصی زنانه، عمومی مردانه» موانع زیادی در تصرف مشاغل اقتصادی و سیاسی برای زنان ایجاد کرد. در این پژوهش با اتکا به چارچوب تئوریک توانمندسازی، کارکردهای

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد E-mail: eslami.r@um.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی

جهان‌زیست سنتی در موضوعات مادری، خانواده، پرستاری و معلمی و همین‌طور کژکارکردی موضوعات اقتصادی و سیاسی برای زنان بررسی خواهد شد. برای این منظور، با استفاده از روش نهادگرایی، شش برنامه توسعه کشور از منظر توانمندسازی زنان واکاوی می‌شود. سؤال اصلی پژوهش این است که جهان‌زیست سنتی چه کارکردها و کژکارکردی‌هایی برای توانمندسازی زنان در ایران شکل داده است؟ فرضیه بر اساس بررسی شش برنامه توسعه نشان می‌دهد که دوگانه «خصوصی زنانه، عمومی مردانه» که منطق جهان‌زیست سنتی است، مانع از توانمندسازی عموم زنان در ایران شده است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی؛ توسعه؛ زنان؛ سنت؛ قدرت

ضرورت تمایز گذاری مبانی روش‌شناختی امر زنان — Femininity — با فمینیسم: الزامات درکی کثرت‌گرا

علی اشرف نظری^۱

چکیده



مدرنیته فراهم‌کننده «ذهنیت» و دریافت ذهنی جدیدی از جهان، هستی، زمان و تحول تاریخی است که پردازنده زنجیره مفاهیم هم‌ارز نظیر خرد، سوژه، آگاهی، آزادی و پیشرفت در رابطه با امر مردانه است. مدرنیته، بر اساس محوری دوقطبی و به صورت پذیرش یک بُعد و نفی دیگر بُعد بود که یکی از این دو قطب، مرد بود و آن دیگری، زن. مدرنیته به معنای ارج‌گذاری و به رسمیت شناختن عقلانیت مذکر به عنوان نیرویی متکی به خود است که بر اساس آن، سوژه با برساختن دو قطبی‌هایی نظیر مرد / زن، عقل / احساس و سفید / سیاه فعال می‌شود. سازمان یا تشکیلات عقلانی جامعه با به حاشیه راندن عناصر غیرعقلانی مندرج در رفتار انسانی نظیر شور، شهوت، احساسات و جنون بیش از پیش به فکر اعمال نظارت، کاستن از شدت آنان، از کار انداختن و منحرف ساختن جهت‌انگیزه‌ها و سائق‌های غریزی و زمینه‌های نااندیشه پیشینی برآمد. این همان چیزهایی است که امر زنانه قلمداد می‌شد و حاصل آن برآمدن مذکرسالاری در دوره مدرن بود. گرایش‌های

چگونه باید به زن به عنوان شخصی آزاد، نگریست و حق تفاوت را به مثابه مرکز‌زدایی از اندیشه‌های موجود و بازگشت به زبان و تاریخ عاری از خدشه به رسمیت شناخت؟

^۱ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران E-mail: aashraf@ut.ac.ir

فمینیستی - به ویژه در قالب فمینیسم رادیکال یا فرهنگی - در برابر چنین ایده‌هایی تلاش داشت که با متعهد کردن خود برای پایان دادن به سلطه مردان، زنان و فرهنگ آنها را برتر از مردان معرفی کنند. رگه‌های مختلف ایدئولوژی فمینیستی با فروغلتیدن در دام دوانگاری‌های مدرن، به بازنمایی رادیکال مسئله زنان و برآمدن نعل وارونه‌ای تاریخی در قالب مؤنث‌سالاری می‌پردازند. پرسش این است که چگونه باید به زن به عنوان شخصی آزاد، نگریست و حق تفاوت را به مثابه مرکز‌زدایی از اندیشه‌های موجود و بازگشت به زبان و تاریخ عاری از خدشه به رسمیت شناخت؟ ایده اصلی نویسنده مقاله حاضر این است که برای بازیابی موقعیت زنان، باید ایده‌هایی در مورد به رسمیت شناختن حق تفاوت در قالب امر زنانه و زنانه‌گی (زنانه بودن) در انداخت که بر اساس آن، زنان با فراروی از الگوهای سلسله‌مراتبی موجود، به بازتعریف هویت خود به مثابه «خلق سوژه زن» بپردازند. ادراکی از امر زنانه، که با فرارفتن از فراروایت‌های دوگانه‌ساز موجود، تلاش می‌کند به ارائه تصویری نو از امر زنانه در عرصه زبانی - روش‌شناختی بر اساس به رسمیت شناختن حق تفاوت و تعبیری کثرت‌گرا از هویت با پذیرش عاطفه و عاقله، احساس و تفکر، میل و شهود به درک معانی چندگانه هستی دست یابد.

واژگان کلیدی: امر زنانه؛ فمینیسم؛ حق تفاوت؛ روش‌شناسی؛ کثرت‌گرایی

دشواره هنر زیستن و مقوله «حق» با محوریت زنان

سیدحسین اطهری^۱
سیدهاشم منیری^۲

چکیده



علم اخلاق از هنر زیستن می‌گوید؛ چرا که زندگی از رهگذر انتخاب‌هایی است که افراد می‌سازند و این ساختن را بر پایه ارزش‌هایی بنا می‌کنند که نه صرفاً وابسته به موقعیت‌های مالی و سیاسی، بلکه در چارچوب عقاید و ارزش‌هایی است که شالوده آن را دو امر «انتخاب» و «حق» همراهی می‌کند. تعامل این دو مفهوم نشان‌دهنده این است که ما مصرف‌کننده صرف نیستیم و عوامل بیرونی نظیر سیاست‌های محیطی و سیاسی نمی‌تواند حقوقمان را بر اساس فایده‌گرایی و خیر جمعی زیر پا بگذارد. این مقاله تلاش دارد در چارچوب «نظریه تعامل‌گرایی» و با روش تفسیری و با تکیه بر نظریه اخلاقی «وظیفه‌گرایی» چگونگی رابطه بین هنر زیستن و حق زنان را با سیاست‌های پیامدگرایی از طرف دولت مورد تفسیر قرار دهد؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مسایل اخلاقی ناظر به امور زنان وابسته به تصمیم‌گیری‌های آگاهانه آنان و نیت‌هایی است که رابطه مستقیمی با تعیین هنر زیستن و معنادگی به

چگونه رابطه بین هنر زیستن و حق زنان با سیاست‌های پیامدگرایی از طرف دولت مورد تفسیر قرار می‌گیرد؟

^۱ نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد E-mail: athari@um.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه‌های سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد E-mail: seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir

شکل زندگی دارد. حوزه تعیین‌کنندگی باید به قاعده هرم یعنی زنان چرخش کند تا بر اساس آن بتوانیم هم کاستی‌های پیامدگرایی را ترمیم کنیم و هم به حقوق افراد در انتخاب مسیر و شیوه زندگی، احترام بگذاریم.

واژگان کلیدی: انتخاب؛ اخلاق؛ پیامدگرایی؛ تعامل‌گرایی؛ سیاست؛ زنان



راهکارهای فرهنگی ارتقای نقش زنان در اثرگذاری سیاسی در ایران

محسن امیری^۱

چکیده



کدام عوامل فرهنگی در ارتقای اثرگذاری سیاسی زنان در ایران نقشی تعیین‌کننده دارند؟

حضور و تأثیرگذاری سیاسی زنان ایرانی به نسبت شاخص‌هایی مانند جمعیت، تحصیلات، استعداد و توانمندی‌ها متناسب با جایگاه فعلی زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نیست. حضور زنان در ابعاد مختلف سیاسی به عنوان نیمی از نیروهای انسانی در جوامع بشری از پیش‌نیازهای توسعه‌یافتگی سیاسی به شمار می‌رود. افزایش نقش زنان در تأثیرگذاری سیاسی از دو جنبه بهره‌وری جامعه از نیروی آنان و همچنین احساس رضایت از شرکت در سازندگی کشور از سوی خود زنان، قابل تأمل است. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر افزایش اثرگذاری سیاسی زنان عوامل فرهنگی است. فرهنگ به صورت عام و فرهنگ سیاسی به صورت خاص در تغییر ساختار و نگرش ذهنی محدودکننده به زنان تأثیرگذار است؛ چرا که این فرهنگ است که به ساختار ذهنی و باورهای متأثر از آن شکل می‌دهد. بر این مبنا، این مقاله در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که کدام عوامل فرهنگی در ارتقای اثرگذاری سیاسی زنان در ایران نقشی تعیین‌کننده دارند.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

واژگان کلیدی: اثرگذاری سیاسی زنان؛ فرهنگ سیاسی؛ جامعه مدنی؛ مشارکت سیاسی؛ توسعه‌یافتگی



موانع فرهنگی و ساختاری حضور زنان ایرانی در حوزه عمومی

متن انجام‌روز^۱

چکیده



آیا در عمل زنان ایران می‌توانند به شکلی برابر و آزادانه به ایفای نقش در عرصه عمومی بپردازند؟

واژه حوزه عمومی از مقولاتی نشأت گرفته از تمایزی است که برخی از اندیشمندان سیاسی مدرن بین حیطه‌های مختلف زندگی انسان به قصد ایجاد اجتماع سیاسی مبتنی بر کنش سیاسی و دموکراتیک شهروندان قائل شده‌اند. هانا آرنست یکی از مهم‌ترین اندیشمندانی است که به تفکیک حوزه عمومی از حوزه خصوصی پرداخته است و استدلال می‌کند که قلمروی عمومی، قلمرو برابری است؛ در حالی که قلمروی خصوصی، قلمروی تفاوت به شمار می‌رود. از این رو، سیاست پاسخی به وضع متکثر بشری قلمداد می‌شود. آنچه ممیزه رهیافت آرنست به مفاهیم عمومی و خصوصی نسبت به اندیشمندان دیگر است و سبب شده که ما در مقاله پیش رو تلقی او از حوزه عمومی را برای بررسی مشارکت زنان در حوزه عمومی انتخاب کنیم، رویکرد ضدذات‌گرایانه او به حوزه عمومی است. به عبارت دیگر، او با تبدیل هرگونه هویت خصوصی مانند جنسیت، نژاد، قومیت و ... به یک امر سیاسی مخالف است و ساحت عمومی را عرصه‌ای مبتنی بر تعامل، مباحثه و تصمیم‌گیری میان

^۱ گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

شهروندان آزاد و برابر در مورد مسایل مشترک می‌داند. از این رو، اگر ما از دریچه نگاه آرنت به حوزه عمومی بنگریم، می‌توانیم برای زنان در عرصه عمومی نقشی آزاد، مستقل، برابر و فارغ از هویت جنسی قائل شویم. هدف نگارنده در این مقاله تبیین وضعیت حضور زنان ایرانی در حوزه عمومی و موانع پیش روی آنان با استفاده از الگوی نظری هانا آرنت است. در این راستا پرسش اصلی که مطرح می‌شود این است که: آیا در عمل زنان ایران می‌توانند به شکلی برابر و آزادانه به ایفای نقش در عرصه عمومی بپردازند؟ در پاسخ به این پرسش ابتدا به روش پوزیتیویستی به بررسی مهم‌ترین شاخص‌های مشارکت در حوزه عمومی می‌پردازیم و سپس مبتنی بر این شاخص‌ها، شرایط مشارکت زنان در حوزه عمومی را بررسی خواهیم کرد. بر اساس یافته‌های ما در این تحقیق، دو دسته از موانع بر سر راه حضور زنان در عرصه عمومی وجود دارد: موانع فرهنگی و موانع ساختاری که گذار از آنها به ترتیب در گروهی آموزش فرهنگ مشارکتی و اصلاح قوانین حاکم است.

واژگان کلیدی: زنان؛ حوزه عمومی؛ حوزه خصوصی؛ آزادی؛ برابری؛ مشارکت

بررسی عملکرد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران (مجلس اول تا دهم)

سمانه باباپور^۱
ساناز رمضانپور شوبی^۲

چکیده

با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه جهانی را زنان تشکیل می‌دهند، نقش آنها در جامعه و حضورشان در عرصه‌های مختلف اهمیت بسزایی دارد. طی دهه‌های اخیر تحولات عمیق و وسیع اقتصادی و اجتماعی به تغییرات مثبتی در وضعیت زنان در برخی از کشورها منجر شده است. در ایران نیز با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران مجموعه‌ای از تحولات در وضعیت زنان ایجاد و زمینه برای حضور آنها در صحنه‌های گوناگون فراهم شد. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون یازده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برای تعیین اعضای آن برگزار شده که در مجموع، به طور متوسط، حدود سه درصد کرسی‌ها به زنان واگذار شده است. این نوشتار به بررسی عملکرد و حضور کمی و کیفی نمایندگان زن در مجلس می‌پردازد. این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی پیروی می‌کند و اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای



عملکرد و حضور
کمی و کیفی
نمایندگان زن در
مجلس چگونه بوده
است؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه مازندران E-mail: samanehbabapour68@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه مازندران E-mail: Rmzsanaz295@gmail.com

گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان فعالیت و دستاوردهای زنان نسبت به مردان متفاوت بوده، همچنین دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب نیز خواسته‌های خاص و مطابق با جریان خود را دنبال می‌کردند. به طور کلی، نمایندگان زن در هر دوره از مجلس شورای اسلامی عملکرد متفاوتی داشته، از طرق گوناگون به دنبال چگونه بهتر شدن موقعیت خود بوده‌اند.

واژگان کلیدی: مجلس شورای اسلامی؛ نمایندگان زن؛ عملکرد زنان نماینده



بازتولید هویت زنانه در مکتوبات زن‌نگار روزنامه حبل‌المتین ۱۳۰۹-۱۳۷۲ ه.ش

علی باغدار دلگشا^۱

چکیده



بازتولید هویت زنانه
در نوشته‌های زن‌نگار
مندرج در روزنامه
حبل‌المتین چگونه
بوده است؟

تلاش برای شکل‌گیری نظام مشروطه، استقرار و تثبیت آن نقشی محوری در بازتولید برخی ساختارهای اجتماعی در ایران در فاصله سال‌های ۱۲۷۰ ه.ش (دوره ناصری) تا ۱۳۰۴ (آغاز سلطنت رضاشاه) داشته است. نمونه شاخص این بازتولید، جایگزینی اصطلاح نوظهور «مردم» بجای «رعیت» بوده است. توجه به مسایل اجتماعی زنان و پس از آن طرح مطالبات اجتماعی آنان نیز از جمله این بازتولیدهای نوین است که برای نخستین بار در همین دوره زمانی شکل گرفته است. زنان در این دوره با نگرش مکتوبات متعدد، فرصت را مغتنم شمرده، با تأکید بر پردازش‌های دینی و شعار انقلاب مشروطه: عدالت و مساوات، به طرح مطالبات اجتماعی خود، نقد ساختارهای اجتماعی و تلاش برای بازتولید هویت زنانه پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با بررسی غیرگزینشی تمامی شمارگان نشریه حبل‌المتین شامل ۱۱۹۲ شماره برابر با ۲۵۵۵۰ برگ مطبوعاتی، به عنوان یکی از مطبوعات شاخص و نقش‌آفرین در بازتولید هویت اجتماعی در ایران اواخر دوره قاجار و میانه دوره

^۱ دکتری تاریخ، دانشگاه فردوسی، مشهد E-mail: ali.b.delgosha@gmail.com

رضاشاه در تلاش است تا به بررسی و تحلیل بازتولید هویت زنانه در نوشته‌های زن‌نگار مندرج در آن جریده بپردازد. سیر بررسی مکتوبات زنان در طول انتشار نشریه حبل‌المتین در کلکته هند نشان می‌دهد که زنان در این چهار دهه در سه محور به بازتولید هویت زنانه پرداخته‌اند: ۱- زن به عنوان زن سنتی ساکن در اندرونی ۲- زن با نقش وابسته مادری و الگوی ساختاری مادر باسواد و ۳- زن نقش‌آفرین در عرصه اجتماعی با استقلال نقش و بازتولید هویت زنانه در قالب مدرن آن.

واژگان کلیدی: هویت زنانه؛ مطالبات اجتماعی؛ حقوق زنان؛ روزنامه حبل‌المتین

بررسی تأثیر چرخه بحران سیاسی بر نقش‌پذیری زنان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸)

علیرضا باقری رسایی^۱

چکیده



طی روند تاریخ سیاسی جهان، زنان تلاش کرده‌اند تا بتوانند با تغییر ساختار مردسالارانه، مناصب کلیدی را تصاحب کرده، از این طریق نقش پررنگی در شکل‌دهی به جامعه خود ایفا کنند؛ به طوری که تعداد زنانی که بالاترین مقام اجرایی کشورشان را دارند از ۱ نفر در سال ۱۹۶۰ به ۱۸ نفر در سال ۲۰۱۹ رسیده است. همچنین ۲۹ نفر از معاونان رؤسای دولت در همین سال از میان بانوان بوده‌اند. در عین حال، میزان خشونت و درگیری در جهان رو به صعود بوده؛ یعنی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ تعداد حوادث ۲۱/۵ درصد رشد داشته است. اما به تبع آن تلاش شده تا مشارکت زنان نیز تا حدودی افزایش یابد، به عنوان مثال از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۱، زنان ۹ درصد از مذاکره‌کنندگان صلح را تشکیل داده‌اند. در این راستا، جنبه تقنینی دخیل کردن زنان را در قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت می‌بینیم که آنان را وارد مشارکت در امور سیاسی سطح بالا (علیا) کرده است. مسئله قابل طرح این است که با وجود افزایش درگیری‌ها و بحران‌ها ما شاهد هستیم که حتی در مناطق

چگونه چرخه ترومای سیاسی در نظام سیاسی ایران بر روند تصاحب نقش زنان در سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس

پرخطر ارتباطی میان وارد شدن شوک حاصل از بحران و افزایش مشارکت زنان پس از آن وجود دارد. برای مثال رواندا، سودان جنوبی و کرواسی را می‌توان نام برد؛ ولی در خاورمیانه چنین ارتباطی موجود نیست. سیاست خارجی ج. ا. ایران نیز تابعی از ژئوپلیتیک منطقه‌ای است که در آن قرار گرفته و همواره چالش‌ها و بزنگاه‌های حساسی را تجربه کرده است. در هر دوره‌ای موضوعات مختلف همانند جنگ با عراق، برخوردهای اصطکاک‌ی با غرب، مسئله هسته‌ای، جنگ با تروریسم منطقه‌ای و ... همچون ترومایی بر پیکر سیاست‌ورزی ایران وارد شده است، اما مشارکت زنان پس از هر ترومای (شوک) سیاسی بالعکس کاهش یافته است. سؤالی که برای این مسئله وجود دارد این است که چگونه چرخه ترومای سیاسی در نظام سیاسی ایران بر روند تصاحب نقش زنان در سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد؟ فرضیه پژوهش ابراز می‌دارد که شوک حاصل از ترومای سیاسی، خود مفاهیمی را تولید می‌کند که متفاوت از عقاید زنان نخبه سیاسی است و این قدرت معنایی برای بازیگری را از آنان می‌گیرد و سپس، با از دست دادن قدرت تولید و بازتولید معنا، تصاحب نقش در جایگاه رسمی و تأثیرگذار از بین می‌رود. مفاهیم تولیدی حاصل از ترومای سیاسی در ایران را با استفاده از داده‌کاوی در ۲ حادثه قطعه‌نامه ۱۹۲۹ و ترور سردار سلیمانی به عنوان شوک شناسایی می‌کنیم. سپس با استفاده از متن کاوی (که جزئی از داده‌کاوی است) به تحلیل سخنرانی، مصاحبه، فضای مجازی و روزنامه‌ها در بازه زمانی پس از حادثه تا اولین رویداد سیاسی پس از آن (انتخابات، تعیین کارگزاران سیاست خارجی

و غیره) می‌پردازیم و بیشترین معانی تولید شده را استخراج و الگوی حاصل از آن را به دست آوردیم. در ادامه، با استفاده از روش تحلیل رمزگان عملیاتی نخبگان سیاسی جامعه زنان که نشان‌دهنده عقاید و روش‌های کاربردی آنان است، تفاوت‌ها را مشخص می‌کنیم تا بدین وسیله تأثیر متغیر مستقل خود را بر وابسته مشخص کنیم.

واژگان کلیدی: ترومای سیاسی؛ داده‌کاوی؛ زنان؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل رمزگان عملیاتی



بررسی صور خیال منفی در رمان «حالا کی بنفشه می‌کاری»

سیداحمد پارسا^۱
شهربانو حسین‌پناهی^۲

چکیده



مسئله زبان و جنسیت، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در چند دهه اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. در این میان، باید به رابطه بین صور خیال، ذهن و زبان نویسندگان، متناسب با جامعه‌ای که اثر در آن خلق شده است، دقت کرد. زنان داستان‌نویس نیز با شیوه‌های مختلف در آثار خود به بازتاب جلوه‌هایی از زندگی اجتماعی خویش پرداخته‌اند. یکی از این شیوه‌ها که در واقع نوعی اعتراض به جامعه مردسالار است، بازتاب منفی صور خیال است. فرشته مولوی نیز یکی از نویسندگان فعال است که در آثار خود با بهره‌گیری از زبان زنانه، چالش‌های پیش روی زنان را در داستان‌ها و رمان‌های خویش به تصویر کشیده است. نگارندگان، در این پژوهش به بررسی صور خیال در حوزه استعاره و کنایه منفی با توجه به بسامد بالای آن در رمان «حالا کی بنفشه می‌کاری» چگونه است؟

صور خیال در حوزه استعاره و کنایه منفی با توجه به بسامد بالای آن در رمان «حالا کی بنفشه می‌کاری» چگونه است؟

^۱ استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان E-mail: dr.ahmadparsa@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری ادبیات غنایی، دانشگاه کردستان، نویسنده مسئول E-mail: banoo.hp2@gmail.com

توجه به جنسیت نویسنده و شرایط اجتماعی زنان بررسی
شود.

واژگان کلیدی: جنسیت؛ زبان؛ زبان زنانه؛ صور خیال؛ فرشته مولوی



آسیب‌شناسی جایگاه «وجودی» زنان در رسانه‌های جهان با رویکرد به مکتب اگزیستانسیالیسم دینی - اجتماعی

الناز پروانه‌زاد^۱

چکیده



نگاه جنسیتی رسانه‌های جهان به زن، از جمله آسیب‌های مزمن در ارتقای سرمایه‌های انسانی جوامع امروز در قلمرو بین‌الملل است. در کشورهای توسعه‌یافته، تنانگی را منحصرأ به زنانگی می‌رسانند و با ایجاد پیوند میان اسطوره‌های باستان و نمادهای دوره پسامدرن، شخصیت انسانی نیمی از مؤثرترین وجود بشری را در معرض آسیب قرار می‌دهند. تاریخ هالیوود نشان‌دهنده انواع بهره‌هایی است که از حضور هنرمندان زن کسب کرده و رسماً در بازی با هویت‌های زنانه، رو به فیزیک اجتماعی آورده است. در رسانه‌های جهان سوم نیز نه تنها مسایل زنان به درستی بیان نمی‌شود، بلکه طرح و بیان شفاف آن را قبیح دانسته؛ به گونه‌ای بدوی، زنان را تحت سلطه و انقیاد برخی هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و حتی حقوقی قرار می‌دهند. در مقاله پیش رو، با طرح این پرسش که رسانه‌های قدرتمند و ضعیف، از جوامع توسعه‌یافته تا سرزمین‌های در حال توسعه، چه تصویری از زن خلق کرده‌اند؟ این مقاله، در پی بررسی این فرضیه است که وجود بنیان‌های اسطوره‌ای -

رسانه‌های قدرتمند و ضعیف، از جوامع توسعه‌یافته تا سرزمین‌های در حال توسعه، چه تصویری از زن خلق کرده‌اند؟

^۱ دکتری اندیشه سیاسی، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد

کاتولیکی در مدرنیته غرب از سویی، و گستره تفاسیر تئولوژیک و تبلیغ هنجارهای جنسیتی در رسانه‌های جوامع رو به توسعه از سوی دیگر، موجب شده تا انواع سیستم‌های رسانه‌ای زن را به مثابه کالایی برای مصرف، ابزاری در کسب قدرت یا آزمونی برای رسیدن به بهشت و رستگاری معرفی کنند. در تکوین و تثبیت فرضیه مذکور، مکتب اگزیستانسیالیسم دینی - اجتماعی را به مثابه چارچوبی نظری برگزیدیم تا با استفاده از گزاره‌های بنیادین آن، به مسئله زن در رسانه‌های معاصر پرداخته، چگونگی تقلیل و تحلیل محتوای انسانی زنان را در ابررسانه‌های مدرن و نیز خرده رسانه‌های فعال در جوامع رو به توسعه مورد نقد و بررسی قرار دهیم. همچنین، مطالعه تطبیقی - تحلیلی اسنادی را ذیل روش «نشانه‌شناسی هرمنوتیکی» به کار گرفتیم تا فرضیه مقاله مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: زن، انسان؛ اگزیستانسیالیسم؛ رسانه؛ اسطوره‌ها؛ تنانگی و هنجارهای جنسیتی

از فردیت تا سوژه‌گی؛ بازخوانی شخصیت ولگا در رمان «از شیطان آموخت و سوزاند»

الناز پروانه‌زاد^۱مه‌رناز پروانه‌زاد^۲

چکیده

آثار و نوشته‌های ادبی واقع‌گرایانه را می‌توان بازتابی فعال از زیست انسان‌هایی دانست که در لایه‌های پنهان جامعه مخفی مانده و رنج‌ها، چالش‌ها و تکاپوهای بعضاً بی‌حاصل آنها کمتر درک می‌شود و در نتیجه، از فرآیند دیده شدن و قرار گرفتن در مسیر توسعه بازمی‌مانند. این مسئله‌ای است که در مورد زنان مصداق بیشتری داشته و به راستی آنها را از فهم درست حقوق انسانی خود محروم ساخته است. فرخنده آقایی در رمان «از شیطان آموخت و سوزاند»، روزنوشت‌های زنی مسیحی به نام «ولگا» را مستمسک قرار داده تا وقایع زندگی او را که رابطه‌ای کیفی با زیست شهری، قواعد اجتماعی، قوانین جاری و هنجارهای آیینی در کلانشهری چون تهران دارد، بازسازی کند. در نوشته پیش رو، روزنوشت‌های ولگا در رمان آقایی را با تمرکز بر جامعه‌شناسی اکسپرسیونیستی زیمل مورد بررسی تحلیلی قرار داده و سویه‌هایی از شخصیت زنی تنها، بی‌هویت،

رابطه‌های فردی و خانوادگی شهروندان - بویژه زنان قرار گرفته در موقعیت‌های ناامن - چه نسبتی با زیست اجتماعی انسان‌ها در کلان‌شهرهای مدرن، و در نتیجه با



^۱دکتری اندیشه سیاسی، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد

^۲کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی Email: mparvanezad@yahoo.com

جلوه‌هایی از امر
سیاسی در نظریه‌های
پسامدرن دارد؟

سرگردان میان دو مذهب و بی‌سرپرست را که در عین حال بانویی تحصیل‌کرده، مبادی آداب و مایل به رشد و توسعه است، بازخوانی کرده‌ایم. برآیند تفسیری - تحلیلی چنین خوانشی ما را بر این پرسش دقیق می‌کند که رابطه‌های فردی و خانوادگی شهروندان - بویژه زنان قرار گرفته در موقعیت‌های ناامن - چه نسبتی با زیست اجتماعی انسان‌ها در کلان شهرهای مدرن و در نتیجه با جلوه‌هایی از امر سیاسی در نظریه‌های پسامدرن دارد؟ تحلیل جزءشناسانه تجربه‌های ولگا فرضیه‌ای را پیش رو می‌نهد که بر اساس آن هویت فردی هر شهروند محصول کنش‌های اجتماعی پیرامونی است که نه تنها ماهیت، بلکه هویت انسانی او را صرفاً به مثابه یک نیروی خرد اجتماعی به تحلیل می‌برد و در نتیجه، امور جزئی در زیست انسانی را به منزله کلیتی مؤثر بر سرنوشت اجتماعی مردمان به معرض مطالعه می‌آورد. در بازخوانی روزنوشت/خودبیانگری‌های ولگا از روش «تحلیل محتوا» بهره برده، در خلال تعاریفی از جامعه‌شناسی اکسپرسیونیستی زیمل، تجاربی از زندگی‌های مدفون شده در جهانی تکه تکه، یکنواخت و عاری از متافیزیک را مورد تأکید قرار داده‌ایم.

واژگان کلیدی: سوژگی انسان؛ زیست شهری؛ ولگا؛ اکسپرسیونیسم اجتماعی؛ امر اجتماعی - سیاسی

خوانشی پسا ساختارگرایانه از نظریه فمینیستی روابط بین‌الملل بر اساس آرای ژولیا کریستوا

نوید تابش^۱

چکیده



مسائل زنان در دوران معاصر بخش قابل توجهی از علوم اجتماعی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را به خود اختصاص داده است. با این حال تا مدت‌ها امر زنانه در نظریات روابط بین‌الملل به عنوان علمی با خاستگاه غربی و عمدتاً مردسالار غایب بود. با ظهور جنبش اجتماعی زنان طی ادوار گوناگون در عرصه بین‌المللی لزوم بازاندیشی به مسائل زنان و مطالبات آنان بیش از هر زمان دیگری در کانون مطالعات حوزه روابط بین‌الملل قرار گرفته، منجر به ظهور نظریات فمینیستی روابط بین‌الملل شد. از این رو، نظریات فمینیستی در روابط بین‌الملل می‌کوشند ضمن بازتعریف سوژه به مثابه امری تاریخی که حاصل برساختی اجتماعی و صورت‌بندی‌های گفتمانی گوناگون است، به احیای سوژه‌گی زنان در عرصه بین‌المللی بپردازند. یکی از نحله‌های فکری در نظریات فمینیستی روابط بین‌الملل که هویت و سوژه‌گی زنان را در مرکز توجه قرار می‌دهد، فمینیسم پسا ساختارگرا بوده که هویت و سوژه‌گی را

احیای سوژه‌گی زنان و سویه‌های رهایی‌بخش امر زنانه با خوانشی پسا ساختارگرایانه از نظریه فمینیستی در نظریات روابط بین‌الملل با استفاده از آرای ژولیا کریستوا چگونه ارزیابی می‌شود؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی

برآیندی از سه مقوله درهم تنیده یعنی جنسیت، زبان و ذهنیت می‌داند و فرآیندهای شکل‌گیری این مفاهیم را نسبت به یکدیگر مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهد. این پژوهش می‌کوشد با خوانشی پساساختارگرایانه از نظریه فمینیستی روابط بین‌الملل، ضمن بررسی انتقادی نظریات جریان اصلی در روابط بین‌الملل با استفاده از آرای ژولیا کریستوا، زبان‌شناس و روانکاو بلغاری - فرانسوی، احیای سوژه‌گی زنان و سوبه‌های رهایی‌بخش امر زنانه در نظریات روابط بین‌الملل را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی: امر زنانه؛ بینامتنیت؛ جنبش زنان؛ سوژه‌گی؛ طرد؛ متن - قدرت



نقش یونسکو در توانمندسازی زنان در مناطق منازعه خیز خاورمیانه

نسترن تربیتی^۱

چکیده



یونسکو چه تأثیری در کاهش آسیب‌های ناشی از منازعات منطقه‌ای خاورمیانه بر زنان داشته است؟

ارگان علمی - تربیتی سازمان ملل، یعنی یونسکو، همواره با اجرای کارکردها و صورت‌بندی مسایل هنجاری، با محوریت دیدگاه چندجانبه‌گرایی تمرکز خود را بر کاهش جهل به عنوان یکی از پایه‌های اصلی منازعات قرار داده است. خاورمیانه با مسایل قومی - مذهبی ناشی از بی‌سوادی، خشونت جنسی و خشکسالی روبه‌رو است. یونسکو با افزایش سوادآموزی میان زنان در کشورهای منازعه‌خیز نظیر عراق، افغانستان، سوریه و یمن سعی دارد به توانمندسازی آنها کمک کند. یونسکو در کشورهای هدف با اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی و گفتگو با بازیگران منازعه و دعوت از طرفین درگیر به همکاری در برنامه‌های خود، سعی در کاهش میزان آسیب ناشی از منازعات در مناطق بحران‌زده داشته، به دستاوردهایی نائل آمده است. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که با آموزش در بستر جامعه می‌توان تا حدود زیادی به ایجاد صلح و کاستن از منازعات کمک کرد. یونسکو در فعالیتهای خود توجه به تفاوت‌های قومی، جغرافیایی و فرهنگی کشورهای درگیر

^۱ کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

منازعات در خاورمیانه نیز داشته است. زنان در این منطقه هر کدام به نوعی درگیر مناقشات هستند و برنامه‌های یونسکو بسته به این مناقشات برای آنان مختلف بوده است. سؤال اصلی پژوهش این است که یونسکو چه تأثیری در کاهش آسیب‌های ناشی از منازعات منطقه‌ای خاورمیانه بر زنان داشته است؟ فرضیه این سؤال این است که یونسکو با هنجارسازی و ظرفیت‌سازی از آسیب‌های حاصل از منازعات بر زنان کاسته است. روش ما در این پژوهش چارچوب نهادگرایی نئولیبرال است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی؛ خاورمیانه؛ زنان؛ منازعه؛ یونسکو



عدالت جنسیتی و دستیابی زنان به قدرت سیاسی با تکیه بر تجربه کشورهای حوزه اسکاندیناوی

عارفه توانافر^۱

چکیده



یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی کشورها عدالت جنسیتی و مشارکت فعال زنان در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. این اهمیت تا حدی است که یک آرمان از آرمان‌های هفده‌گانه دستور کار توسعه پایدار ملل متحد (SDG) نیز به برابری جنسیتی اختصاص یافته است. سازمان‌های بین‌المللی گوناگون به صورت دوره‌ای گزارش‌هایی را به منظور سنجش وضعیت شکاف جنسیتی و دستیابی به عدالت جنسیتی ارائه می‌کنند. شاخص توسعه انسانی برحسب جنسیت، شاخص شکاف جنسیتی و شاخص برابری جنسیتی از شاخص‌هایی هستند که در این گزارش‌ها به آنها پرداخته می‌شود. در سال‌های اخیر شاهد افزایش حضور زنان در عرصه قدرت سیاسی در کشورهای حوزه اسکاندیناوی بوده‌ایم. با توجه به بالا بودن رتبه این کشورها در شاخص‌های توسعه انسانی زنان به نظر می‌رسد می‌توان ارتباط مستقیمی میان بالا بودن این شاخص‌ها و امکان دستیابی زنان به قدرت سیاسی در این کشورها متصور بود. در این مقاله با بررسی چند

با توجه به شاخص‌های جهانی عدالت جنسیتی، در کشورهای حوزه اسکاندیناوی چه رابطه‌ای میان توسعه‌یافتگی زنان در و دستیابی آنها به قدرت سیاسی وجود دارد؟

^۱ کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه علامه طباطبایی

شاخص جهانی عدالت جنسیتی در کشورهای حوزه
اسکاندیناوی، به مطالعه رابطه توسعه‌یافتگی زنان در این
کشورها و دستیابی آنها به قدرت سیاسی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: زنان؛ عدالت جنسیتی؛ قدرت سیاسی؛ شکاف جنسیتی؛ توسعه انسانی



چرایی ناگشودگی درهای نهادهای سیاسی به‌روی زنان ایرانی

محدثه جزائی^۱

چکیده



دال مرکزی و
مفهومی روایت‌های
زنانه در انقلاب
مشروطیت چه بوده
است؟

انقلاب مشروطیت و تکانه‌های ناشی از آن در عرصه سیاست را می‌توان به مثابه نقطه عطفی در نظر گرفت که وضعیت زیست ایرانیان را متأثر از خود ساخت. این اثربخشی شگرف از یک‌سو و تداوم دشواره‌های سیاسی و تاریخی از سوی دیگر، هر گونه بازگشت تاریخی به این وهله گسست‌گونه را منطقی و قابل توجیه می‌سازد. علی‌رغم کثرت مطالعات صورت گرفته در این بازه تاریخی، به نظر می‌رسد نگاه جنسیتی و توجه به روایت‌های زنانه حلقه مفقوده مطالعات سیاسی باشد. بر همین اساس، این نوشتار پیرامون پرسش از دال مرکزی و مفهومی روایت‌های زنانه در انقلاب مشروطیت تمرکز یافته است. بازخوانی تاریخ مشروطه حکایت از آن دارد در حالی که مردان در مذاکرات و انجمن‌های مخفی در پی تأسیس «نهادهای مدرن» بودند، بانوان مشروطه‌خواه بر تحصیل و تربیت «انسان مدرن» و آگاه تأکید کردند. این امر نشان‌دهنده تناقضی حل‌ناشده میان برتری و تقدم «نهاد بر انسان» است که در تاریخ معاصر ایران همچنان محل پرسش باقی مانده است. در

^۱ دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد E-mail: mo_ja663@mail.um.ac.ie

حقیقت، به نظر می‌رسد زنان عصر مشروطه با تأکید بر اهمیت انسان مدرن و تأسیس «کارخانه آدم‌سازی» از همان ابتدا جایگاه نهادها را دست‌کم گرفته و بجز ساختارهای متصلب که مانع از حضور آنان بود، خود نیز باور و تلاشی برای حضور در این نهادها نداشتند. در این نوشتار، از نظریه و روش «تاریخ مفهومی» راینهارت کوزلک بهره گرفته شده است. کوزلک بر این باور است که بدون مفاهیم، جامعه و همچنین عرصه‌های سیاسی کنش، موجودیت نخواهند داشت. او معتقد است هر مفهوم در نظام اندیشگانی دارای پاد - مفاهیمی است که با غلبه بر آنها می‌تواند واجد معنایی خاص باشد و حضور خود در عرصه مفهومی اندیشه سیاسی را تثبیت کند. بر اساس این ایده، جهان پُر از جفت‌هایی است که در جبهه مخالف هم قرار دارند و هر مفهومی با استناد و تعریف مفهوم مخالفش تعریف می‌شود. این نوشتار با بازخوانی متون موجود در این باره و با در نظر گرفتن جنسیت به عنوان یک عامل اثرگذار در دوره مشروطه، به تقابل مفهومی انسان / نهاد نزد زنان مشروطه‌خواه پرداخته، می‌کوشد نشان دهد چگونه تأکید بر «انسان مدرن» در آن وهله تاریخی حساس دست زنان را از نهادهای سیاسی کوتاه ساخت.

واژگان کلیدی: انسان مدرن؛ نهاد مدرن؛ زن؛ انقلاب مشروطه؛ تاریخ مفهومی

سیاست مادرانه: طرح الگویی از تولید انعطاف در وضعیت حاضر ایران

عرفان جعفری^۱
امیر امجدیان^۲

چکیده

هدف اصلی این نوشتار شرح فضای روانی ذهنیت‌های زنانه در جامعه پسانقلابی ایران است. ادراک خاصی از سیاست در مقام تولیدکننده انعطاف و پیگیری نیاز اساسی آن در وجه مادرانگی که از آرای ژولیا کریستوا برمی‌آید، مقوم چارچوب کلی بحث است. در این زمینه رخدادهای سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران، فاقد انعطاف زنانه و زایشگری مادرانه تصویر می‌شود. بررسی این دو مهم به عنوان آسیب اساسی دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی پس از انقلاب اسلامی مورد کنکاش قرار می‌گیرد و کارویژه اصلی نخبگان، نهادهای مدنی و دولت، ارتقا و ارتقا دادن به وجه مادرانه و منعطف برخاسته از روی لطیف سیاست در نظر گرفته می‌شود. پرسش اصلی مقاله چنین طرح می‌شود که کدام افق فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، شکل آشوبناک و آشفته جامعه و تحولات سیاسی ایران پسانقلابی را می‌تواند به سمت انعطاف و زایشگری پیش ببرد؟

کدام افق فرهنگی،
سیاسی و اجتماعی،
شکل آشوبناک و
آشفته جامعه و
تحولات سیاسی ایران
پسانقلابی را می‌تواند
به سمت انعطاف و
زایشگری پیش ببرد؟

^۱ دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی E-mail: erfana.jaafari@gmail.com

^۲ فارغ‌التحصیل روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی E-mail: amiramjadian56@gmail.com

ببرد؟ فرضیه اصلی نیز چنین مطرح می‌شود که افق مادرانه و بهره‌گیری از گشودگی این الگو می‌تواند تحولات و جامعه سیاسی را از آشفتگی و آشوب به سمت نظم، انعطاف و زایشگری هدایت کند.

واژگان کلیدی: سیاست مادرانه؛ انعطاف زنانه؛ ژولیا کریستوا؛ افق گشوده



مقایسه تطبیقی کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض علیه زنان و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نیلوفر جعفری^۱

چکیده

یکی از عوامل دستیابی به توسعه پایدار و متوازن توسعه منابع انسانی است. از آنجایی که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و با توجه مسئولیت اجتماعی و خانوادگی آنان موضوع حقوق زنان به یک مسئله جهانی مبدل شده است. با توجه به بی‌عدالتی تاریخی در رشد و توانمندسازی زنان به منظور دستیابی به فرصت‌ها و امکانات برابر، جامعه بین‌الملل بر آن شده که زمینه مشارکت کامل زنان را در امر توسعه جهت دستیابی به حقوق اساسی و انسانی فراهم آورد. می‌توان گفت یکی از اقدامات و مساعی جامعه بین‌المللی در زمینه ارتقا و بهبود وضعیت زنان و به رسمیت شناختن حقوق انسانی آنان تصویب کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل است. ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل متحد و ۳۰ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی (از ۵۱ عضو) به این کنوانسیون پیوسته‌اند. حدود یک سوم از کشورهای اسلامی با صدور بیانیه‌های



تعارضات میان مواد کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

یکجانبه حقوقی برخی از مواد کنوانسیون را در مورد خود مستثنی یا تعدیل و یا با حق شرط پذیرفته‌اند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران یکی از معدود کشورهای جهان است که به دلیل مغایرت برخی مواد کنوانسیون با قوانین اسلامی و اساسی و مدنی خود به این کنوانسیون ملحق نشده است. این مقاله در صدد است به بررسی تعارضات میان مواد کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پردازد و موادی را شناسایی کند که امکان تغییر قانون اساسی و یا تصویب قوانین جدید وجود دارد و همچنین موادی را تعیین کند که می‌توان با حق شرط پذیرفت. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی - تحلیلی و با روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل؛ حق شرط؛ حقوق زنان؛ جمهوری اسلامی ایران؛ قانون اساسی؛ کنوانسیون رفع تبعیض

پیامدهای خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه با تأکید بر سازوکارهای قانونی

سیمین حاجی‌پور ساردویی^۱
گارینه کشیشیان^۲

چکیده

خشونت علیه زنان یک اپیدمی جهانی است که باعث مرگ و آزار و آسیب‌دیدگی جسمی، روانی، جنسی و اقتصادی زنان می‌شود و می‌تواند وجود یک انسان را ویران، جوامع را سرخورده و توسعه را متوقف کند. خشونت یکی از مستمرترین موارد نقض حقوق بشر است که امنیت، کرامت، عدالت و حق زنان در برخورداری از ابتدایی‌ترین حقوق؛ یعنی روح، روان، جان و جسمی سالم را نفی می‌کند. خشونت، نمونه بارزی از تبعیض جنسیتی و منبع اصلی کاهش سلامت زنان است. خشونت علیه زنان، در اشکال مختلف، از خشونت کلامی گرفته تا خشونت فیزیکی، به عنوان یک مسئله و آسیب خانوادگی و اجتماعی پیامدهای جدی برای سلامت زنان و فرزندان آنها دارد. مقاله حاضر با رویکردی اسنادی و کیفی مروری بر رایج‌ترین اشکال خشونت علیه زنان داشته، به تحقیق در مورد پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم خشونت بر سلامت زنان



رایج‌ترین اشکال خشونت علیه زنان کدامند؟ چرا خشونت علیه زنان در خانواده و اجتماع شکل می‌گیرد؟ پیامدهای خشونت علیه زنان بر خانواده و اجتماع چیست؟ سازوکارهای

^۱ دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر E-mail: s_binesh@yahoo.com

^۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

قانونی برای مقابله با خشونت علیه زنان کدامند؟

می‌پردازد و با در نظر گرفتن دلایل خشونت و پیامدهای آن، بر ضرورت انجام اقدامات مشترک در بخش‌های مختلف به منظور پیشگیری از خشونت، حمایت از قربانیان، ایجاد اطمینان برای احقاق حقوق از دست رفته در نتیجه خشونت و در نهایت، بر ایجاد سازوکارهای قانونی برای مجازات خشونت‌ورزان خانگی و اجتماعی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان؛ سازوکارهای قانونی؛ خانواده؛ اجتماع؛ حمایت از قربانیان

زنان و مدیریت؛ مطالعه عوامل تأثیرگذار بر حضور زنان در مدیریت‌های عالی‌رتبه

مرضیه حاجی‌پور ساردویی^۱

چکیده

این مطالعه به بررسی عواملی می‌پردازد که بر پیشرفت شغلی زنان در ایران تأثیرگذار است. با وجودی که زنان، در ایران، از نمود و عملکرد خوبی در کارهای علمی و حرفه‌ای برخوردار بوده‌اند، اما حضور کم‌رنگی در جایگاه‌های مدیریتی عالی‌رتبه دارند. این پژوهش به مطالعه این پدیده در دو سطح می‌پردازد. مطالعه اول، به بررسی بستر اجتماعی - فرهنگی با شناسایی کلیشه‌های نقش جنسیتی و نگرش نسبت به پیشرفت شغلی زنان می‌پردازد. در این راستا، از ۵۳ نفر زن و مرد خواسته شد به پرسشنامه‌ای برای ارزیابی نگرش‌ها نسبت به مدیران زن پاسخ دهند. مطالعه دوم که یک پژوهش کیفی بود، عوامل کلیدی تأثیرگذار بر پیشرفت شغلی زنان را از طریق مصاحبه عمیق با ۱۲ مدیر زن در مدیریت‌های متوسط و عالی‌رتبه مورد بررسی قرار داد. نتایج در سه دسته فردی، سازمانی و خانوادگی مورد بحث قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که عوامل کلیدی اولیه موفقیت مدیران زن اعتماد به نفس و عزم آنها



کلیشه‌های نقش جنسیتی و نگرش نسبت به پیشرفت شغلی زنان در بستر اجتماعی - فرهنگی ایران چگونه است؟ عوامل کلیدی تأثیرگذار بر پیشرفت شغلی زنان کدامند؟

^۱ دکتری مدیریت رسانه، جانشین سردبیر خبر پخش اخبار، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

E-mail: hajipour.sm@gmail.com

برای دستیابی به اهداف شغلی است. دومین عامل حمایت خانواده و سازمان‌ها بود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مانع برای موفقیت زنان نیز هنجارهای سنتی نسبت به نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت عالی‌رتبه؛ پیشرفت شغلی زنان؛ کلیشه نقش جنسیتی؛ سقف شیشه‌ای؛ هنجارهای سنتی



سیاستگذاری جنسیتی در قوانین حقوقی با تأکید بر قوانین زنان و خانواده

مهديه حامد^۱

چکیده



سیاست‌های اجتماعی در کشورهایی با سیستم حقوقی سیویل لا (مانند ایران) مقید به نظم حقوقی و قوانین رسمی هستند. از این رو، این قوانین در حکم اسناد فرادست تمامی سیاست‌های اجتماعی عمل کرده، امکان ایجاد تبعیض یا احقاق حقوق اجتماعی و تأمین رفاه عینی و ذهنی گروه‌های مختلف اجتماعی را فراهم می‌کنند. مسئله جنسیت و زنان نیز تحت تأثیر این قوانین قرار دارند و نظم حقوقی تعیین‌کننده سیاست‌های اجتماعی مربوط به آنها است. تغییرات جامعه و دگرگونی‌های خانواده موجب پدید آمدن نیازهای جدید شده است که نیازمند درک درست از فرآیندهای در حال تغییر است. اما سیاست‌های جنسیتی در کشورهایی با سیستم حقوقی همچون ایران به دیوار قوانین حقوقی برخورد می‌کند. مطالعات پیشین نشان می‌دهد حقوق شهروندی زنان تحت نظام پدرسالارانه از زنان سلب می‌شود. از این رو، این نوشتار با استفاده از معرفت‌شناسی فمینیستی و به‌کارگیری نظریه‌های

چگونه قوانین حقوقی می‌توانند سیاست‌های اجتماعی جنسیتی را تحت تأثیر قرار دهند؟

^۱ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

سیاستگذاری اجتماعی، قوانین حقوقی خانواده را به روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه کرده، سیاستگذاری‌های جنیستی نهفته در دل آنها را احصاء می‌کند. این مطالعه این موضوع را دنبال می‌کند که چگونه قوانین حقوقی می‌توانند سیاست‌های اجتماعی جنیستی را تحت تأثیر قرار دهند.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا؛ حقوق؛ سیاستگذاری جنیستی؛ قوانین



جهان عرب و مشارکت سیاسی زنان در قرن بیست و یکم دیاسپورای پرده‌نشینان

مظفر حسنونند^۱

چکیده



گذار به مرحله توسعه‌یافتگی فرآیندی چندوجهی، پیچیده و چندعاملی است. توجه به قابلیت‌ها و مقدرات زنان یکی از عوامل اجتناب‌ناپذیر برای رسیدن به توسعه سیاسی است. جهان عرب طی دهه‌های حاضر تجربیات و تحولات بسیار چشمگیری را سپری کرده و دستاوردهای بسیاری در زمینه افزایش میزان مشارکت سیاسی زنان بویژه در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، تونس و اردن محقق شده است. زنان عرب در روند اصلاحات، دگرگونی‌ها، اعتراضات و انقلابات جدید مانند تحولات سال ۲۰۱۱، نقش بسزایی داشته‌اند و در میان ملی‌گراها، چپ‌گرایان و لیبرال‌های جدید عرب، زنان به مراتب نقش‌های بیشتری نسبت به گذشته دارند. با این وجود، در وضعیت گذار به توسعه‌یافتگی و مرحله انتقالی در جهان عرب، با توجه به کثرت و جمعیت فزاینده زنان، محذورات و مشکلات متعددی برای تثبیت مشارکت سیاسی زنان وجود دارد. به رغم تمام دستاوردها باید گفت، هنوز نهادها و ساختارهای مؤثر در

وضعیت مشارکت سیاسی زنان عرب در دهه حاضر (۲۰۲۰ - ۲۰۱۰) چگونه است؟ و در این زمینه، مهم‌ترین مشکلات و موانع در دو سطح ساختاری و کارگزاری کدامند؟

^۱دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه شیراز
E-mail: mhasanvand@shirazu.ac.ir

قدرت، حاضر به پذیرش واقعی حضور زنان در عرصه سیاسی نیستند. با این اوصاف، در پژوهش حاضر این پرسش مطرح شده که وضعیت مشارکت سیاسی زنان عرب در دهه حاضر (۲۰۲۰ - ۲۰۱۰) چگونه است؟ و در این زمینه، مهم‌ترین مشکلات و موانع در دو سطح ساختاری و کارگزاری کدامند؟ برای پاسخ به پرسش مذکور، این فرضیه مورد واکاوی قرار گرفته است که علی‌رغم بسیاری دستاوردهای سیاسی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی، بسترها و شرایط برای تثبیت، استمرار و باقاعده شدن حضور زنان عرب فراهم نشده است و نگاه‌ها به زن عرب همچنان به مثابه پرده‌نشینان مستور است. در توضیح باید گفت، هر چند در ظاهر به نقش و حضور زنان عرب اهمیت داده می‌شود، ولی این مقوله بیشتر صوری و فاقد محتوای بنیادین است. واقعیت آن است که جهان عرب هنوز نتوانسته به سازوکاری برای نهادینه کردن افزایش مشارکت زنان در عرصه سیاست دست یابد و زن عرب بیش از هر چیز وضعیت دیاسپورایی به خود گرفته است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری مطالب کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از معتبرترین گزارش‌های جهانی و منابع عربی و انگلیسی است.

واژگان کلیدی: جهان عرب؛ نظام سیاسی؛ مشارکت سیاسی؛ زنان عرب؛ دیاسپورا؛ سنت و تجدد

بررسی تأثیر اجرای برنامه اهداف توسعه هزاره در ایران بر توانمندسازی زنان و ارتقای برابری جنسیتی

الهام حسین خانی^۱
 مهدی حصارکی^۲
 حامد عمویی^۳

چکیده

برنامه توسعه سازمان ملل متحد، پروژه‌ای تحت عنوان برنامه توسعه هزاره بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ طرح‌ریزی کرد تا بتواند بر پایه آن، اهداف مورد نظر خود را پیگیری کند و در سایه تحقق این اهداف به پیشرفت و توسعه جهانی نائل آید. این اهداف عبارتند از: ریشه‌کنی گرسنگی و فقر شدید؛ تحقق آموزش ابتدایی و همگانی؛ ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛ کاهش میزان مرگ و میر کودکان؛ بهبود بهداشت مادران؛ مبارزه با گسترش بیماری ایدز، مالاریا و...، اطمینان از پایداری محیط زیست و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه. اجرای این برنامه در کشورهای در حال توسعه و

جمهوری اسلامی
 ایران برای تحقق
 اهداف مورد نظر در
 برنامه‌های بلندمدت،
 میان‌مدت و
 کوتاه‌مدت خود به



^۱ نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل و دبیر کمیته مطالعات زنان انجمن جرم‌شناسی ایران،

دفتر البرز E-mail: ehoseinkhani@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج E-mail:

mahdihsrk@gmail.com

^۳ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی و دبیر کمیته جامعه‌شناسی انجمن جرم‌شناسی ایران، دفتر البرز E-mail:

hamedamo2000@gmail.com

ویژه در زمینه توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی چه کارهایی انجام داده است و چه عملکردی داشته است؟

کم‌توسعه‌یافته، دارای اهمیت بیشتری بود تا آنها را به سطحی از توسعه قابل قبول برای زندگی بشر با رویکردهای ارزشمند انسانی، توسعه‌گرایانه و عدالت‌جویانه برساند. یکی از کشورهای در حال توسعه، جمهوری اسلامی ایران است که تلاش کرده بر اساس مؤلفه‌های عدالت و کرامت انسانی، به سمت توسعه گامی بلند بردارد. بر همین اساس، این کشور سعی کرده است در اسناد بالادستی و میان‌بردی خود مانند سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج ساله توسعه این اهداف را مد نظر داشته باشد. بر این اساس سؤالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که «جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف مورد نظر در برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت خود به ویژه در زمینه توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی چه کارهایی انجام داده و چه عملکردی داشته است؟». به این ترتیب، هدف مقاله بررسی عملکرد جمهوری اسلامی ایران در جهت توانمندسازی زنان و ارتقای برابری جنسیتی است و روش تحقیق آن نیز، تحلیلی - توصیفی و آماری است. نتیجه کلی مقاله نیز نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه و عملکرد این کشور در راستای برآوردن اهداف مورد نظر در برنامه توسعه هزاره بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، مثبت و قابل قبول بوده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌های توسعه؛ ایران؛ توسعه هزاره؛ توانمندسازی زنان؛ برابری جنسیتی

تبیین چارچوب مفهومی و نظری و سازوکارهای توانمندسازی زنان

عبدالعلی حسینیون^۱

چکیده



بهبود مفهوم‌سازی توانمندسازی زنان بارها و بارها به عنوان اولویت تحقیق در سیاست توسعه جهانی شناخته شده است. در این مقاله تلاش می‌شود از استدلال‌های فلسفه فمینیستی و سیاسی استفاده کنیم تا به یک سنخ‌شناسی یکپارچه از مفهوم توانمندسازی دست یابیم. در این سنخ‌شناسی، توانمندسازی (۱) ممکن است دارایی فردی یا جمعی باشد؛ (۲) ممکن است مستلزم از بین بردن موانع روانی یا موانع بین فردی بیرونی باشد؛ (۳) ممکن است بر اساس شرایط خاص هر کارگزار یا بوسیله عوامل خارجی از قبل موجود تعریف شود؛ (۴) ممکن است کارگزاران را ملزم کند تا درجه‌ای از استقلال را به دست آورند یا دیگران را ملزم کند که آنها را از طریق حمایت‌های اجتماعی توانمند سازند و (۵) ممکن است به تعداد گزینه‌های موجود یا انگیزه‌های زمینه‌ساز انتخاب‌های گذشته مربوط باشد. ما استدلال می‌کنیم که بررسی دقیق از استدلال موافق و مخالف هر مفهوم توانمندسازی، ناسازگاری‌های اساسی مبتنی بر واقعیت، تئوری

چگونه مفاهیم جایگاه و توانمندسازی زنان را به منظور برخورداری از حقوق انسانی برابر با مردان می‌توان بازتعریف کرد؟

^۱ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

و ارزش را بین مفاهیم متضاد نشان می‌دهد. بنابراین، پرسش این مقاله چگونگی بازتعریف مفاهیم جایگاه و توانمندسازی زنان به منظور برخورداری از حقوق انسانی برابر با مردان است. توانمندسازی یک مفهوم اساسی و فرآیندی از تحولات فردی و اجتماعی است که از طریق آن زنان می‌توانند قدرت، گزینه‌های معنی‌دار و کنترل زندگی خود را به دست آورند. مسیرهای مختلفی برای توانمندسازی زنان وجود دارد، اما اقدامات جمعی زنان، اصلاح قانون اساسی و قانونی مدنی، سیاستگذاری‌های اجتماعی و اقتصادی و تغییرات در هنجارهای اجتماعی - فرهنگی از مهم‌ترین اقدامات تلقی می‌شوند. برای کمک به پیشرفت در توانمندسازی زنان، جامعه جهانی باید از اقدامات سیاسی زنان برای تغییر جنسیت در سلسله مراتب قدرت پشتیبانی کند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی؛ زنان؛ سیاستگذاری‌های اجتماعی و اقتصادی؛ هنجارهای اجتماعی - فرهنگی؛ اصلاح قانون



تأثیر نرخ مشارکت اقتصادی و تحصیلات آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی ایران

نوش‌آفرین خان‌زاده^۱

چکیده



نرخ مشارکت
اقتصادی و تحصیلات
عالی زنان چه تأثیری
بر رشد اقتصادی
کشور دارد؟

در پژوهش حاضر با استفاده از مدل رشد منکیو، رومر و ویل که یک مدل رشد مبتنی بر سرمایه انسانی است، نقش زنان به عنوان سرمایه‌های انسانی کشور طی یک بازه زمانی سی و یک ساله مورد بررسی قرار گرفته است. شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش، نرخ مشارکت اقتصادی زنان و نسبت تعداد دانش‌آموختگان زن دانشگاه‌های کشور به کل دانش‌آموختگان دارای تحصیلات عالی است. با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، تخمین ضرایب این دو متغیر برای زنان و همچنین مردان در چهار مدل جداگانه بررسی و سپس به تفسیر و مقایسه ضرایب حاصل شده در هر مدل پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی زنان رابطه مثبت و معناداری با نرخ رشد اقتصادی ایران دارد و در نتیجه با افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان، نرخ رشد اقتصادی ایران افزایش می‌یابد. همچنین بررسی ضرایب تخمینی نشان داد تحصیلات عالی زنان رابطه معنادار، اما منفی با نرخ رشد اقتصادی کشور دارد؛ بدین معنا که نه تنها با افزایش نسبت دانش‌آموختگان

^۱ دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد

زن دانشگاه‌های کشور به کل دانش‌آموختگان دانشگاهی در هر سال، نرخ رشد اقتصادی افزایش نیافته است، بلکه ارقام حاصل شده یک روند کاهشی را نیز نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: تحصیلات تکمیلی زنان؛ رشد اقتصادی؛ سرمایه انسانی؛ گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)؛ نرخ مشارکت اقتصادی زنان



بررسی جواز خشونت علیه زوجه در قرآن

صالحه خدادادی^۱

چکیده

آیه ۳۴ سوره نساء از مهم‌ترین آیات مربوط به موضوع جایگاه و حقوق زن در اسلام است. تبیین و تفهیم صحیح آیه می‌تواند در پاسخگویی به شبهات وارده به این آیه از سوی مخالفان مذهب و اذهان پرسشگر جویای حقیقت و نیز وضع صحیح قوانین حقوقی و سیاسی در جامعه اسلامی ره‌گشا باشد. تا آنجا که تعیین محدوده ریاست مرد بر زن، چگونگی اثبات نشوز و اثرات حاصل از آن، مراحل تأدیب زن و مجوز برخورد فیزیکی با زن توسط همسر از موارد اصلی شبهه‌افکن آیه مذکور است. در طول تاریخ حیات اسلام شاهد اختلافات تفسیری قابل توجهی میان فقها درباره این آیه و پذیرفته شدن جایگاه جنس دومی زن نسبت به مرد بر اساس ظاهر آیه توسط برخی از صاحبان اندیشه و به تبع اذهان عمومی بوده‌ایم. روش پژوهش در این مقاله کتابخانه‌ای - اسنادی است و با بررسی تفاسیر متفاوت مشخص شد استناد به ظاهر برخی تفاسیر بدون بررسی عمیق واژگان و بازنگری تفاسیر متفاوت در بروز شبهات حاصله نقش بسزایی داشته است.



تبیین و تفهیم صحیح آیه ۳۴ سوره نساء به منظور اثبات نشوز و تأدیب زن و مجوز برخورد فیزیکی با زن توسط همسر چگونه است؟

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم

واژگان کلیدی: ریاست مردان؛ نشوز زنان؛ تمکین زنان؛ جواز زدن زن



بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در کشورهای حاشیه خلیج فارس؛ مطالعه موردی: کویت، بحرین و امارات در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰

علیرضا خسروزاده^۱

چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی در نظر دارد میزان مشارکت سیاسی زنان در کشورهای حاشیه خلیج فارس (دولت کویت، پادشاهی بحرین و امارات متحده عربی) را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ تبیین کرده، سپس داده‌های به دست آمده را به صورت تطبیقی بررسی کند. نگارنده این نوشتار برای شروع پژوهش خود این پرسش را مطرح کرده است که زنان چه نقشی در امور سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس دارند؟ آنچه که در پاسخ به این سؤال آمده است ماحصل واکاوی در رویه‌ها، قوانین و فرآیندهای سیاسی این کشورها است. این نوشتار بیان می‌کند که میزان مشارکت سیاسی زنان در این ۳ کشور به مرور زمان از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ دچار تحول شده و این تحول در هر یک از این کشورها بسته به شرایط متفاوت اجتماعی و سیاسی آنها با یکدیگر متفاوت است.



زنان چه نقشی در
امور سیاسی
کشورهای حاشیه
خلیج فارس دارند؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه علامه طباطبایی

واژگان کلیدی: خلیج فارس؛ زنان؛ فرآیندهای سیاسی؛ مشارکت سیاسی



باورهای بازدارنده مشارکت سیاسی زنان در جامعه ایرانی

زهرا خلیلی^۱

چکیده

زنان نیمی از جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. اما با این حال، به علت وجود عوامل مختلفی که ریشه در باورهای عمومی مردم اعم از زن و مرد دارد و به موازات و یا حتی به تبع آن وجود نقص، ضعف و کاستی‌های مختلف در ساختارهای اجتماعی و سیاسی، مشارکت سیاسی زنان در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد. تعداد اندکی از زنان نیز در عرصه سیاست حضور دارند، اما با توجه به اینکه سیستم سیاسی کشور مبنایی مردانه دارد، زنانی موفق خواهند شد که خلق و خویی مردانه داشته و یا به مانند مردان فکر کنند. در حقیقت زنان باید مردانه عمل کرده، از خلق و خوی زنانه خود دوری کنند. به دنبال این موضوع، این سؤال مطرح می‌شود که عوامل و موانع مشارکت سیاسی زنان ایرانی در جامعه چیست؟ از آنجا که سیاست‌های کلان هر جامعه متأثر از ویژگی‌های غالب روانی و فرهنگی اعضای آن جامعه است، این فرضیه مطرح می‌شود که ریشه ابتدایی مشارکت ناچیز زنان در حوزه سیاست ناشی از باورهای موجود در جامعه ایرانی است که زنان نمی‌توانند به اندازه مردان در این عرصه فعالیت و اقدام مثبتی



عوامل و موانع
مشارکت سیاسی
زنان ایرانی در جامعه
چیست؟

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

داشته و اگر هم بتوانند، موجب کمرنگ شدن نقش زن در خانواده می‌شود. در واقع فعالیت سیاسی زنان در تعارض با نقش آنها در خانواده است. در این مقاله، پژوهشگر با استفاده از مفهوم فرهنگ سیاسی و روش تحلیلی - توصیفی به سؤال فوق پاسخ می‌دهد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی زنان؛ زنان ایرانی؛ فرهنگ سیاسی؛ باورهای بازدارنده



بررسی عوامل مؤثر در ارتقای زنان به سطوح مدیریت بیمارستان

پروانه خیاط فراهانی^۱

چکیده



توسعه هر جامعه به توسعه نیروی انسانی آن جامعه وابسته است و زنان نیمی از این نیروی انسانی هستند. با در نظر گرفتن افزایش تخصص و تحصیلات و تجربه زنان در سال‌های اخیر، انتظار می‌رود زنان پله‌های ترقی و مدیریتی را با سرعت بیشتری طی کنند، اما این سرعت رشد به دلایل مختلفی بسیار کند بوده است. بر همین اساس، هدف این پژوهش تعیین عوامل مؤثر فردی و محیطی بر ارتقای زنان به سطوح مدیریتی در بیمارستان‌ها است. این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. در تحلیل اطلاعات از روش‌های توصیفی - استنباطی استفاده شده است. تعداد ۱۰۰ پرسشنامه در بیمارستان‌های هدف میان زنان مدیر و غیرمدیر توزیع شد. با توجه به یافته‌های پژوهش، عوامل محیطی بیشترین تأثیر را در ارتقای زنان به سطوح مدیریت بیمارستان داشته‌اند. البته عوامل فردی گرچه بی‌تأثیر نبوده‌اند، اما نقش آنها از عوامل محیطی کمتر بوده است. در میان عوامل محیطی، عوامل درون سازمانی و

عوامل مؤثر فردی و محیطی بر ارتقای زنان به سطوح مدیریتی در بیمارستان‌ها کدامند؟

^۱دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب E-mail: pk_farahani@yahoo.com

عوامل اجتماعی - فرهنگی و در میان عوامل فردی، عوامل خانوادگی - فرهنگی بیشترین تأثیر را در ارتقای زنان به سطوح مدیریت بیمارستان داشته‌اند.

واژگان کلیدی: زنان؛ عوامل درون سازمانی؛ عوامل برون سازمانی؛ ارتقا؛ سطوح مدیریت؛ بیمارستان



بررسی عوامل مؤثر بر پایین آمدن نرخ مشارکت بانوان سیاسی در مناصب کلیدی ایران

محیا دانش^۱

چکیده



در سال‌های اخیر آمارها در جهان گویای آن بوده که نقش بانوان در مناصب کلیدی به ویژه در سمت‌های نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری رو به افزایش است. با این حال کشورهایی نیز هستند که نرخ مشارکت بانوان سیاسی آنها رو به افول است؛ از جمله، در ایران که در گروه کشورهایی با کمترین میزان نرخ مشارکت بانوان سیاسی قرار دارد. این آمار برای کشوری با تمدن فاخر که در دورانی کوتاه حکمرانی زنی چون آذرمی‌دخت، پوران‌دخت و ... را شاهد بوده، بسیار قابل توجه است. با نگاهی اجمالی می‌توان پی‌برد که عوامل دخیل در به دست آمدن چنین نتیجه‌ای بسیار عمیق است. با وجود شعور سیاسی زنان ایرانی به ویژه در منطقه خاورمیانه حضور آنها در عرصه سیاست کمرنگ به نظر می‌رسد و صرفاً اخذ مناصب معاونت ریاست‌جمهوری، شهردار و وکالت برای جایگاه زن ایرانی کافی نیست. با توجه به موارد گفته شده، هدف از این پژوهش پرداختن به عوامل کاهش نرخ مشارکت بانوان سیاسی

چه عواملی در پایین آمدن نرخ مشارکت بانوان سیاسی ایران در پست‌های کلیدی نقش دارد؟

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

در پست‌های کلیدی ایران به روش توصیفی - تحلیلی است. سؤالی که با آن مواجه هستیم، این خواهد بود: چه عواملی در پایین آمدن نرخ مشارکت بانوان سیاسی ایران در پست‌های کلیدی نقش دارد؟ برای پاسخ به این سؤال با این فرضیه پیش خواهیم رفت که: ریشه‌های تاریخی، سنتی، باورهای عامیانه و تعاریف خاص برای ایجاد نظامی مردسالارانه به قدمت تاریخ در ایران نقش ایفا می‌کنند.

واژگان کلیدی: بانوان سیاسی؛ زن در حوزه سیاست؛ مشارکت سیاسی زنان؛ مشارکت نیروی زن به مرد؛ نظام مردسالارانه



نقش مشارکت زنان در حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری در جمهوری اسلامی ایران

دلارام دژآهنگ^۱

چکیده



در این پژوهش سعی شده نقش مشارکت زنان در حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهیم. به طور کلی، مشارکت زنان و حضور بانوان در عرصه‌های تصمیم‌گیری حکومتی می‌تواند پشتوانه‌ای مناسب برای سایر عرصه‌های مشارکت‌جویانه تلقی شود و دارای ارزش و اعتبار است. با توجه به جامعه ایران که در حال گذر از نگرش‌های سنتی به ایستارهای نوین است، زنان ما خواهان آن هستند که در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و سیاستگذاری‌های ملی و بین‌المللی با حفظ منافع کشور حضور جدی و فعال داشته باشند، زیرا مشارکت آنان در جامعه نشان‌دهنده رشد جوامع و عقلانیت آنها است. با توجه به اینکه مشارکت زنان در جوامع و کشورهای گوناگون چهره‌های متفاوت از خود نشان می‌دهد، مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که نقش مشارکت زنان در حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری در جمهوری اسلامی ایران

نقش مشارکت زنان در حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ فرصت‌ها، موانع و آینده مشارکت زنان به چه صورت است؟

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

چگونه است؟ فرصت‌ها، موانع و آینده مشارکت زنان به چه صورت است؟ تحقیق حاضر با روش تاریخی وقایع روی داده در گذشته را با تلاش در جهت سازمان‌دهی دوباره آنها و نتایج مشخص شده اخذ و درباره زمان حال به کار خواهد برد. روش توصیفی به طور سیستماتیک وضعیت موجود را به طور واقعی و به درستی توصیف می‌کند و با استفاده از این روش ارتباط میان وضعیت موجود و متغیرهای دخیل در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. با ارائه راهکارها و پیشنهادات، نتیجه به دست آمده از تحقیق به طور اجمال نشان می‌دهد تغییر باورها در جامعه و توجه به اصل برابری در بهره‌گیری از شرایط مساوی زنان و مردان و توانمندسازی زنان در عرصه‌های گوناگون، مشارکت زنان را در حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری در ایران افزایش خواهد داد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران؛ راهبرد؛ زنان؛ سیاستگذاری؛ مشارکت



راهکارهای توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی؛ مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران

فرزانه دشتی^۱
بیژن میرزایی^۲

چکیده

امروزه بدون در نظر گرفتن نیمی از سرمایه جامعه (زنان) نمی‌توان به توسعه پایدار و همه‌جانبه دست یافت. به عبارتی، حضور زنان یکی از پیش‌نیازهای اساسی توسعه پایدار است. تجربه جامعه جهانی اثبات می‌کند که حضور و مشارکت زنان در عرصه عمومی، به سطوح مختلف تصمیم‌گیری و بهبود سطح کیفیت خدمات دولتی در کشورهای توسعه‌یافته کمک شایانی کرده است. دستیابی به این مهم، به سادگی صورت نپذیرفته و زنان می‌بایست به عنوان عامل مؤثر در امور مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توانمند شوند. لذا فراهم‌سازی زمینه‌های توانمندسازی شهروندان به طور حتم از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها به شمار می‌آید، زیرا شهروندانی می‌توانند مشارکت داشته باشند که ظرفیت، قابلیت و توانمندی‌های لازم را دارا باشند. بنابراین، توانمندسازی، افزایش توان، ظرفیت و



راهکارهای
توانمندسازی زنان
برای نقش‌آفرینی در
عرصه
تصمیم‌گیری‌های
سیاسی در جمهوری
اسلامی ایران
کدامند؟

^۱ دکتری علوم سیاسی، مدرس دانشگاه پیام نور، آبادان E-mail: farzanehdashti30@yahoo.com

^۲ هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد E-mail:

bizhan_mirzaee@yahoo.com

قابلیت‌های یک گروه خاص برای انجام امور یا تغییر شرایط و موقعیت است. شاخص اصلی توانمندسازی زنان، مشارکت سیاسی در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. مشارکت سیاسی زنان صرفاً به منزله شرکت آنان در انتخابات و رأی دادن نیست، بلکه به معنای آن است که زنان در تمامی نهادهای دموکراتیک نقش فعال و مؤثر داشته باشند. متأسفانه، این در حالی است که هنوز جنسیت نقش تعیین‌کننده‌ای در تقسیم وظایف سیاسی و فرهنگی بازی می‌کند. در پژوهش حاضر، به دنبال پاسخگویی به این سؤال اصلی هستیم که «راهکارهای توانمندسازی زنان برای نقش‌آفرینی در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟». فرضیه پژوهش آن است که عمده راهکارهای توانمندسازی زنان برای حضور فعال در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی، شامل تغییرات ساختاری، فرهنگی و قانونی عبارتند از: ۱- حذف عواملی که مانع فعالیت زنان می‌شوند. ۲- افزایش توانایی و قابلیت‌های زنان است. به دیگر سخن، لازم است که مسایل در قالب نوعی نگاه سیستمی و همه‌جانبه حل شود. روش تحقیق به کار رفته در پژوهش نیز کیفی بوده، گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار مصاحبه و کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۵ نفر از اساتید شاغل در دانشکده‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و حقوق، با داشتن سابقه بیش از پنج سال سابقه تدریس و پژوهش است. هدف از این مقاله، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی و ارائه راهکارهای توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حمایت از زنان در قالب اصلاح و تغییر قوانین مربوط به نهادهای مدنی، ارتقای سطح آگاهی، آموزش زنان، حذف نگاه جنسیتی و مردسالارانه، رشد جامعه مدنی و سازمان‌های مردم نهاد، تقویت خودباوری، اعتماد به نفس، جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری، لزوم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های مناسب در زمینه توانمندسازی زنان از سوی دولت از عمده‌ترین راهکارهایی است که مصاحبه‌شوندگان به آنها به سبب تقویت مشارکت سیاسی و حضور فعال در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی اشاره کردند.

واژگان کلیدی: زنان؛ توانمندسازی؛ مشارکت سیاسی؛ تصمیم‌گیری سیاسی

نقش رسانه در توانمندسازی سیاسی زنان

محمدرضا دهشیری^۱
لیلا فقیه‌لو^۲

چکیده



دولت‌ها، مؤسسات آموزشی، سازمان‌های غیردولتی مسئول جلوگیری از انواع مختلف تبعیض علیه زنان هستند. علاوه بر همه آنها، از آنجا که تأثیر رسانه در انتشار و تفسیر دانش، نوآوری و اخبار بسیار زیاد است، مسئولیت رسانه‌های جمعی نیز در این مسئله بسیار زیاد است. امروزه رسانه‌ها بخش بزرگی از زندگی ما را تشکیل می‌دهند. پذیرش، ترویج و تمرین عدالت جنسیتی در رسانه‌ها برای هر جامعه دموکراتیک یک ضرورت است، زیرا بر رشد مشارکت زنان در همه زمینه‌های زندگی بویژه در مؤسسات تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. رسانه‌ها باید از زبان جنسیتی و ارائه نادرست فاصله بگیرند و کلیشه‌هایی را در مورد نقش‌های فردی در کل، و در مورد زن، در حالت خاص، بویژه در خانواده و جامعه ایجاد نکنند. تقریباً همه از رسانه‌های جمعی سود می‌برند. از سوی دیگر، رسانه‌ها یک قدرت بسیار بزرگ برای اعلام افکار و اهداف ما در مورد توانمندسازی زنان است. پرسش‌های این

جایگاه زنان در ایران در سپهر سیاسی کشور چگونه است؟ و رسانه به عنوان یکی از ابزارهای بهبود توانمندسازی سیاسی چه جایگاهی دارد؟

^۱دانشیار علوم سیاسی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، نویسنده مسئول

^۲کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

پژوهش عبارتند از: جایگاه زنان ایران در سپهر سیاسی کشور چگونه است؟ و رسانه به عنوان یکی از ابزارهای بهبود توانمندسازی سیاسی چه جایگاهی دارد؟ در این مقاله تلاش می‌شود نقش قدرتمند و مثبتی که رسانه‌ها می‌توانند در توانمندسازی زنان و عدالت جنسیتی ایفا کنند، مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: زنان؛ رسانه‌ها؛ توانمندسازی سیاسی؛ مشارکت سیاسی



الزامات و مأموریت‌های دانشگاه‌های توانمندساز زنان

فاطمه ذوالفقاریان^۱

چکیده



زنان از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی هستند که در دهه‌های اخیر سپهر خصوصی خود را رها کرده، حضور چشمگیری در سپهر عمومی داشته‌اند. به تعبیر بسیاری از نظریه‌پردازان، زنان تأثیر فراوانی بر روند توسعه پایدار و همه‌جانبه کشور دارند و سرمایه‌گذاری کافی در زمینه‌های آموزشی و پرورشی آنها تضمین‌کننده روند تکاملی جامعه است. در این نوشتار سعی خواهد شد تعریفی از دانشگاه توانمندساز ارائه شود و با توجه به مکاتب فمینیستی موجود در دنیا و اندیشمندان و متفکران نام‌آوری که در این زمینه به تحقیق پرداخته‌اند، به مأموریت و اهدافی اشاره خواهد شد که دانشگاه‌ها در زمینه توانمندسازی زنان می‌توانند ارائه دهند. سؤالی که در این مقاله به دنبال پاسخ آن هستیم عبارت است از اینکه دانشگاهی که توانمندسازی زنان را در دستور کار قرار می‌دهد، چه مأموریت و اقدامات آموزشی، پژوهشی و فرهنگی را باید انجام دهد؟ فرضیه این نوشتار بر این مبنا است که دانشگاه نمی‌تواند زنان را از عرصه خصوصی به عرصه عمومی وارد کند؛ مگر آنکه در فلسفه راهبردی و مأموریت خود توانمندسازی زنان را قرار

دانشگاهی که توانمندسازی زنان را در دستور کار قرار می‌دهد، چه مأموریت و اقدامات آموزشی، پژوهشی و فرهنگی را باید انجام دهد؟

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد E-mail: fa.zolfagharian@mail.um.ac.ir

دهد. این گزاره منجر به تغییر سرفصل‌ها، افزایش اساتید آشنا به توانمندسازی زنان و باخانمان شدن زنان در حوزه فرهنگی دانشگاه خواهد شد. برای این کار از چارچوب‌های تئوریک فمینیستی استفاده خواهد شد و با روش پژوهش هنجاری، ابتدا مبانی، فیلسوفان و سپس وضعیت و چشم‌انداز دانشگاه‌ها جهت توانمندسازی زنان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین به راهکارها و مأموریت‌هایی پرداخته خواهد شد که دانشگاه‌ها می‌توانند در اسناد راهبردی به عنوان چشم‌انداز آینده دانشگاه در نظر بگیرند.

واژگان کلیدی: دانشگاه توانمندساز؛ فمینیست؛ آموزش عالی؛ توسعه پایدار

واکاوی وضعیت مشارکت اجتماعی – سیاسی زنان در استان قزوین

صدیقه ربیعی^۱

چکیده



مشارکت اجتماعی –
سیاسی زنان در
استان قزوین چگونه
است؟

امروزه مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف یکی از شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود و رابطه تنگاتنگی میان توانمندسازی زنان و توسعه پایدار وجود دارد. این امر، اهمیت توجه به جایگاه و وضعیت واقعی زنان در عرصه‌های فعالیت اجتماعی و سیاسی را دوچندان کرده و به مسئله اصلی پژوهش حاضر تبدیل شده است. در این بررسی، مفهوم مشارکت سیاسی با نظریات میلبراث و راش مورد مذاقه قرار گرفته است و مشارکت فعال به عنوان بالاترین سطح مشارکت در نظر گرفته شده است. مشارکت اجتماعی نیز بر اساس نظریات چاپین و با توجه به فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد صورت‌بندی شد. با این نگاه نظری و با روش مطالعه اسنادی، آمار و اطلاعات در طول یک دوره سه‌ساله (۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ ه.ش) واکاوی شدند. آنچه از یافته‌های تحلیل استخراج شد، بیانگر این نکته است که؛ مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی با تعریف تصدی کرسی‌ها و پست‌های سیاسی، بسیار پایین‌تر از مردان است، در حالی که زنان در عرصه مشارکت‌های اجتماعی (عضویت و

^۱ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی

فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد) فعالانه‌تر حضور دارند. از سوی دیگر، اگرچه اکثریت فعالان و اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد استان را زنان تشکیل می‌دهند، اما سهم زنان در سطوح عالی این سازمان‌ها - اعضای هیأت مدیره، رییس هیأت مدیره و مدیرعامل - کماکان از سهم مردان پایین‌تر است.

واژگان کلیدی: مشارکت؛ مشارکت سیاسی؛ مشارکت اجتماعی؛ زنان؛ قزوین



تأثیر خانواده و سیاستگذاری عمومی بر نابرابری جنسیتی

مهرداد ربیعی^۱
زهره خدایی بیاتیانی^۲

چکیده



خط‌مشی‌گذاری عمومی بر فرآیند شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی و عوامل و عناصر مؤثر بر آنها تأکید دارد. سیر سیاستگذاری عمومی از کانون اندیشه و پدیدآوری سیاست تا ارزیابی و نظارت در پیوند با حقوق اساسی ساخته می‌شود. جنسیت عاملی است که اغلب در تمامی عرصه‌های برنامه‌ریزی‌های کشوری، از جمله بهداشت، سلامت، آموزش، اقتصاد، سیاست و مانند آن نادیده گرفته می‌شود. پیامدهای اعمال چنین رویکردهایی شاید در کوتاه‌مدت مؤثر باشند، اما تغییری در سطح توانمندی‌های زنان و کاهش فقرهای قابلیت‌ی آنها نداشته است. این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که خانواده و سیاستگذاری عمومی چه تأثیراتی بر نابرابری‌های جنسیتی خواهند داشت. همچنین در این مقاله، راهکارها و پیشنهادهایی پیرامون کاهش نابرابری بیان می‌شود. روش پژوهش هم به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است.

خانواده و سیاستگذاری عمومی چه تأثیراتی بر نابرابری‌های جنسیتی دارند؟ چه راهکارهایی برای کاهش این نابرابری‌ها وجود دارد؟

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، دانشگاه مفید قم E-mail: mehrdadrabiey@gmail.com

^۲ فعال اجتماعی و دانش‌آموخته کارشناسی منابع طبیعی، گرایش محیط‌زیست، دانشگاه پیام نور اراک E-mail: zohrehkhodaei3@gmail.com

واژگان کلیدی: خانواده؛ سیاستگذاری عمومی؛ نابرابری جنسیتی؛ سیاستگذاری فرهنگی



حکمرانی زنانه خوب در کنترل بحران‌های کرونا

مطالعه موردی: حوزه نوردیک

(نروژ، فنلاند، ایسلند، دانمارک و سوئد)

رضا رحمتی^۱

فریبا حاصلی^۲

فاطمه عرفانی^۳

چکیده



بحران‌های بین‌المللی مهم‌ترین بزنگاه‌هایی هستند که در پرتو آنها می‌توان حکمرانی خوب و سیاست کارآمد را محک زد. یکی از مهم‌ترین بحران‌های بین‌المللی قرن بیست و یکم، همه‌گیری ویروس Covid-19 بوده است. این بحران کمک شایانی به این موضوع کرد که کارآمدی حکمرانی کشورها از دریچه آن ارزیابی شود. در بررسی میزان کنترل این بحران، حتی کشورهای توسعه‌یافته صنعتی دموکراتیک نیز به یک اندازه، موفقیت نداشته‌اند. در بین این کشورها، میزان موفقیت جوامع نوردیک از درجه بسیار بالایی برخوردار بوده است. سؤال اصلی ما در این پژوهش این است، چرا کشورهای نوردیک در میان سایر کشورهای توسعه‌یافته در مدیریت کرونا

چرا کشورهای نوردیک در میان سایر کشورهای توسعه‌یافته در مدیریت کرونا کارآمدتری

^۱استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه بوعلی سینا، همدان و پژوهشگر سابق دانشگاه استکهلم سوئد
E-mail: r.rahmati@basu.ac.ir

^۲کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان
E-mail: fariba.haslie42016@gmle.com

^۳کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان
E-mail: fatemeh.erfani1376@gmail.com

داشته‌اند؟

حکمرانی کارآمدتری داشته‌اند؟ در پاسخ، فرضیه این پژوهش این است که «مدیریت زنانه حکمرانی» در نوردیک توانسته است هنجارها و شاخص‌های حکمرانی کارآمد را رفتار کند. هنجارها و شاخص‌های حکمرانی خوب که در مدل نوردیک برای کنترل کرونا رفتار شده‌اند، عبارتند از: عملکرد مثبت در کنترل ویروس، میزان مرگ و میر کمتر، کنترل اثرات منفی اقتصادی بر اقتصاد منطقه‌ای و اقتصادهای ملی، کنترل کمتر بر حوزه عمومی و خصوصی، مدیریت فرهنگی هدفمند، انسجام اجتماعی و تمایل نظام سیاسی به روان‌درمانگری ملی برای کنترل نظام اجتماعی.

واژگان کلیدی: نوردیک؛ حکمرانی خوب؛ سیاست زنان؛ کروناویروس؛ Covid-19؛ کارآمدی



مطالعه تطبیقی وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان

(بررسی وضعیت موجود و مطلوب)

سیمین رستمی فر^۱
معصومه رضانی^۲

چکیده



در چهل سال اخیر، علی‌رغم حاکم شدن گفتمان اسلامی بر نگرش نسبت به زن و جایگاه آن در نهاد خانواده و جامعه، شاهد بسترسازی به منظور حضور سیاسی - اجتماعی هر چه بیشتر زنان در جامعه بودیم که نتیجه آن وضعیت موجود و نقاط قوت آن همچون افزایش تحصیلات زنان، افزایش فعالیت‌های علمی، اقتصادی، کارآفرینی و... است. با این وجود، همچنان میان وضعیت موجود زنان و شایستگی‌های آنها که مبین وضعیت مطلوب برای آنها است، فاصله بنیادین وجود دارد؛ به طوری که هر چند در طول این سال‌ها، وضعیت تحصیلی زنان که نقش مهمی در اشتغال و بهبود موقعیت سیاسی - اجتماعی آنان ایفا می‌کند، بهبود یافته، اما همچنان، مقایسه سهم مدیران زن با سهم زنان در نیروی کار و نیز سهم زنان در تصاحب پست‌های کلیدی و مهم در اداره امور کشور

وضعیت مطلوب
سیاسی - اجتماعی
زنان چیست و چه
تفاوت‌هایی میان
وضعیت موجود و
مطلوب است؟

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. E-mail: simin.rostamifar3395@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز. E-mail: dr_ramezani5260@yahoo.com

و... نشان می‌دهد که زنان تا نیل به جایگاه مطلوب، راه زیادی در پیش دارند. مقاله حاضر با کاربرت روش پیمایشی (مبتنی بر پرسشنامه) در تلاش است وضعیت مطلوب سیاسی - اجتماعی زنان را ترسیم و مطالعه تطبیقی میان وضعیت موجود و مطلوب به عمل آورد. یافته‌های حاصل از روش همبستگی و روش رگرسیون چندمتغیره حاکی از آن است که میان متغیرهایی چون «نگاه حاکمیتی به زنان، نگاه ابزاری، نگاه مردسالارانه و نگاه مبتنی بر سوء برداشت از آموزه‌های دینی و نیز تطابق حقوق زنان با الزامات روز جامعه» و وضعیت مطلوب سیاسی - اجتماعی زنان رابطه منفی وجود دارد. بر این مبنا، زنان در تلاش هستند با مطالبه‌گری هر چه بیشتر در خصوص اصلاح نگرش‌های مذکور و نیز تقنین به منظور احقاق حق هر بیشتر زنان، به جایگاه شایسته و مطلوب سیاسی و اجتماعی خود دست پیدا کنند.

واژگان کلیدی: زنان؛ حقوق زنان؛ تحصیلات؛ اشتغال؛ وضعیت سیاسی؛ جایگاه اجتماعی

کنشگری زنان در عرصه تبلیغ دین

فاطمه رضوی‌راد^۱

چکیده



از ابتدای تاریخ بشریت تاکنون، زنان هم دوش با مردان در تمامی عرصه‌ها حضور داشته‌اند. مکتب اسلام در پرتو قرآن، سنت نبوی و عترت، شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد که زن بتواند با حفظ شئون اسلامی و انسانی و با توجه به استعدادهایی که در وجود او به ودیعه گذاشته شده، در تمام میادینی ایفای نقش کند که نیاز به حضور او است. یکی از مهم‌ترین میادینی که زنان از صدر اسلام تاکنون در انواع قالب‌ها در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند، عرصه تبلیغ دین است. پژوهش پیش رو با روش تحلیلی - اسنادی و با هدف بررسی نقش زنان در عرصه تبلیغ دین در صدد پاسخگویی به این سؤالات است که اولاً، نقش، کیفیت و شیوه حضور زنان در عرصه تبلیغ از صدر اسلام تاکنون چگونه بوده است؟ آیا ویژگی‌ها و نقش‌های خاص زنانه، آنان را در عرصه تبلیغ دین توانمندتر کرده است؟ در شرایط کنونی، عرصه‌های تبلیغ بجای آنکه تنها محدود به وعظ، منبر، سخنرانی، تألیف کتاب و هیأت‌های عزاداری باشد، مبتنی بر شیوه‌های پدیدارشناسانه و در عرصه‌هایی چون فضای مجازی است؛ و با توجه به اینکه

نقش، کیفیت و شیوه حضور زنان در عرصه تبلیغ از صدر اسلام تاکنون چگونه بوده است؟ آیا ویژگی‌ها و نقش‌های خاص زنانه، آنان را در عرصه تبلیغ دین توانمندتر کرده است؟

^۱ کارشناسی ارشد، مطالعات زنان، دانشگاه خوارزمی تهران

طبق نتایج حاصل از پژوهش‌های مختلف، زنان زمان بیشتری در فضای مجازی حضور دارند، مناسب‌ترین گروه برای فعالیت تبلیغی در عرصه‌های نوین تبلیغ دین هستند. زنان در شرایط جدید یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی و کنشگرانی فعال هستند که برای تبلیغ دین تنها به شیوه‌های رسمی و سازمان‌یافته متکی نیستند و با توجه به ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی چون عاطفه‌ورزی، صبر و ارتباط‌گیری سریع‌تر با سایرین و ایفای نقش‌های مادری، همسری و مدیریت خانواده، این توانایی را دارند که تبلیغ دین را به عرصه‌های عمومی مانند خانواده، دوستان، گروه دوستان و محیط‌های کاری و ... تسری دهند.

واژگان کلیدی: کنشگری زنان؛ نقش‌های زنانه؛ سرمایه‌های اجتماعی؛ تبلیغ دین

سه‌میه‌بندی‌های جنسیتی و حضور زنان در پارلمان کشورهای در حال توسعه

(مطالعه موردی هند، مکزیک، سنگال و عراق)

ابوذر رفیعی قهساره^۱

چکیده



مطالعات صورت گرفته در خصوص نسبت مشارکت زنان و مردان در سیاست، حاکی از تفاوت قابل توجه در این زمینه است. تقریباً در تمامی کشورها مردان سهم بیشتری در سیاست داشته‌اند. کشورهای مختلف برای جبران ضعف حضور زنان در حوزه سیاست از راهکارهای مختلفی استفاده کرده‌اند. یکی از این راهکارها در نظر گرفتن سه‌میه‌های جنسیتی برای زنان در انتخابات بوده است. این سه‌میه‌ها به سه شکل در انتخابات اعمال شده‌اند: (۱) سه‌میه‌های اجباری (قانونی) حزبی: که به معنای سه‌میه‌هایی است که در قوانین رسمی برای زنان در فهرست‌های انتخاباتی احزاب در نظر گرفته شده است؛ (۲) سه‌میه‌های داوطلبانه حزبی: که به معنای سه‌میه‌هایی است که احزاب سیاسی به شکل داوطلبانه و بدون آنکه قانون آنها را ملزم کند برای زنان در فهرست‌های انتخاباتی خود در نظر گرفته‌اند؛ و (۳) کرسی‌های رزرو شده: که به معنای اختصاص بخشی از کرسی‌های نهادهای انتخابی

وضعیت سه‌میه‌های جنسیتی در انتخابات مجالس قانون‌گذاری ملی کشورهای هند، مکزیک، سنگال و عراق چگونه است؟ تأثیر اشکال مختلف این سه‌میه‌ها بر حضور زنان در مجالس قانون‌گذاری

^۱ عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج E-mail: rafiei_aboozar@yahoo.com

کشورهای چگونه
ارزیابی می‌شود؟

به زنان است. نکته مهم آن است که اکثر مطالعات صورت گرفته به بررسی سهمیه‌های جنسیتی در کشورهای دارای دموکراسی‌های باثبات پرداخته‌اند و وضعیت این سهمیه‌ها در کشورهای دارای دموکراسی‌های نوپا و کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با عنایت به این کمبود و با تمرکز بر کشورهای هند، مکزیک، سنگال و عراق وضعیت سهمیه‌های جنسیتی را در انتخابات مجالس قانون‌گذاری ملی این کشورها به شکل تطبیقی مورد مطالعه قرار داده، تأثیر اشکال مختلف این سهمیه‌ها را بر حضور زنان در مجالس قانون‌گذاری کشورهای مورد بررسی ارزیابی کند. فرضیه مورد آزمون در این پژوهش این است که سهمیه‌های جنسیتی به طور کلی میزان حضور زنان در مجالس قانون‌گذاری را افزایش داده‌اند، اما تأثیر اشکال مختلف سهمیه‌های جنسیتی بر میزان حضور زنان در مجالس قانون‌گذاری متفاوت بوده است. بنابراین، مطالعه حاضر یک مطالعه تطبیقی است و تلاش می‌کند با استفاده از داده‌های موجود، وضعیت سهمیه‌های جنسیتی را در کشورهای مورد مطالعه به شکل تطبیقی ارزیابی کند.

واژگان کلیدی: سهمیه‌های جنسیتی؛ مجالس قانون‌گذاری؛ کشورهای در حال توسعه؛ مشارکت سیاسی؛ مطالعه تطبیقی

تحلیل پارادوکس هویت انسانی زنان در ارتباط با انگاره‌های سنتی و مدرن

زینب سادات رفیعی پور علوی^۱

چکیده



چگونه انگاره‌های سنتی و مدرن باعث به وجود آمدن تضاد و دوگانگی هویتی در زنان شده است؟

انسانیت امری فراجنسیتی است که در زنان و مردان علی‌رغم تفاوت‌های فیزیکی، فیزیولوژیکی، روانشناسی، احساسی و ... مشترک است. در قرآن کریم در سوره‌های اعراف، زمر و نساء بیان شده «خلقکم من نفس واحده»؛ زن و مرد از نفس واحد خلق شده‌اند. میل به آزادی، استقلال، پیشرفت اقتصادی، علمی، اجتماعی و ... در زنان به عنوان امیال انسانی دیده می‌شود. سنت و آداب و رسوم اجتماعی محدودیت‌های فراوانی را برای زنان به وجود آورده است. در انگاره‌های سنتی برخی از ویژگی‌های انسانی و مشترک در هر دو جنس، تنها مختص به مردان شناخته شده به طوری که انگاره‌های غلط سنتی باعث به وجود آمدن نوعی پارادوکس در هویت زنانه شده است؛ هویتی که می‌بایست انسانیت و زنانگی را با هم دربرگیرد تا زن به عنوان یک انسان به رشد کامل و احساس رضایت‌مندی برسد. در برخی از انگاره‌های مدرن و فمینیسم، سعی شده است که زنان را مانند مردان دانسته و زنانگی آنها را نابود سازند؛ به طوری که بخشی از هویت آنها را که جنسیت است

^۱ پژوهشگر مهمان مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه

به کل نادیده گرفته، باعث دوگانگی و تضاد در هویت انسانی زنانه آنها شده‌اند. زنان و مردان دارای ارزش انسانی یکسان و تفاوت‌های نوعی هستند؛ به طوری که مکمل یکدیگر بوده، تفاوت‌های جنسیتی آنها باعث می‌شود که عدالت در مورد این دو جنس به معنای مساوات نباشد. سؤال اصلی این است که چگونه انگاره‌های سنتی و مدرن باعث به وجود آمدن تضاد و دوگانگی هویتی در زنان شده است؟ به نظر می‌رسد، سنت و مدرنیته هر دو با دو رویکرد متفاوت چالش‌های اساسی در تضعیف رشد شخصیتی زنان داشته‌اند. در این مقاله سعی شده است ضمن معرفی هویت انسانی و زنانه، پارادوکس انگاره‌های سنتی و مدرن در توضیح شخصیت زنان تبیین و راهکارهای واقع‌بینانه در این موضوع ارائه شود.

واژگان کلیدی: انگاره‌های سنتی؛ انگاره‌های مدرن؛ فمینیسم؛ پارادوکس؛ هویت



بررسی تأثیر فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی بر آگاهی سیاسی و کنشگری زنان در ایران

ساناز رمضانپور شوبی^۱
احمد رشیدی^۲

چکیده

رشد و گسترش فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی از جمله اینترنت باعث ایجاد کارکردهای متفاوتی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی شده است. یکی از گروه‌های مهم این عرصه اجتماعی زنان هستند که به عنوان نیمی از جمعیت جامعه نقش‌آفرینی می‌کنند. نوشتار حاضر به بررسی تأثیر اینترنت به عنوان یک رسانه نوین ارتباطی در آگاهی سیاسی زنان و رابطه میان اینترنت و آگاهی سیاسی در زندگی روزمره زنان می‌پردازد. با توجه به اهمیت فعالیت‌های زنان، در پژوهش‌های پیشین به طور مشخص به کنش‌های اجتماعی حاصل از ارتقای آگاهی سیاسی زنان پرداخته نشده است. در این نوشتار سعی بر این است که به کنش‌های اجتماعی زنان ایران و فرصت‌های موجود در این فضا برای آنان پرداخته شود. این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی پیروی می‌کند و اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان



تأثیر اینترنت به
عنوان یک رسانه
نوین ارتباطی در
آگاهی سیاسی زنان
چگونه است؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران E-mail: rmzsanaz295@gmail.com

^۲ دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه مازندران E-mail: a.rashidi@umz.ac.ir

می‌دهد که پیشرفت فن‌آوری‌های نوین ارتباطی بر بستر شبکه جهانی اینترنت و فضای مجازی با کارویژه آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی فرصت‌های جدیدی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی برای زنان ایجاد کرده، موجب کنشگری آنها در راستای تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی شده است. همچنین موجب شده تا حضور و مشارکت خود را در جامعه افزایش دهند و در نتیجه در راستای تثبیت جایگاه واقعی خود در جامعه گام بردارند.

واژگان کلیدی: اینترنت؛ آگاهی سیاسی؛ زنان؛ کنش‌های اجتماعی؛ ایران



فمینیسم اسلامی، فرصتی پیش رو در راستای توسعه حقوق زنان

منیره زاهدی گلوگاهی^۱

چکیده



همچون دیگر جنبش‌ها که ماهیت‌شان، محصول نارضایتی از شرایط موجود است، دلیل سر بر آوردن فمینیسم چیزی جز واکنش زنان در برابر تبعیض‌های نهادینه شده نبود. فمینیسم اسلامی عنوانی که برخاسته از خواست زنان برابری‌خواه مسلمان در برابر تبعیض‌های جنسیتی است و به گفته آنان، محصول غیبت تاریخی زنان در حوزه تفسیر است؛ پدیده‌ای نوپا و نوظهور است که برای دست یافتن به خواسته‌شان، در برابر تفاسیر سنتی از اسلام، قد علم کرده و راه رسیدن به این برابری را در پویایی فقه می‌بیند. در حالی که ضرورت تحلیل و بررسی این دانش نوپا در محافل علمی جهت ایجاد مسیرهایی برای همکاری اسلام و فمینیسم در راستای توسعه حقوق زنان در جوامع اسلامی ضروری می‌نماید، این ایدئولوژی متناوباً آماج حملات تند اسلام‌گرایان سنتی، تندروهای سیاسی و سکولارهای بنیادگرا قرار دارد. این مقاله به دنبال تایید یا رد فمینیسم اسلامی نیست، بلکه علاوه بر مرور تحلیلی بر

چرا گفتمان‌های مکرر علمی و میان رشته‌ای در باب فمینیسم اسلامی به ایجاد مسیری مناسب برای توسعه حقوق زنان و نهایتاً توسعه اجتماعی در ایران کمک خواهد کرد؟

^۱ دانشجوی دکتری دانشگاه فردریش الکساندر، آلمان E-mail: monireh.zahedi@fau.de

دیدگاه‌های موافق و مخالف، به نقد نادیده انگاشتن
گفتمان‌های علمی در این باب می‌پردازد و سعی در پاسخ به
این سؤال خواهد داشت که چرا گفتمان‌های مکرر علمی و
میان رشته‌ای در باب فمینیسم اسلامی به ایجاد مسیری
مناسب برای توسعه حقوق زنان و نهایتاً توسعه اجتماعی در
ایران کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی: تبعیض؛ توسعه حقوق زنان؛ ضرورت گفتمان علمی؛ فقه؛ فمینیسم
اسلامی



تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر نقض حقوق زنان مطالعه موردی: منطقه غرب آسیا

حکیمه زعیماپاشی ختمی^۱

چکیده



با بررسی روند تحول در ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد مشخص می‌شود که این ساختار از دوقطبی به تک‌قطبی تبدیل شده و این تحول ساختاری باعث تغییر موقعیت آمریکا به عنوان تنها قدرت برتر در سطح نظام بین‌الملل شده است. این امر سیاست خارجی آمریکا در سطح جهان و همین‌طور در منطقه غرب آسیا را تحت تأثیر قرار داده است. ایالات متحده با اعتقاد به اینکه تنها ابرقدرت جهان است و باید تمام منابع جهان را در اختیار داشته باشد، سیاستی مبتنی بر تجاوز غیرقانونی به کشورهای غرب آسیا، استثمار منابع زیرزمینی عظیم این منطقه و ایجاد جنگ‌های نیابتی پیش گرفته که تاکنون نیز ادامه داشته است. زنان منطقه غرب آسیا به دلیل زیاده‌خواهی‌ها و سیاست‌های آمریکا در این منطقه امنیت و رفاه را از دست داده، در معرض خطرات و چالش‌های متعددی قرار گرفته‌اند. در این مقاله، علاوه بر توضیح چگونگی تجاوز به حقوق زنان در ساختار نظام بین‌الملل مبتنی بر نظم آمریکایی،

سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا از جمله حضور نیروهای نظامی و ایجاد جنگ‌های نیابتی چه پیامدهایی برای زنان در این منطقه داشته است؟ قواعد و مقررات بین‌المللی و

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه یزد

سازمان‌های حقوق بشری به نقض حقوق زنان چه واکنشی نشان داده‌اند؟ و انتظار جامعه بین‌الملل از این نهادها چیست؟

تلاش شده است این مسئله بررسی شود که سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا از جمله حضور نیروهای نظامی و ایجاد جنگ‌های نیابتی چه پیامدهایی برای زنان در این منطقه داشته است و به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که قواعد و مقررات بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری به این مسئله چه واکنشی نشان داده‌اند؟ و انتظار جامعه بین‌الملل از این نهادها چیست؟ چارچوب نظری این مقاله نظریه واقع‌گرایی ساختاری است و برای تحلیل از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: آمریکا؛ جامعه بین‌الملل؛ حقوق بشر

محیط بین‌الملل و مسئله زنان در ایران: تحلیلی از منظر جامعه‌شناسی تاریخی

مهدی زبائی^۱
فرید کامیاب^۲

چکیده

حوزه مطالعات زنان در علوم اجتماعی و زیرمجموعه‌های آن در دو چشم‌انداز عملی و نظری متأثر از ارتباطات بین‌المللی بوده است. در این راستا، اولین گام‌های اعطای حقوق مدنی به زنان در دوران قاجار به واسطه فرنگ‌گردی دولتمردان ایران صورت پذیرفت. به عبارت دیگر، مشاهده حضور نه چندان پررنگ زنان در ساختارهای اجتماعی جوامع اروپایی الهام‌بخش سیاستمداران برای گشایش فضا و نقش‌آفرینی زنان در جامعه ایران بود؛ به طوری که اولین نشانه‌های خروج زنان از اندرونی خانه‌ها و ورود آنها به جامعه در چارچوب حضور دختران در مدارس و مکتب‌خانه‌ها رقم خورد. این روند در ادامه گاه در چارچوب جامعه‌پذیری از مراکز علمی و دانشگاهی اروپا و غرب زمینه‌ساز راه‌اندازی رشته مطالعات زنان در دانشگاه‌های کشور بود؛ و گاه به واسطه فشارهای وارده از سوی نهادهای



تأثیرگذاری محیط خارجی بر قبض و بسط فعالیت زنان در عرصه‌های اجتماعی و همچنین تبدیل شدن مطالبات مدرن زنان به موضوع سیاستگذاری عمومی

^۱استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) E-mail: zibaei@soc.ikiu.ac.ir

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد، سیاستگذاری عمومی، دانشگاه تهران E-mail: farid.kamyab1997@gmail.com

در ایران چگونه
است؟

بین‌المللی موجب در نظر گرفتن مناصب حکومتی برای زنان یا عقب‌نشینی دولت‌ها در واگذاری امتیازات اجتماعی به زنان شد. حال سؤال این است که محیط بین‌الملل (خواه در شکل اجبار یا جامعه‌پذیری) تا چه اندازه در بالندگی اجتماعی زنان ایرانی طی دوران معاصر تأثیرگذار بوده است. وقایعی چون اعطای حق رأی به زنان در چارچوب تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی ولایتی در پرتو اعمال نفوذ دولت وقت آمریکا یا فشارهای وارده از سوی فدراسیون بین‌المللی فوتبال مبنی بر آزادسازی حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی مقوم این فرض است که محیط بین‌الملل تأثیر بسزایی بر حضور و فعالیت زنان در عرصه اجتماعی داشته است. نوشتار حاضر قصد دارد در چارچوب نظریه جامعه‌شناسی تاریخی (روابط بین‌الملل و جهانی)، موضوع تأثیرگذاری محیط خارجی بر قبض و بسط فعالیت زنان در عرصه‌های اجتماعی و همچنین تبدیل شدن مطالبات مدرن زنان به موضوع سیاستگذاری عمومی در ایران را مورد مطالعه قرار دهد.

واژگان کلیدی: زن؛ جامعه بین‌الملل؛ سیاست داخلی؛ جامعه‌پذیری

ارتقای جایگاه زنان در صلح و توسعه بررسی اقدام‌های آسه‌آن

بهاره سازمندا^۱

چکیده



در اکتبر سال ۲۰۰۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۱۳۲۵ را در خصوص زنان، صلح و توسعه به تصویب رساند که در آن بر نقش زنان و دختران در موضوع صلح و امنیت تأکید شده بود. در این قطعنامه بر ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در صلح و امنیت بین‌المللی اشاره شد. از آن زمان تاکنون علاوه بر این قطعنامه، ۶ قطعنامه دیگر هم درباره نقش زنان در صلح و امنیت بین‌المللی به تصویب رسیده است که در کنار دو سند مهم دیگر، یعنی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) و اعلامیه بیجینگ ۱۹۹۵، به عنوان اسناد کلیدی بین‌المللی به‌شمار می‌روند.

طبق مقررات، دولت‌های عضو سازمان ملل متحد می‌بایستی این قطعنامه‌ها را در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و منطقه‌ای خود به کار برده، مورد استفاده قرار دهند. اما آنچه که در عمل اتفاق افتاده، اقدامات موقتی، پراکنده و توأم با تردیدی بوده که با توجه به کمبود بودجه در بیشتر کشورها، هنوز تغییر

اقدام‌های صورت گرفته در آسه‌آن برای ارتقای جایگاه زنان به منظور تحقق صلح و توسعه در منطقه جنوب شرق آسیا چگونه است؟

^۱دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

معناداری در زندگی دختران و زنان آسیب‌دیده از جنگ ایجاد نکرده است.

یکی از سازمان‌های منطقه‌ای که در این زمینه پیشروتر از بقیه سازمان‌ها بوده، آسه‌آن است که اقدامات قابل توجهی در این زمینه انجام داده است. مهم‌ترین اسناد آن در زمینه زنان، اعلامیه ارتقای جایگاه زنان در منطقه آسه‌آن (۱۹۸۸) و اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان در منطقه آسه‌آن (۲۰۰۴) است. علاوه بر اسناد گفته شده، ارگان‌هایی هم در درون آسه‌آن برای ارتقای جایگاه زنان ایجاد شده است که مهم‌ترین آنها کمیته زنان آسه‌آن، کمیسیون ترویج و حفظ حقوق زنان و کودکان آسه‌آن و نشست وزرای آسه‌آن در زمینه زنان است.

بنابراین، هدف از نگارش مقاله حاضر بررسی اقدام‌های صورت گرفته در آسه‌آن برای ارتقای جایگاه زنان به منظور تحقق صلح و توسعه در منطقه جنوب شرق آسیا است. در همین راستا، مقاله حاضر از چهار مبحث تشکیل خواهد شد. در مبحث نخست، به سابقه بین‌المللی تلاش برای ارتقای جایگاه زنان در زمینه صلح و توسعه پرداخته می‌شود. در مبحث دوم، به مهم‌ترین اسناد حقوقی آسه‌آن در این زمینه اشاره می‌شود. در مبحث سوم، مهم‌ترین ارگان‌های ایجاد شده و وظایف آنها در ذیل آسه‌آن در خصوص ارتقای جایگاه زنان در رابطه با صلح و امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد و در مبحث آخر هم ارزیابی اقدام‌های انجام شده در این خصوص ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: آسه‌آن؛ زنان؛ صلح؛ توسعه؛ قطعنامه؛ جنوب شرق آسیا

جریان‌شناسی سیاسی فمینیسم

الهام ستاری^۱

چکیده



آیا مجموعه
دغدغه‌های
فمینیستی که در
جستجوی راه حلی
منصفانه برای پایان
دادن به
محرومیت‌های
سیاسی زنان بود،
توانست به اهداف
خود برسد؟

در نظریه‌های مختلف فمینیستی، ستمگری در مورد زنان موضوع اصلی و محوری تحلیل به شمار می‌آید. این نوشتار درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا مجموعه دغدغه‌های فمینیستی که در جستجوی راه حلی منصفانه برای پایان دادن به محرومیت‌های سیاسی زنان بود، توانست به چنین هدفی برسد؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد فمینیست‌ها که برای عبور از مرحله ستمگری تاریخی علیه زنان درصدد بودند تا با ورود به دولت‌های مردانه مناصب دولتی را حداقل در شرایطی یکسان میان زنان و مردان تقسیم کنند و از جایگاه دولت با خدمت‌رسانی به زنان مرتبه آنها را در اجتماع ارتقا دهند، اکنون و پس از حصول قسمت قابل توجهی از اهداف خود برای ورود به دولت، همچنان معترف هستند که علاوه بر اینکه، نتوانسته‌اند به اهداف اصلی خود دست یابند، بلکه مشکلات پیش‌بینی نشده دیگری نیز در ایجاد شرایط دشوار برای زنان فراهم کردند. این نوشتار، تحقیقی است برگرفته از منابع مکتوب نظریه‌پردازان، حامیان و منتقدان

^۱ دانشجوی دکتری مسایل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب. E-mail: mashregh.institute@yahoo.com

فمینیست به شیوه گردآوری کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی که سیر تاریخی ظهور جنبش فمینیستی را از دهه ۴۰ قرن ۱۷ میلادی تا زمان حال حاضر موضوعاتی شامل تعاریف، چگونگی شکل‌گیری، نظریه‌پردازی‌ها، چگونگی ورود به دولت و روابط بین‌الملل و نهایتاً سرنوشت فمینیست را با محوریت سیاست، قدرت، دولت، رفاه و جنسیت مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: پدرسالاری؛ جنسیت؛ دولت؛ قدرت؛ دولت رفاه؛ فمینیسم



بررسی مقایسه‌ای میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی در میان مسلمانان روسیه

سارا سلیمانی^۱
دنيس گلبوويچ پادوسک^۲

چکیده

هدف این پژوهش به دست آوردن توصیف نسبتاً دقیقی از وضعیت پذیرش کلیشه‌های جنسیتی میان زنان و مردان مسلمان روسیه است. همچنین، این مقاله در سطح تبیین به دنبال بررسی رابطه میان عوامل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی (جنسیت، سطح درآمد، میزان تحصیلات، قومیت، گرایش مذهبی و ...) و میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی است. بررسی رابطه میان میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی افراد و زندگی در کلان‌شهر از دیگر اهداف این پژوهش است. در این مقاله، از نظریه کلیشه‌های جنسیتی آندره میشل، نظریه جامعه‌پذیری جنسیت، نظریه طرح‌واره جنسیتی و نظریه کلان‌شهر زیمل استفاده شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش آنلاین است. جمعیت آماری این تحقیق را زنان و مردان بالای هجده سال در سه شهر مسکو، سن‌پترزبورگ و کازان در کشور روسیه تشکیل می‌دهند. ابزار



رابطه میان میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی افراد و زندگی در کلان‌شهر چگونه است؟

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه دوستی ملل مسکو، روسیه E-mail: soleimani.s@yandex.ru

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه دوستی ملل مسکو، روسیه

مورد استفاده، پرسشنامه مبتنی بر وب و روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند است. یافته‌های پژوهش، گویای تفاوت جنسیتی معناداری در میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی است. همچنین بین زندگی در کلان‌شهر با میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی رابطه معناداری دیده شد؛ اما بین سطح درآمد با میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی ارتباط معناداری یافت نشد. یافته‌های تحقیق، گویای رابطه معنادار میان میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی و احساس تعلق به فرقه مذهبی در میان مسلمانان روسیه است.

واژگان کلیدی: پیمایش آنلاین؛ کلان‌شهر؛ مسلمانان روسیه؛ نظریه طرح‌واره؛ نظریه کلیشه‌های جنسیتی آندره میشل

استراتژی‌های موفق برای تشویق مشارکت مدنی و سیاسی زنان

پریسا سلیمی^۱

چکیده



استراتژی‌های موفق
برای تشویق مشارکت
مدنی و سیاسی زنان
کدامند؟

مشارکت مدنی و سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران است که عوامل مؤثر بر آن باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. در اساس، نه تنها در ایران که در تمامی مناطق جهان، ورود زنان به صحنه سیاست و اجتماع با موانع تاریخی و ساختاری همراه بوده است. آنچه که در صحنه سیاست ایران به صورت قاعده مطرح است، دوری و کناره‌گیری تاریخی زنان از سیاست است؛ به گونه‌ای که برخی از زنان خصوصی و مردان عمومی سخن گفته‌اند. به عبارتی، زنان متعلق به حوزه خصوصی و مردان به حوزه عمومی تعلق دارند که همان حوزه فعالیت‌های اجتماعی، سیاست و دولت تلقی می‌شود. مشارکت سیاسی همواره یکی از خواسته‌های اصلی زنان در طول بیش از یک قرن گذشته بوده به نحوی که مهم‌ترین عامل حضور گسترده زنان در انقلاب اسلامی ایران را اعتقاد زنان ایرانی به تعیین سرنوشت خویش تشکیل می‌داد. شاخص‌های عملی مشارکت مدنی و

^۱کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. E-mail: parisa.salimi@srbiau.ac.ir

سیاسی دسته‌ای از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، عوامل اجتماعی - اقتصادی (از جمله میزان تحصیلات، شغل، شرایط خانوادگی، محل اقامت و مذهب) است که در این پژوهش در مورد ایران مورد بررسی قرار گرفته است. مبنای فرضی مقاله، این است که افزایش مشارکت سیاسی زنان در جامعه به خودی خود صورت نمی‌گیرد، بلکه به استراتژی‌های موفق‌تری برای تشویق مشارکت زنان بستگی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند، میان سطح مشارکت سیاسی زنان و مردان در سطح توده تفاوت چندانی وجود ندارد، بلکه مسئله عمده به نابرابری سطح مشارکت آنان در سطح نخبگان سیاسی بازمی‌گردد. به طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش کیفی که با روش کتابخانه‌ای انجام شده، نشان می‌دهد که تجربیات زنان شاغل به عنوان فعال عدالت اجتماعی در گروه‌های مذهبی غیرانتفاعی، مشارکت آنها را در اجتماع افزایش داده است.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی؛ اشتغال؛ زنان؛ عوامل اجتماعی اقتصادی؛ نخبه سیاسی

نقش احزاب سیاسی در روند ورود زنان به عرصه سیاست

زهرا شجاعی^۱

چکیده



احزاب سیاسی را چرخ دنده یا ستون فقرات دموکراسی گفته‌اند. مهم‌ترین کارویژه احزاب تدوین سیاست‌های عمومی، آموزش سیاسی مردم، کادرسازی، رقابت انتخاباتی و واسطه‌ای میان مردم و حکومت است. بنابراین، می‌توان به اجمال مأموریت احزاب را در حوزه‌های سازمان‌دهی، آموزش، مسئولیت سیاسی و تدوین سیاست‌های عمومی برشمرد. در این مقاله، با تبیین جایگاه و نقش احزاب در حکمرانی خوب، به تعریف انواع احزاب پرداخته می‌شود و احزاب زنانه مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس به ضرورت مشارکت سیاسی زنان و اهمیت آن در دستیابی به عدالت جنسیتی پرداخته می‌شود. در بخش دیگری، با مطالعه و استناد به تجربه مشارکت سیاسی زنان در ایران، راهکارهای عملی جهت زمینه‌سازی ورود زنان به عرصه سیاست ارائه می‌شود.

جایگاه و نقش احزاب در حکمرانی خوب چگونه است؟

واژگان کلیدی: حزب؛ مشارکت سیاسی؛ زنان؛ سیاست؛ عدالت جنسیتی

^۱دکتری علوم سیاسی

موانع سیستم سهمیه‌بندی زنان در ایران بر اساس روش مبنایی (زمینه‌ای)

فاطمه شیرین^۱

چکیده



جایگاه و نقش احزاب
در حکمرانی خوب
چگونه است؟

سیستم سهمیه‌بندی (Quota) از راهکارهای مؤثر برای حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و زمینه‌ای برای ورود به جرگه نهادهای تصمیم‌گیر است. این سیستم در طول سال‌هایی که مطرح شده، رشد خوبی در کشورهای در حال توسعه داشته است، اما در ایران نتوانسته از موانع مختلف عبور کرده، ایجاد و اجرا شود. در پژوهش حاضر با استفاده از روش GT به بررسی و واکاوی این موضوع از منظر فعالان سیاسی پرداخته‌ایم؛ روشی که با تحلیل عمیق یافته‌های به دست آمده از مطلعان کلیدی به نظریه‌سازی می‌پردازد. در این بررسی نتایجی شامل نبود اعتماد به نفس در میان زنان، عدم اقبال عمومی، فرهنگ و باورهای حاکم بر جامعه، از جمله موانع عمده عدم دستیابی به سهمیه‌بندی به شمار رفتند. این پژوهش، در نهایت به این نتیجه رسید که یک دور باطل در این میان وجود دارد؛ به این معنا که عدم مهارت زنان در سیاست ناشی از عدم تجربه آنان است و نبود تجربه ناشی از عدم حضور و به‌کارگیری آنها در

^۱ کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور E-mail: fatemeshirin@gmail.com

عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. این فرآیند به شکل روزافزونی بازتولید می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد اختصاص سهمیه به زنان برای مشارکت در امور سیاسی به این دور باطل پایان خواهد داد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی؛ نظام سهمیه‌بندی؛ تجارب زنان؛ قدرت



جنسیت و تروریسم : عوامل مؤثر بر رادیکال شدن زنان در اروپا

یاسمن صابری^۱

چکیده



چرا علی‌رغم
آزادی‌های فردی -
اجتماعی و
حمایت‌های قانونی از
زنان، شاهد
شکل‌گیری موج
واپس‌گرایی در رفتار
زنان اروپایی هستیم؟

گروه تروریستی داعش به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و به‌روزترین گروه‌های رادیکالی موجود در جهان است که گستره فعالیت خود را تا اروپا و تمام جوامع بین‌المللی گسترش داده و علاوه بر، جذب مردان به جذب زنان و دختران جوان نیز توجه ویژه‌ای داشته است. امروزه شاهد پیوستن زنان و دختران اروپایی به گروه‌های افراطی و فرآیند اغوای این زنان توسط گروه‌های افراطی همچون داعش هستیم که تبدیل به یک بحران اجتماعی در غرب شده است. بر این مبنای مقاله حاضر تدوین شد تا به این سؤال اصلی بپردازد که چرا علی‌رغم آزادی‌های فردی - اجتماعی و حمایت‌های قانونی از زنان، شاهد شکل‌گیری موج واپس‌گرایی در رفتار زنان اروپایی هستیم؟ سؤال مذکور باعث شد تا در این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تبیینی و با تمرکز بر چارچوب نظری فمینیسم لیبرال به بررسی دلایل حرکت‌های واپس‌گرای زنان اروپایی و نهایتاً ارائه راهکار بپردازیم. فرضیه مقاله حاضر این است که زنان با قربانی دانستن خود و تحت تأثیر محرک‌های اصلی و فرعی به گروه‌های رادیکال می‌پیوندند.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، گرایش اروپا، دانشگاه علامه طباطبائی
E-mail: yasaman9856@gmail.com

واژگان کلیدی: زنان؛ رادیکالیسم؛ اروپا؛ جنسیت؛ تروریسم



سازوکارهای دسترسی به صلح پایدار و همزیستی در جوامع بومی با تأکید بر نقش زنان خانه‌دار

بنیامین صادقی^۱
مریم یوسفی صدر^۲

چکیده

در پس ذهنیات نسل بشر اینگونه متبادر می‌شود که غالباً زنان دارای نوعی تمایل طبیعی و ذاتی برای اجتناب از تعارض یا درگیر شدن در مناقشات و کشمکش‌های جانفرسا هستند و بنابراین، نقش زنان با استفاده از روحیات طبیعی که دارند، می‌تواند بستر مناسبی را برای ایجاد پل‌های ارتباطی و تسهیل مذاکرات و کاهش تنش‌ها فراهم آورد. حال پرسش آن است که تلاش زنان برای حل منازعه به عنوان روش‌ها و فرآیندهایی مؤثر در تسهیل و پایان دادن مسالمت‌آمیز به منازعات، تا چه اندازه می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. ضمن آنکه، می‌توان با شناسایی و ریشه‌یابی علل گوناگون اختلافات از راه مداومت در مذاکره دسته‌جمعی و یا به کارگیری اسلوب گفتگوی سازشی و طرق مختلف دیگر، به حل اختلافات در سطح جامعه داخلی و بین‌المللی پرداخت. شیوه‌ها و رویه‌های گسترده‌ای برای برخورد با منازعه وجود دارد. این شیوه‌ها شامل، گفتگو و



تلاش زنان برای حل منازعه به عنوان روش‌ها و فرآیندهایی مؤثر در تسهیل و پایان دادن مسالمت‌آمیز به منازعات، تا چه اندازه می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد؟

^۱ دکتری روابط بین‌الملل، پژوهشگر E-mail: bensad5800@gmail.com

^۲ کارشناسی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

تفاهم‌سازی، میانجی‌گری، دیپلماسی و ایجاد صلح مبتکرانه می‌شوند. فرضیه موجود آن است که با در نظر گرفتن تعامل‌های فزاینده کنشگران صلح و مربیان آموزشی صلح در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی و تأکید بر آموزش سازوکارهای حل تعارضات به زنان خانه‌دار، فرصت بیشتری برای حل تعارضات در سطح جوامع محلی داخلی و بین‌المللی به وجود می‌آید و از یافته‌های تحقیق آن است که به نظر هر چه ارتباطات فرهنگی و آموزشی گسترده‌تر، متنوع‌تر و متکثرتر با زنان خانه‌دار در جهت ترویج و تأکید بر دگرپذیری و رواداری و مدارا و استراتژی‌های حل تعارض صورت بپذیرد، ما شاهد چشم‌اندازهای روشن‌تر و مناسب‌تری برای صلح جوامع بومی خواهیم بود. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله روش کیفی بوده و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تبیینی و تحلیلی است.

واژگان کلیدی: تفاهم؛ دگرپذیری؛ زنان خانه‌دار؛ صلح‌سازی زنان؛ همزیستی

تحول گفتمانی در حوزه نقش زنان در ایران مطالعه موردی: زنان در مجلس شورای اسلامی

سیدجواد صالحی^۱
سیده مریم حسینی لرگانی^۲

چکیده

زنان ایران در چهار دهه گذشته با توجه به ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و فرصت‌های در دسترس تلاش کرده‌اند تا محدودیت‌ها و موانع سیاسی - اجتماعی موجود در جامعه ایرانی را کنار زده، در راستای کسب نقش مؤثرتر به عنوان یک کنشگر فعال عمل کنند. زنان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقش‌آفرین هستند؛ در برخی حوزه‌ها این نقش‌آفرینی بهتر و در برخی دیگر ضعیف و با فراز و نشیب همراه بوده است. از آغاز انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تا به امروز می‌توان نقش و سهم مشارکت زنان در حوزه مجلس شورای اسلامی را بر اساس سه گفتمان متمایز: گفتمان همراهی در دهه اول، گفتمان آگاهی و منزلت انسانی در دهه دوم و گفتمان مطالبه‌گری و نقادی در دهه سوم و چهارم تقسیم‌بندی کرد. هدف از مطالعه حاضر تبیین و ارزیابی نقش‌آفرینی زنان در چارچوب این سه تحول گفتمانی با توجه

نقش‌آفرینی زنان در چارچوب سه گفتمان آگاهی و منزلت انسانی، مطالبه‌گری و نقادی با توجه به بافت سیاسی - اجتماعی ایران در قالب مشارکت در مجلس شورای



^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی Email: salehi_j@yahoo.com

^۲ عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی Email: smhlargani@gmail.com

اسلامی در چهار دهه گذشته بوده است؟ به بافت سیاسی - اجتماعی ایران در قالب مشارکت در مجلس شورای اسلامی در چهار دهه گذشته است. برای این منظور، اسناد مکتوب و غیرمکتوب موجود در این زمینه مورد بررسی و تحلیل گفتمانی قرار گرفته است. نتایج حاصل حاکی از آن است که با وجود پیشرفت و توسعه‌ای که در حوزه مسایل زنان در کلیت آن در جامعه به صورت نسبی شکل گرفته است، اما در حوزه سیاست و ایفای نقش کنشگری فعالانه کماکان چالش وجود دارد. تحولات گفتمانی شکل گرفته بیشتر از آنکه بازتاب‌دهنده خواست و میل زنان باشد، توجیه‌کننده و حاصل تجربه زیسته وضعیتی است که زنان در مجلس شورای اسلامی با آن روبه‌رو بوده‌اند.

واژگان کلیدی: زنان؛ گفتمان؛ مجلس شورای اسلامی؛ سیاست‌گذاری؛ قانونگذاری

بزهکاری ناخواسته زنان در بستر فقر و ناامنی اجتماعی

مبینا صدیقی^۱

چکیده

در شرایطی که اوضاع اقتصادی و معیشتی جامعه به نحوی است که از نگاه عوام بجای «سه طبقه‌ای بودن» یعنی ثروتمند، متوسط و فقیر، به دو طبقه‌ای (ثروتمند و فقیر) مبدل شده است، شاهد ورود تعداد کثیری از زنان به عرصه اشتغال هستیم؛ اشتغالی که نه در راستای تحصیل و نه علاقه‌مندی، بلکه صرفاً برای تأمین نیازهای مالی خانواده و به اصطلاح کمک خرج بودن است. این در حالی است که شاید در جامعه بسترهای مناسبی برای اشتغال زنان فراهم نیست و از سویی بسیاری از مناصب شغلی نیز برای زن تدبیر نگشته است. از این رو، زنان با گزینه‌های محدودی برای انتخاب نوع شغل مواجه می‌شوند. همین امر سبب روی آوردن آنها به دست‌فروشی و مشاغل غیررسمی است. از سوی دیگر، اجبار زنان برای کار در زمانی که فقر بر زندگیشان حاکم است در حالی که موقعیتی برای کسب شغل مناسب و درآمد کافی ندارند، موجب می‌شود آنها مجبور به انجام اعمالی ضداخلاق و ضدقانون چون تن‌فروشی، فروش مواد مخدر، دزدی و سایر جرایمی شوند که از یک زن نیازمند، یک زن بزهکار می‌سازد. فارغ از ارتکاب جرایم توسط زنان، مسئله فقر و عدم تأمین نیازهای مالی سوژه خوبی برای باندهای قاچاق زنان و مفسدان مروج فحشا است. از این رو، شاهد



عوامل مؤثر در
بزه‌دیدگی و بزهکاری
زنان کدامند؟

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال. E-mail: Mobina.

seddighi@yahoo.com

وقوع جرم در داخل و چاق شدن سایر مجرمان هستیم. زن به عنوان عضوی از جامعه که قربانی نبود امنیت است، وقتی در شهر به نیت کسب درآمد قدم می‌گذارد، چون طعمه‌ای است که یا شکار می‌شود یا او را به یک شکارچی تبدیل می‌کند. از این رو، در این پژوهش سعی بر آن است با توسل به شیوه مطالعه‌ای، منابع قانونی، جرم‌شناختی و بعضاً فقهی مرتبط، عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی و بزهکاری زنان بررسی شود. نتایج حاکی از آن است که صرف نظر از جرایم خودخواسته، علل اقتصادی، نبودن شغل در شأن برای زنان، عدم دریافت حمایت‌های قانونی و حاکمیتی، خشونت‌های خانگی و اجتماعی، زن را به بزهکاری ناخواسته کشانده است. با تمرین درونی کردن صلح، برقراری عدالت ترمیمی در نهاد خانواده، اتخاذ قانون‌های حمایتی زنان، لغو نابرابری‌های جنسیتی در سراسر قوانین، به عنوان چند راهکار برای رفع چنین آسیب‌های اجتماعی در طی پژوهش پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: زنان؛ بزهکاری؛ فقر؛ امنیت

نسبت توانمندسازی سیاسی زنان با مشارکت سیاسی

(با تأکید بر نظریه حمایت اجتماعی ساراسون)

حامد عامری گلستانی^۱

انوشه دربندی^۲

چکیده



در دنیای امروز موقعیت زنان به طور عمیق ارتباط مستقیمی با شرایط و سطوح توسعه در کشورها دارد. در عین حال، تمرکز بیشتر کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، برای دستیابی به اهداف توسعه همه‌جانبه یا به تعبیر بهتر توسعه پایدار انسانی است. در این میان، آنچه اهمیت بسزایی پیدا کرده نقش زنان است، چرا که زنان از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی متأثر از محیط زندگی خود و نیز مؤثر بر آن هستند. در قرن حاضر هر چه کشورها به سمت توسعه‌یافتگی می‌روند، شکاف میان توسعه و توانمندی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان و مردان کم‌رنگ‌تر می‌شود. با این پیش‌فرض می‌توان گفت توانمندسازی زنان از شاخص‌های تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی و اقتصادی آنها است و در عین حال، توسعه پایدار نیز بر مبنای این توانایی و ایستایی آن شکل می‌گیرد. نوشتار حاضر در تلاش است با بهره از نظریه حمایت اجتماعی

آیا توانمندسازی زنان در سایه حمایت اجتماعی می‌تواند سطح مشارکت سیاسی آنها را در توسعه پایدار بالا برده، در عین حال به تقویت توانایی‌های آنان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسایل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز

سیاسی منجر شود؟

ساراسون و روش تحلیلی - توصیفی، به این پرسش پاسخ دهد که «آیا توانمندسازی زنان در سایه حمایت اجتماعی می‌تواند سطح مشارکت سیاسی آنها را در توسعه پایدار بالا برده، در عین حال به تقویت توانایی‌های آنان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر شود؟» فرضیه پژوهش این است که، توانمندی زنان پدیده‌ای اجتماعی است و بنابراین، امری تک‌علیتی نیست و به عوامل متعددی پیوند خورده است. در ایران امروز افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضعیت بهداشتی، رفع تبعیض‌های اقتصادی و حمایت اجتماعی از زنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، به آنها موجودیتی فراجنسیتی داده که لازمه توسعه پایدار است. همین امر، باعث افزایش مشارکت سیاسی آنها شده، در عین حال با افزایش مشارکت، سطح توانمندی‌های زنان نیز دستخوش تحولات شده است. در نتیجه، میان مشارکت سیاسی و توانمندی زنان، رابطه‌ای کاملاً دوسویه وجود دارد؛ رابطه‌ای که هر دو را علت و معلول هم می‌کند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان؛ توسعه؛ مشارکت سیاسی؛ نظریه حمایت اجتماعی
ساراسون

مشارکت سیاسی فعالانه زنان؛ ضرورت کشورهای توسعه‌نیافته

مجید عباس‌زاده مرزبالی^۱

چکیده



هدف از این مقاله، بررسی چگونگی ارتباط میان مشارکت سیاسی زنان و مسئله توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته است. توسعه به معنای فراهم شدن زمینه‌های لازم برای بروز و ظهور ظرفیت‌های عناصر مختلف اجتماع و افزایش توانایی‌های کمی و کیفی در بطن جامعه است. به طور کلی، عوامل مختلفی در شکل‌گیری توسعه نقش دارند که عنصر مشارکت سیاسی، به معنای سهیم بودن تمامی اعضای جامعه در فرآیندهای سیاسی و تصمیم‌گیری، یکی از مهم‌ترین آنها است. در واقع، دستیابی به توسعه، تنها با بهره‌گیری از توانایی‌ها و قابلیت‌های تمامی اعضای جامعه (فارغ از جنسیت آنان) در عرصه‌های مختلف به ویژه سیاست، امکان‌پذیر است. این در حالی است که در مسیر مشارکت سیاسی فعالانه زنان در کشورهای توسعه‌نیافته، موانع تاریخی و ساختاری وجود دارند که روی‌هم‌رفته در توسعه‌نیافتگی آنها نقش مهم و اساسی داشته‌اند. بر این اساس، ضرورت پیش روی کشورهای توسعه‌نیافته برای دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به توسعه، این است که زمینه‌ها و لوازمات مشارکت فعالانه زنان در فرآیندهای سیاسی را فراهم کنند. به

ارتباط میان مشارکت سیاسی زنان و مسئله توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته چگونه است؟

^۱ دکتری علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی E-mail: m.a.marzbali@gmail.com

طور کلی، به باور این پژوهش، با تضعیف ساختار پدرسالارانه حاکم بر جامعه، اصلاح ذهنیت و رویکرد نخبگان سیاسی نسبت به نقش و جایگاه زنان، بازنگری در قوانین و رویه‌های تصمیم‌گیری و ... در کشورهای توسعه‌نیافته، امکان مشارکت سیاسی فعال و مؤثر زنان و در نتیجه، دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر این جوامع به توسعه فراهم خواهد شد. روش تحقیق این مقاله، توصیفی - تحلیلی بوده، شیوه گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: توسعه؛ زنان؛ فرآیندهای سیاسی؛ کشورهای توسعه‌نیافته؛ مشارکت سیاسی فعالانه



بررسی وضعیت زنان در کرونا و نقش آنان در تاب‌آوری زیست‌پسا کرونا

شراره عبدالحسین‌زاده^۱

چکیده

بروز همه‌گیری کووید ۱۹ در ابتدای سال ۲۰۲۰ پیامدها و تبعات اجتماعی و اقتصادی زیادی به همراه داشته است. بیماری کرونا تغییرات عمده‌ای در زندگی افراد جامعه ایجاد کرده است. در این میان زنان بیشتر در معرض پیامدهای اقتصادی، روانی، بهداشتی این شیوع قرار گرفتند. در واقع، همه‌گیری بیماری کرونا، فشارها و نابرابری‌های جنسیتی در جوامع را تشدید کرده، به طوری که در صورت عدم مقابله با آن با پیامدهای جبران‌ناپذیری در دوران پسا کرونا مواجه خواهیم شد. این در حالی است که زنان نقشی کلیدی در ارتقای تاب‌آوری جامعه در مقابل این بحران و عملیاتی کردن راهبردها برای انطباق با شرایط زیست‌کرونایی در جامعه دارند. سؤال این است که پاندمیک این ویروس چه پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و روانی بر زنان داشته و نقش آنان در مدیریت و افزایش تاب‌آوری زیست‌کرونایی چیست؟ تحلیل یافته‌های به دست آمده از طریق اخبار در کشورهای مختلف حاکی از آن است که افزایش بیکاری و مشکلات اقتصادی پس از آن، معضلات دور کاری، اختلافات زناشویی و افزایش خشونت خانگی



پاندمیک کرونا ویروس چه پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و روانی بر زنان داشته و نقش آنان در مدیریت و افزایش تاب‌آوری زیست‌کرونایی چیست؟

^۱ دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، مدرس دانشگاه

و ناامنی در دوران قرنطینه، همزیستی در فضاهای کوچک خانه، دوری از مناسبات اجتماعی ماقبل کرونا، افزایش مسئولیت‌های حمایتی، مراقبتی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی، کمبود خدمات بهداشتی و مراقبت از بیماری و مسئولیت پس از فوت سرپرستان خانواده فشاری چندگانه بر روح و جسم زنان وارد کرده است.

واژگان کلیدی: زنان؛ بحران کرونا؛ تاب‌آوری؛ خشونت خانگی؛ بحران اقتصادی



واکاوی موانع اجتماعی تجرد قطعی زنان در ایران و اثرات آن بر تغییرات اجتماعی

شماره عبدالحسین زاده^۱

چکیده



بر اساس آمارها ۱۱ میلیون جوان ایرانی از سن مناسب ازدواج عبور کرده و در آستانه ورود به تجرد مطلق هستند. تجرد قطعی که در سال ۱۳۷۵ برای مردان حدود ۱.۱ درصد و برای زنان ۱.۲ درصد بوده، در سال ۱۳۹۵ به ۲.۳ درصد برای مردان و ۳.۷ درصد برای زنان رسیده است. این آمار نشان می‌دهد، روند افزایشی تجرد قطعی در زنان، بسیار بیشتر از مردان بوده است. این جمعیت در حال افزایش، زنگ خطری برای رشد منفی جمعیت در سال‌های پیش رو است. حال سؤال این است که زنان مجرد به عنوان بخشی از جامعه از نظر فرهنگی، روانی و پذیرش اجتماعی با چه موانع اجتماعی روبه‌رو هستند و افزایش این قشر از جمعیت چه اثراتی بر سبک زندگی و تغییرات اجتماعی ناشی از آن خواهد داشت؟ این مقاله با بررسی موانع اجتماعی این جمعیت در پذیرش اجتماعی و اقتصادی و عدم توجه و سیاستگذاری مناسب برای کاهش این جمعیت، پیشنهادهایی برای رفع موانع اجتماعی آنان ارائه

زنان مجرد از نظر فرهنگی، روانی و پذیرش اجتماعی با چه موانع اجتماعی روبه‌رو هستند و افزایش آنان چه اثراتی بر سبک زندگی و تغییرات اجتماعی ناشی از آن خواهد داشت؟

^۱ دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، مدرس دانشگاه

خواهد کرد.

واژگان کلیدی: زنان؛ تجرد قطعی؛ موانع اجتماعی؛ رشد منفی جمعیت؛ ازدواج



تأثیر موقعیت اجتماعی زنان بر فرآیند گذار به دموکراسی

(حقوق زنان و دموکراسی خواهی)

محمد عثمانی^۱

چکیده



در تمام جوامع، زنان نیمی از بافت جمعیتی را تشکیل می‌دهند. از این رو، نقش آنان در مناسبات اجتماعی و سیاسی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. در جوامعی چون ایران که انگاره‌های سنتی در معادلات اجتماعی و سیاسی نقش کلیدی بازی می‌کند؛ حضور تأثیرگذار زنان در موقعیت‌های کلیدی با دشواری‌هایی روبه‌رو است. این چالش ریشه در پیش‌فرض‌های نهادینه و ذهنیت مردسالار جوامع ما دارد. حال در صورت دقت به تاریخ دوپست ساله مبارزات سیاسی ملت ایران برای تحقق دموکراسی، درمی‌یابیم که جمعیت زنان، نیمه پنهان دموکراسی‌خواهی ملت ایران است. بر این اساس، در این مقاله با طرح این پرسش که حضور زنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی چه تأثیری بر فرآیند گذار و نهادینه‌سازی دموکراسی در ایران معاصر دارد؟

حضور زنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی چه تأثیری بر فرآیند گذار و نهادینه‌سازی دموکراسی در ایران معاصر دارد؟

^۱دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

حقوق نیمه پنهان و تأثیرگذار زنان ایران توجه شود؛ دموکراسی هم به مثابه یک فکر و هم به معنای یک روش مسالمت‌آمیز کسب قدرت و جابه‌جایی آن در جامعه نهادینه می‌شود؛ در این معنا، هم حضور تأثیرگذار زنان در معادلات قدرت از جانب مردان پذیرفته می‌شود و به حق برابر آنان اذعان خواهد شد و هم با حضور مؤثر زنان، بافت سازوار و متصلب قدرت را مسالمت‌جو و چرخشی می‌کند. در این مقاله از رهیافت سازه‌نگاری به حقوق بایسته زنان برای تحقق دموکراسی و موانع آن در ایران توجه می‌کنیم. این نگرش ما را در فهم و درک یکی از اساسی‌ترین موانع دموکراسی در ایران یاری خواهد کرد.

واژگان کلیدی: زن؛ دموکراسی؛ ایران؛ حق برابری؛ حق آزادی



زنان، گفتگو و سپهر سیاسی ایران

میمنت عطاریانی^۱

چکیده



راه توانمندسازی زنان چگونه است؟ و بر مبنای چه روشی می‌توان به این مهم دست یافت؟

جامعه مجموعه پیچیده و به هم پیوسته‌ای از روابط و مناسبات، قواعد، قوانین، نهادها و اجزای مختلف دیگری است که امکان زندگی و تعامل انسان‌ها با یکدیگر را فراهم می‌کند. ورای هر آنچه در جامعه مورد توافق و پذیرش است، فرهنگ قرار دارد که به صورت ساده اگر بخواهیم تعریفی از آن ارائه دهیم، همان مفهوم و معنای مشترکی است که اعضای یک جامعه به زیست جهان خود و هر آنچه با آن در ارتباط و تعامل هستند، می‌دهند. حتی وقتی از دولت سخن می‌گوییم، متأثر از فرهنگ هستیم. به این معنا که عرصه سیاست و مشارکت سیاسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و به همین منوال، عرصه مشارکت سیاسی زنان نیز متأثر از فرهنگ یک جامعه است. همانطور که آشکارا به نظر می‌رسد، عرصه مشارکت سیاسی در کشور ما و بسیاری از کشورهای دیگر ساختاری پدرسالارانه دارد و عقل مذکر و غالباً جمع‌گریز، امر سیاسی را هدایت و هدف‌گذاری می‌کند و معمولاً از انعکاس خواست‌ها و مطالبات زنان سر باز می‌زند. در این میان، زنان نیز در مواجهه با چالش‌های فوق‌راهبردهای مختلفی اتخاذ کرده‌اند. گروهی دچار انفعال شده‌اند

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

و از دستیابی به منابع قدرت قطع امید کرده‌اند. گروهی دیگر دچار بدبینی و یأس سیاسی شده‌اند. نتیجه اینکه به جهت محدودیت دسترسی به منابع قدرت، انرژی خود را صرف دیگر عرصه‌ها می‌کنند؛ از جمله نهادهای فرهنگی و خیریه‌ای. حال در متن چنین وضعیتی چه راهکار و راهبردی می‌توان اتخاذ کرد که از نگاه تک‌بعدی و پدرسالار عرصه سیاست بتوان خارج شد و به این باور رسید که توسعه برنامه‌های انسان‌محور است و نیمی از جمعیت انسانی، زنان هستند. زنان می‌توانند با توانمندسازی خود و هم‌افزایی در راستای تجمیع مطالبات و تبدیل خواسته‌های خود به اراده‌ای سیاسی در ساختار قدرت تغییر ایجاد کنند. اما پرسش کانونی این است که راه توانمندسازی چگونه است؟ و بر مبنای چه روشی می‌توان به این مهم دست یافت؟ «از دیرباز، گفت‌وگو تکامل‌یافته‌ترین شیوه ارتباط انسان با دنیای درون و بیرون خویش و بویژه با هم‌نوعانش است. غفلت از آن ریشه بسیاری از منازعات میان افراد و جوامع و منشأ پدید آمدن تعارضات، تناقضات و آشفتگی‌های شکننده انسان‌ها بوده است.»

واژگان کلیدی: زنان؛ گفتگو؛ سپهر سیاسی ایران؛ توانمندسازی؛ منازعات

بررسی جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه

سمانه فایز^۱

چکیده



زنان چه سهمی در فرآیند توسعه دارند؟

حضور زنان و مشارکت آنها در صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توسعه همه‌جانبه کشورها ارتباطی تنگاتنگ و مستقیم دارد. تعصب و گرایش مردسالاران در کشورهای در حال توسعه موجب شده است تا به رغم برخی تبلیغات و ادعاها در خصوص اهمیت دادن به نقش زنان در توسعه، عملاً موقعیت و شرایط مناسبی جهت ارائه خدمات به آنان اختصاص نیابد. ماهیت توسعه به گونه‌ای است که بدون مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، موفقیت چندانی در تحقق برنامه‌های توسعه حاصل نخواهد شد. فراهم آوردن زمینه‌های رشد بیشتر و افزایش امکان مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، موضوع مهمی است که عملاً می‌بایستی در برنامه‌ریزی‌های کشور مورد توجه قرار گیرد. درک نیازهای واقعی زنان، نقش اجتماعی آنان، افزایش توانمندی‌های آنان و نیز بهره‌مندی از آن در توسعه کشور همان چیزی است که می‌تواند جایگاه و موقعیت زنان را در جامعه ایرانی بیان کند. بدیهی است بهره‌مندی از تجاربی که تاکنون در خصوص فراهم

^۱دکتری مدیریت دولتی، گرایش خط‌مشی‌گذاری، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
Email: samane.fayez@yahoo.com

آوردن شرایط مناسب برای فعالیتهای اجتماعی و توسعه‌ای زنان کسب شده است، می‌تواند ضمن ایجاد زمینه‌های موفقیت بیشتر زنان، موجب افزایش مشارکت عمومی در توسعه کشور شود و در نهایت استقلال کشور را در همه عرصه‌ها فراهم آورد. از آنجا که با تغییر در شرایط اقتصادی - اجتماعی جوامع، موضوع اشتغال زنان در بیرون از محیط خانواده مطرح شده است، این موضوع و مسایل و مشکلات و نتایج اجتماعی آن بایستی مورد توجه و بررسی قرار گیرد. در این مقاله به بررسی مفهوم توسعه و سهم زنان در این فرآیند خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: زن؛ توسعه؛ ارتقای وضعیت زنان؛ مشارکت



موانع و چالش‌های فراروی توسعه و گسترش کارآفرینی زنان

سمانه فایز^۱

چکیده



در دنیای در حال تحول امروز، جوامع و سازمان‌هایی به موفقیت دست می‌یابند که میان منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی و کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معناداری برقرار سازند. به عبارتی دیگر، جامعه و سازمانی می‌تواند در مسیر توسعه، حرکت رو به جلو و باستانی داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مولد تجهیز کند تا آنها با استفاده از این توانمندی ارزشمند، سایر منابع جامعه و سازمان را بسوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند. امروزه که کار و فعالیت شکل تازه‌ای به خود گرفته است و بسوی خودکارفرمایی و خوداشتغالی در حرکت است، کارآفرینی و کارآفرینان نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می‌کنند. باید توجه داشت که کارآفرینان تنها به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نمی‌پردازند، بلکه با ساختار، تفکر، تحرک و فرهنگ لازم دست به تخریب خلاق می‌زنند. اشتغال زنان ایرانی در سال‌های اخیر به دلایل مختلف

کارآفرینی و
کارآفرینی سازمانی
چیست؟ زنان
کارآفرین چه نقشی
در ایجاد اشتغال
دارند؟

^۱دکتری مدیریت دولتی، گرایش خط‌مشی‌گذاری، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
Email: samane.fayez@yahoo.com

حساسیت ویژه‌ای پیدا کرده است. از سوی دیگر، مشکلات اشتغال که به صورت عام در کشور ایران وجود دارد، در مورد زنان حادث‌تر است. مسئله اشتغال، زنان را در آینده نه چندان دور با بحران مواجه خواهد ساخت. علی‌رغم اینکه، زنان ایرانی بر اساس تحقیقات انجام شده، به مشاغل دولتی بیشتر تمایل دارند، ولی وضعیت خاص بازار کار در ایران و سیاست کاهش تصدی‌گری دولت باعث شده است که رویکرد کارآفرینی زنان بیشتر از گذشته مطرح شود. در این رابطه، می‌توان مسئله را از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد. در این مقاله ابتدا به بررسی کارآفرینی و کارآفرینی سازمانی پرداخته، سپس به بررسی مفاهیم زنان کارآفرین در جامعه می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: کارآفرینی؛ کارآفرینی سازمانی؛ کارآفرینی زنان؛ موانع اشتغال



مدیریت زنان؛ شاخصی نو در روند اشتغال جامعه پویا

سمانه فایز^۱

چکیده



در یک جامعه پویا نیازهای فردی و خانوادگی زنان برای حضور در بازار کار و اشتغال و همچنین نیازهای اجتماعی و ملی به حضور زنان در بازار کار به موازات هم رشد می‌کنند و به تدریج تبدیل به یک خواست عمومی و ملی شده، در جریان سیاستگذاری و بخصوص در برنامه‌های توسعه جایگاه مطلوب خود را به دست می‌آورد. در این تحقیق در پی پاسخ به این سؤالات اساسی هستیم که: آیا میان خودباوری زنان و میزان تمایل آنها به پست‌های مدیریتی رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا میان رضایت شغلی زنان و میزان تمایل آنها به پذیرش پست‌های مدیریتی رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا میان وضعیت تأهل زنان و میزان تمایل آنها به پذیرش پست‌های مدیریتی رابطه‌ای وجود دارد؟ از اهدافی که این تحقیق دنبال می‌کند می‌توان به سنجش میزان تمایل زنان به پذیرش پست‌های مدیریتی با توجه به متغیرهای تحصیلات، سابقه کار، رضایت شغلی، خودباوری، تعداد فرزندان، رشته مورد تدریس، نقش‌های سازمانی و وضعیت تأهل اشاره کرد. روش تحقیق در این

آیا میان خودباوری، رضایت شغلی و تأهل زنان با میزان تمایل آنها به پست‌های مدیریتی رابطه‌ای وجود دارد؟

^۱دکتری مدیریت دولتی، گرایش خط‌مشی‌گذاری، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
Email: samane.fayez@yahoo.com

مطالعه توصیفی - پیمایشی از شاخه تحقیقات میدانی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان گچساران تشکیل می‌دهد که جمعاً ۷۸۰ نفر هستند. ۶ درصد آن را که حدوداً ۱۱۰ نفر است، به عنوان حجم نمونه انتخاب کرده‌ایم. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش نیز پرسشنامه است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها در دو سطح آمار و توصیفی و آمار استنباطی انجام شده است. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل نشان داد که تمایل زنان به پذیرش پست‌های مدیریتی با توجه به خودباوری آنان زیاد است. ولی میان وضعیت تأهل زنان و میزان تمایل به پست‌های مدیریتی در میان زنان شاغل رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین میان میزان رضایت شغلی و تمایل به پست‌های مدیریتی رابطه معناداری وجود ندارد. به علاوه، میان میزان تمایل زنان به پذیرش پست‌های مدیریتی با توجه به تعداد فرزندان آنها نیز رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مدیریت زنان؛ جامعه پویا؛ خودباوری؛ اشتغال؛ باورهای جامعه

دانشگاه آزاد اسلامی، زنان و توسعه

سمانه فایز^۱

چکیده



نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه و توانمندسازی زنان چگونه است؟

نقطه آغازین پرداختن به موضوع زنان و توسعه به رسمیت شناختن اصل برابری زن و مرد در منشور سازمان ملل متحد است. اما واقعیت‌ها بیانگر آن است که اغلب برنامه‌ریزان و مجریان برنامه توسعه به موقعیت زنان در فرآیند توسعه توجه چندانی نداشته‌اند، اما با اتخاذ رویکرد رفاهی سعی کرده‌اند امکاناتی را که مردان در اختیار دارند به زنان، به عنوان یکی از طبقات محروم جامعه انتقال دهند. تبیین نقش زنان در توسعه طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، تحت تأثیر مسئله حقوق بشر بیشتر با تکیه بر جنبه ابزاری و با تأکید بر حمایت از آنان انجام می‌شود. در ۲۵ سال گذشته، زنان با راهیابی به سطوح برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نشان داده‌اند که در برنامه‌های توسعه نقش اساسی ایفا می‌کنند. بر مبنای رویکردهای مربوط به زنان و توسعه، بدون در نظر گرفتن نقش تولیدی زنان در خارج از خانه، فرآیند توسعه با شکست روبه‌رو خواهد شد. همچنین، بر این مبناء، زنان در تولید، مشارکت و رشد اقتصادی نیز نقش دارند. در رویکرد اثربخشی، تأکید بر نقش زنان جای

^۱دکتری مدیریت دولتی، گرایش خط‌مشی‌گذاری، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
Email: samane.fayez@yahoo.com

خود را به تأکید بر توسعه داد. با این فرض که افزایش مشارکت زنان، به طور خودجوش با افزایش برابری آنان ارتباط دارد. رویکرد توانمندسازی بر تجربه توده مردم تکیه دارد که با گرایش‌های فمینیستی زنان برای رسیدن به جهان توسعه‌یافته همراه است. بر مبنای این رویکرد هدف، افزایش ظرفیت زنان برای بالا بردن اعتماد به نفس آنان است تا خود بتوانند به مسئله‌یابی، توسعه و تغییر بپردازند. عمومیت یافتن رویکرد توانمندسازی در توسعه و تغییرات اجتماعی موجب شکل‌گیری فرآیندهایی شده که خود به مشارکت بیشتر زنان می‌انجامد. در این مقاله، به بررسی نقش متقابل دانشگاه آزاد اسلامی و تأثیر آن بر توسعه و توانمندسازی زنان می‌پردازیم و رویکردهای مربوط به زنان و توسعه را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: دانشگاه آزاد اسلامی؛ توسعه؛ نقش زنان

استراتژی‌های توسعه فضا برای مشارکت زنان در عرصه سیاست

ابوالفتح فخرمحمدیان^۱

چکیده



راه‌های نیل به
مشارکت سیاسی
زنان با استفاده از
استراتژی‌های توسعه
فضا کدامند؟

از دیرباز در جوامع مختلف، مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی پدیده‌ای نو و تاحدی چالش‌برانگیز بوده است، اما با گذشت زمان و طی شدن دوره‌های تاریخی گوناگون، این چالش به فرصت تبدیل شده، هم اکنون در جوامع و نظام‌های توسعه‌یافته دنیای بین‌الملل، مشارکت زنان در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را جزء تغییرناپذیر فرآیند توسعه قلمداد می‌کنند. مقاله حاضر، دارای چارچوب نظری گفتمان مشارکت زنان در عرصه سیاسی است که با استراتژی‌های توسعه فضا جهت سهیم کردن مشارکت زنان در عرصه سیاست، راه‌های نیل به آن را بررسی می‌کند. همچنین تأکید مقاله بر وجه غلیظ مشارکت زنان در عرصه سیاست؛ با راهکار ایجاد بستر و تسهیل فضای توسعه سیاسی بر مدار توجه به پایه‌های اصلی تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلان سیاست‌ورزی داخلی و خارجی؛ با به‌حاشیه راندن تضادهای آنتاگونیستی و مذاقه در حوزه سهیم کردن

^۱ دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (آیت‌الله آملی)

شایستگان در مناصب با تأکید بر ظرفیت‌های قانون اساسی خواهد بود.

واژگان کلیدی: تضاد آنتاگونیستی؛ حقوق شهروندی؛ فرصت‌های مشارکت؛ قانون اساسی؛ مطالبات زنان

کلیشه‌های جنسیتی و ردپای آن بر بازار کار زنان: خاستگاه انتخاب‌ها و ترجیح‌ها

سمیه فریدونی^۱

چکیده



موضوع اشتغال زنان همچنان که در سطح جهانی همواره موضوعی بسیار مهم و چالشی بوده در ایران هم از این نگاه مستثنی نیست. در حدود دو دهه گذشته، دختران بزرگ‌ترین مشتریان آموزش عالی در ایران شده‌اند. بسیاری از فعالان اجتماعی زنان برای ورود زنان به بازار اشتغال تلاش کرده‌اند و دولت هم در چند سال اخیر تلاش‌هایی در این زمینه داشته است. اما باز هم نرخ اشتغال زنان به ویژه زنان تحصیل کرده بسیار پایین‌تر از آمارهای جهانی است. به نظر می‌رسد عوامل مفقوده دیگری وجود دارد که همان باورهای اجتماعی است. بنابراین، پژوهشگر در این پژوهش با طراحی پژوهشی در سپهر فلسفی تفسیرگرایی، رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای تماتیک به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که چرا با وجود افزایش تلاش‌ها برای ورود زنان به بازار کار همچنان تغییر چشم‌گیری در این حوزه دیده نمی‌شود؟

چرا با وجود افزایش تلاش‌ها برای ورود زنان به بازار کار همچنان تغییر چشم‌گیری در این حوزه دیده نمی‌شود؟

^۱ عضو هیأت علمی گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: E-mail:

fereidouni@irphe.ac.ir

دست آمده از مصاحبه با ۴۷ دختر و پسر دانش‌آموز دبیرستانی از شش استان گیلان، خراسان جنوبی، هرمزگان، تهران، خراسان رضوی و خوزستان نشان می‌دهد که هم‌راستا با نظریه گری بکر، کلیشه‌های جنسیتی آنقدر قوی در باورها رسوخ کرده که می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری ذائقه‌ها یا رجحان‌های کارفرمایان و حتی کارکنان نام برد که اثری جدی بر جدا ماندن زنان از بازار کار دارد.


واژگان کلیدی: بازار کار زنان؛ کلیشه‌های جنسیتی؛ گرایش به تبعیض؛ رجحان‌های کارفرمایان

زنان و معنای مرد بودن در سال ۲۰۲۰ با تأکید بر نظریه «آشوب» جیمز روزنا

رضا فضلعلی^۱

چکیده

موضوع زن و جایگاه او در طول تاریخ مورد بحث و گفتگو بوده است. در گذشته به سبب عدم آگاهی زنان، معمولاً نوشته‌ها توسط مردان صورت می‌گرفت و به ندرت اظهارنظرهایی توسط زنان مشاهده می‌شد که انعکاس زیادی نداشت. این احساس مخصوصاً در میان بسیاری از زنان وجود دارد که در طول تاریخ به زنان که بخش مهمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند، ستم شده و حقوق و شأن انسانی آنها رعایت نشده و بر طبق عادات، رسوم و اعتقادات و قوانین و مقررات در مورد آنها تبعیض ناروا اعمال شده است. در عصر حاضر نیز در بسیاری از موارد مورد ظلم قرار می‌گیرند. لیکن در عصر حاضر نیز با وجود پیشرفت علم و ارتباطات و دانش‌اندوزی، زنان به جایگاه اصلی و حقوق انسانی خود آگاه نشده‌اند! سعی می‌کنیم تا به این سؤالات پاسخ دهیم؛ معنای مرد بودن و نگرش جامعه جهانی و خصوصاً ایران نسبت به مفاهیم «زن» و «مرد» در دهه جدید دستخوش چه تغییرات و تحولاتی شده است؟ آیا زنان جایگاه اصلی خود را می‌دانند؟



معنای مرد بودن و نگرش جامعه جهانی و خصوصاً ایران نسبت به مفاهیم «زن» و «مرد» در دهه جدید دستخوش چه تغییرات و تحولاتی شده است؟ آیا زنان جایگاه اصلی خود را می‌دانند؟

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مسایل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج
E-mail: rezafazlali2014@gmail.com

زنان جایگاه اصلی خود را می‌دانند؟ در تمامی پژوهش‌ها از حقوق از دست رفته زنان بحث می‌شود، از جایگاه زن در قبل از میلاد، قبل از اسلام، قبل از انقلاب صنعتی و رنسانس، در ایران باستان و یا پس از ظهور اسلام و در ایران عزیزمان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی تحقیقات زیادی شده است. با تأکید بر نظریه «آشوب» جیمز روزنا و با متغیری بجای بیان به مردان که به زنان ظلم نکنید، زنان باید در ابتدا خودشان باشند و با آگاهی و شیوه‌های درست و منطقی به حقوق از دست رفته خود دست یابند. در این مقاله با نگرش متفاوت در مورد زن و مرد در جوامع و اینکه در سال ۲۰۲۰ معنای مرد بودن در حال تغییر و تکمیل است، دیگر دفاع از حقوق زن برای مردان روشنفکری و تجدد نیست، یک وظیفه و مسئولیت است.

واژگان کلیدی: تاریخ؛ حقوق زنان؛ اجتهاد؛ آگاهی؛ آشوب؛ جهان؛ ایران

بررسی تحلیلی ضرورت‌های ارزیابی تأثیرات جنسیتی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی

لیلا فلاحتی^۱

چکیده



در دو دهه گذشته توجه به بُعد جنسیت در بسیاری از فرآیندهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح ملی در بسیاری از کشورهای جهان مطرح شده است. توجه به بُعد جنسیت از طریق استراتژی‌ها و ابزارهایی مثل جاری‌سازی بُعد جنسیت و یا برنامه‌ریزی جنسیتی صورت می‌گیرد که از مهم‌ترین دستاوردهای آن در سطح جهان می‌توان به کاهش نابرابری‌های جنسیتی در حوزه بهداشت و سلامت اشاره کرد. در حالی که جاری‌سازی رویکرد جنسیتی به عنوان یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های رایج در این عرصه شناخته می‌شود، ضرورت اطلاع از تأثیر این برنامه بر وضعیت گروه‌های مختلف زنان و مردان نیز اهمیت دارد. به عبارت دیگر، ارزیابی تأثیرات جنسیتی یکی از مهم‌ترین ضروریات و گام‌های مهم قبل از اقدام به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی شناخته می‌شود. ارزیابی تأثیرات جنسیتی یکی از شیوه‌های جاری‌سازی جنسیتی است که در مراحل اولیه چرخه سیاستگذاری به اجرا درمی‌آید و

ارزیابی تأثیرات جنسیتی مصوبه اختصاص سهمیه ۳۰ درصدی مناصب مدیریتی به زنان و جوانان و الزامات آن در فرآیند سیاستگذاری چگونه است؟

^۱استادیار گروه مطالعات زنان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری - E-

mail: falahati@iscs.ac.ir

عبارت از تحلیل و ارزیابی قوانین، سیاست‌ها و یا برنامه‌ها قبل از اجرا است. هدف نهایی ارزیابی تأثیرات جنسیتی، ارتقای کیفیت و تدقیق سیاست‌ها و برنامه‌ها است تا جلوی تأثیرات منفی آنها بر دسترسی به فرصت‌ها کنترل شود. در این مطالعه به یکی از استراتژی‌های اخیر دولت که اختصاص سهمیه ۳۰ درصدی مناصب مدیریتی به زنان و جوانان بوده، پرداخته شده است. هدف ارزیابی تأثیرات جنسیتی این مصوبه و بررسی الزامات آن در فرآیند سیاستگذاری و روش پژوهش اسنادی و داده‌ها از گزارش‌های رسمی مرکز آمار و دستگاه‌های دولتی جمع‌آوری شده است. نتایج مطالعه نشان داد که در سال ابلاغ این مصوبه سهم زنان در بین مدیران عالی ۳/۲ درصد، در سطح میانی ۵/۹ درصد و در سطح پایه ۱۰/۲ درصد است. به عبارت دیگر، در همه سطوح شکاف جنسیتی در مناصب مدیریتی تقریباً بیش از ۹۰ درصد بوده است. انطباق پنج مرحله فرآیند ارزیابی تأثیرات جنسیتی نشان داد چالش‌های متعددی فراروی تحقق این مصوبات موجود است. تفاوت در تعاریف دستگاه‌های اجرایی از جایگاه، عدم وجود نظام آماری متمرکز، به‌روز و استاندارد، کمبود مطالعات روند که چالش‌های فراروی زنان را در این مناسبات و مناصب مورد بررسی قرار می‌دهد از جمله چالش‌ها بودند. در پیشنهادات نیز به ضرورت رعایت فرآیندهای ارزیابی در تصویب سیاست‌ها، استقرار نظام آماری متمرکز، توجه به سیاست‌های موازی همچون سیاست‌های تعادل کار و زندگی، توسعه سرویس‌های خدمات اجتماعی برای زنان شاغل اشاره شده است.

واژگان کلیدی: ارزیابی اثرات جنسیتی؛ جاری‌سازی جنسیتی؛ برنامه‌ریزی جنسیتی؛
سیاست‌گذاری؛ ارزیابی



نقش زنان در توسعه فرهنگ زیست محیطی در ایران

فرزاد قبادی^۱

چکیده



نقش زنان ایران در توسعه و ترویج فرهنگ زیست محیطی چیست و چگونه باید باشد؟

یکی از جنبه‌های توسعه پایدار، مفهوم فرهنگ و تأثیر آن بر محیط زیست است. پیش از قرن هجدهم و نوزدهم، تصور می‌شد زنان هیچ نقشی در حفظ و ارتقای محیط زیست ندارند؛ همانطور که در تمام حوزه‌های حیات اجتماعی به حاشیه رانده شده بودند. اما پس از افزایش سطح آگاهی در مورد حقوق و وظایف خود، زنان آگاهانه تلاش کردند نقش مهمی در مدیریت محیط زیست در سطح خانواده و جامعه داشته باشند. این مطالعه با هدف درک نقش مدیریت زنان در توسعه و ترویج فرهنگ محیط زیست انجام شده و تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که نقش زنان ایران در توسعه و ترویج فرهنگ زیست محیطی چیست و چگونه باید باشد؟ چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظرات و عقایدی است که نشان‌دهنده تأثیرات مثبت مدیریت و مشارکت زنان در توسعه و ترویج فرهنگ زیست محیطی است. زنان عامل اصلی انتقال فرهنگ محیط زیست به نسل‌های آینده هستند. اکثر ایده‌ها در مورد نقش زنان در حمایت از محیط زیست شامل آموزش فرزندان در خانواده و فعالیت‌های ساده است، در حالی

^۱ پیام نور

که مهارت زنان در مدیریت محیط زیست بسیار فراتر است. این مطالعه با استفاده از روش توصیفی و داده‌های کیفی (تفسیر) مبتنی بر اسناد انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که زنان همیشه با محیط زیست ارتباط نزدیکی داشته‌اند و جامعه انسانی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از این وضعیت بهره‌مند شده است. زنان می‌توانند با استفاده از توانایی‌های ذاتی خود مشکلات زیست محیطی را حل کنند و با استفاده از توانایی‌ها و استعدادهای مدیریتی خود قادر هستند از آموزش خانواده فراتر رفته، از محیط و حقوق زیست محیطی کل جامعه محافظت کنند.

واژگان کلیدی: فرهنگ زیست محیطی؛ زنان؛ توسعه پایدار؛ آموزش؛ حقوق زیست محیطی

تأثیر تحولات حوزه زنان بر نظریه فقهی با محوریت دیدگاه امام خمینی (ره)

نیره قوی^۱

چکیده



با توجه به گسترش نیازمندی‌های بشر و از سوی دیگر ضرورت پاسخگو بودن دین به این نیازها، خصوصاً در عصر حاضر که در نتیجه توسعه ارتباطات اجتماعی دایره این نیازمندی‌ها همه روزه رو به فزونی است، بی‌تردید نقش دین هم به ضرورت در صورتی که پاسخگوی این نیازها باشد، آشکارتر و جایگاه رفیع آن روشن‌تر می‌شود و برعکس. در این میان، عاملی که به تبع تحولات زمان و مکان می‌تواند مبین چگونگی انطباق احکام دین اسلام با تحولات باشد، چگونگی تغییر یا عدم تغییر نظریه‌های فقهی است. اما آنچه در فرآیند این تغییر و تحول یا به دیگر تعبیر، تغییر موضوع و به تبع آن تغییر حکم، باید مورد توجه قرار گیرد، حفظ اصول، مبانی و روش‌هایی است که باید مورد قبول در دستگاه فقهی شیعه باشد. بدون شک تحول نظریه فقهی نیازمند دلیل است؛ دلیلی که استناد به آن نظریه را به منابع اصلی دین (کتاب، سنت، عقل و اجماع) گواهی کند. از جمله راهکارهای روشی که در زمان‌های قبل، کمتر مورد استفاده قرار گرفته و می‌تواند در تحول احکام و بخصوص

آیا در نتیجه تحولات، در دستگاه معرفتی اسلام تغییرات نظریه فقهی امکان‌پذیر است؟

^۱استاد دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی

احکام مرتبط با زنان، تأثیرگذار باشد، نقش زمان و مکان در استنباط است. گرچه این بحث در زمان‌های قبل به اجمال مورد عنایت واقع شده است، اما این قضیه در پرتو نیازهای روزافزون نظام سیاسی و انطباق آن با دین اسلام در سیره و اندیشه امام خمینی تبلور یافته است و بلکه ایشان در عمل نیز مطابق همین منطق رفتار کرده، استنباط از احکام شرعی در حوزه نظام کلان سیاسی را در گرو آن دانسته‌اند. برای نمونه پیشرفت جوامع، تغییر طرز تفکر و نگرش نسبت به زن و تحول جایگاه اقتصادی و اجتماعی زن، همگام با خواست و اراده مردم و مطابق با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان موجب شده تا در برخی از احکام مثلاً میزان دیه زن تجدید نظر شده و با دیه مرد با رعایت مبانی و اصول در شرایطی برابر در نظر گرفته شود. بر این مبنا، سؤال این است که، «آیا در نتیجه تحولات، در دستگاه معرفتی اسلام تغییرات نظریه فقهی امکان‌پذیر است؟» در این مقاله سعی بر این است که به لحاظ روش‌شناختی فرآیند تغییرات نظریه فقهی با شیوه تبیینی - توصیفی و با محوریت دیدگاه امام خمینی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تحولات؛ زنان؛ زمان و مکان؛ نظریه فقهی

تبیین چارچوب مفهومی و نظری مکانیسم‌های توانمندسازی زنان

شهلا کاظمی پور^۱

چکیده



در جهان معاصر مزیت دسترسی به منابع طبیعی در امکان بهره‌مندی از شاخص‌های توسعه، جای خود را به مزیت بهره‌مندی از نیروی مبتکر، خلاق و توانمند داده است و مهم‌ترین عامل رقابت یک کشور با سایر کشورها توانایی افراد (مهارت‌ها، آموزش و بهره‌وری) آنها است. با توجه به اینکه زنان نیمی از توانایی بالقوه هر کشور محسوب می‌شوند، رقابت‌جویی یک ملت در میان عوامل دیگر به اینکه آیا و چگونه توانایی زنان را پرورش داده و استفاده کرده، وابسته است. توانمندسازی به معنای ارتقای توانایی افراد در استفاده بیشتر از قوه تشخیص و تحلیل، داشتن بصیرت در انجام کارها و مشارکت کامل در تصمیم‌های مؤثر بر زندگی آنها است. توانمندسازی زنان، آنها را قادر می‌سازد که برای انجام امور زندگی خود توانایی جمعی کسب کرده، سرمایه‌های اجتماعی آنها افزایش یابد. رشد و شکوفایی زنان به رشد، بالندگی و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه منجر خواهد شد. بنابراین، باید توانمندسازی و توان‌افزایی زنان در سر لوحه

چگونه می‌توان
مکانیسم‌های
توانمندسازی زنان را
از منظر مفهومی و
نظری تبیین کرد؟

^۱ دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران E-mail: skazemipour@gmail.com

اهداف و سیاست‌های کلان کشور قرار گیرد. برای ریشه‌کن کردن فقر، زنانه شدن فقر و انواع آسیب‌های اجتماعی می‌بایست به برنامه‌های توسعه آموزش‌های عمومی و عالی، آموزش مهارت‌های شغلی و اجتماعی و توسعه مشارکت‌های اجتماعی زنان توجه جدی و اساسی به عمل آید.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، توسعه انسانی، توسعه پایدار؛ زنان



نقش و جایگاه سیاسی زن در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی: تقابل دیدگاه تحریم و تجویز مشارکت سیاسی زنان در عصر سلجوقی

محمد کامکاری^۱محمدعلی توانا^۲سیدمحمدجواد مصطفوی منتظری^۳

چکیده

سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک یکی از متون کلاسیک اندیشه سیاسی ایرانی است. نوع دیدگاه آن به مسایل مختلف بر بخشی مهمی از تاریخ اندیشه ایران تأثیر گذاشته است. یکی از مسایل مطرح در سیاست‌نامه، نقش و جایگاه زنان است. سیاست‌نامه چه دیدگاهی درباره نقش و جایگاه سیاسی زنان ارائه می‌کند؟ منابع خواجه نظام‌الملک در تأیید دیدگاه خود چیست؟ آیا این دیدگاه در عصر سلجوقی رقیبی نیز داشته است؟ مقاله حاضر نشان می‌دهد خواجه نظام‌الملک دیدگاه تحریم مشارکت سیاسی زنان را در سیاست‌نامه طرح کرد که بر اساس آن زنان نه تنها در موقعیت فروتر نسبت به مردان قرار دارند بلکه، محل امر سیاسی دانسته نیز هستند.



سیاست‌نامه چه دیدگاهی درباره نقش و جایگاه سیاسی زنان ارائه می‌کند؟ منابع خواجه نظام‌الملک در تأیید دیدگاه خود

^۱ نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یزد

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شیراز

^۳ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی

چيست؟ آیا این دیدگاه در عصر سلجوقی رقیبی نیز داشته است؟

روایت‌های تاریخی و مذهبی (فقه شافعی) مهم‌ترین منابعی هستند که خواجه نظام‌الملک برای تائید دیدگاه خود از آنها بهره می‌برد. دیدگاه خواجه نظام‌الملک در تقابل با دیدگاه تجویز مشارکت سیاسی زنان قرار داشت که توسط سنت‌های قبيله‌ای ترکان و کنشگرانی همچون ترکان خاتون (همسر ملک شاه) و تاج‌الملک، رقیب خواجه نظام‌الملک در وزارت، دنبال می‌شد. در حالی که دیدگاه تحریم، ویژگی‌های ذاتی همچون ضعف، بی‌عقلی، فتنه‌گری و فریبکاری را به زنان نسبت می‌داد، دیدگاه تجویز با پذیرش امر واقع سیاسی و اجتماعی، توانمندی زنان طبقه حاکمه را می‌پذیرفت و مداخله چنین زنانی را در امر سیاست مجاز می‌دانست.

واژگان کلیدی: سیاست‌نامه؛ خواجه نظام‌الملک؛ عصر سلجوقی؛ جایگاه سیاسی زنان؛ تحریم؛ تجویز

مقایسه حقوق مدنی زنان از منظر مهرانگیز کار و فاطمه مرنیسی

محمد کامکاری^۱
محمدعلی توانا^۲
سیدمحمدجواد مصطفوی منتظری^۳

چکیده

مقایسه دیدگاه‌های متفکران مسلمان درباره حقوق زن نه تنها شباهت‌ها و تفاوت‌های گفتمان‌های فکری متفاوت را آشکار می‌سازد، بلکه استدلال‌های متفاوت آنها را نیز عیان می‌کند. بر این اساس، این مقاله، دیدگاه مهرانگیز کار و فاطمه مرنیسی درباره حقوق مدنی زن را با هم مقایسه می‌کند. به نظر می‌رسد علی‌رغم شباهت میان دیدگاه این دو متفکر درباره برابری زن و مرد، رهیافت‌های و تا حدودی استدلال‌های این دو متفاوت است. بدین معنا که مهرانگیز کار عمدتاً از منظر علم حقوق مدرن به زن ایرانی می‌نگرد و استدلال وی دو سویه است: در یک سو، وی میان وضعیت سیاسی و فرهنگی حاکم بر ایران، ظرفیت‌های قانونی موجود در قانون اساسی و قوانین مدنی ناهمخوانی مشاهده می‌کند (قوانین مدرن مستتر در قانون

حقوق مدنی زن در دیدگاه مهرانگیز کار و فاطمه مرنیسی چگونه است؟ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی را می‌توان یافت؟



^۱ نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یزد
^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شیراز
^۳ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی

اساسی و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران توسط نهادهای قدرت و همچنین فرهنگ عمومی جامعه ایران نادیده گرفته می‌شوند) و از سوی دیگر، نیاز به خوانشی مدرن‌تر از اسلام در جامعه ایران وجود دارد. در مقابل، فاطمه مرنیسی عمدتاً به تبارشناسی تاریخ اسلام می‌پردازد و میان اسلام حاکم بر کشورهای عربی و اسلام آغازین تفاوت معناداری مشاهده می‌کند. بدین معنا که وی مدلل می‌سازد اسلام آغازین واجد حقوق بسیار برای زن مسلمان بود، اما اسلام تاریخی به سبب حاکمیت گفتمان پدرسالارانه به تدریج موجب زائل شدن این حقوق شده است.

واژگان کلیدی: مهرانگیز کار؛ فاطمه مرنیسی؛ حقوق مدنی زن؛ اسلام؛ ایران

چالش‌های منشور حقوق شهروندی در ترویج مشارکت و ارتقای حقوق زنان در ایران

توکل لطفی^۱

چکیده



چالش‌های منشور حقوق شهروندی در ترویج مشارکت و ارتقای حقوق زنان در ایران چیست؟

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های جوامع مدرن و نظام‌های سیاسی دموکراتیک، شهروندی است که سهم بسزایی در تحقق عدالت اجتماعی و توسعه جوامع دارد. حقوق شهروندی زمانی محقق می‌شود که همه افراد جامعه از حقوق در نظر گرفته برای شهروندان برخوردار شوند. در طول تاریخ عوامل مختلفی موجب عدم دستیابی شهروندان به حقوق خود شده است. یکی از مهم‌ترین آنها، عامل جنسیت است. وضعیت زنان در ایران در طول تاریخ دستخوش تحولات بسیاری قرار گرفته است و امروزه از جنبه‌های مختلف نیازمند شناسایی خلاءها و یافتن راهکارهای قانونی است. در متن «منشور حقوق شهروندی» اولویت رعایت حقوق زنان به عنوان نیمی از جامعه مورد بررسی قرار گرفته است. اما علی‌رغم تلاش‌های فراوان مسئولان، اهتمام لازم برای شناسایی ضعف‌ها و رعایت دقیق و بی‌قید و شرط آن به عمل نیامده، رعایت آن با چالش‌های بسیاری مواجه بوده است. امروزه حقوق شهروندی زنان دشوارتر از گذشته است و رعایت آن، آرمان جوامع امروزی

^۱دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان

است. مهم‌ترین راهکار برای ارتقای حقوق شهروندی زنان، به رسمیت شناختن آن است.

واژگان کلیدی: زنان؛ حقوق شهروندی؛ منشور حقوق شهروندی؛ حقوق سیاسی؛ حقوق اجتماعی



ارزیابی کیفی عوامل اثرگذار در مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دسترسی زنان به حقوق شهروندی

مورد مطالعه: شهر تهران

نسیم‌السادات محبوبی شریعت‌پناهی^۱
عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۲
لیلا فلاحتی^۳

چکیده

امروزه توسعه اجتماعی کشورها، در گرو مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق حقوق گروه‌ها و افراد جامانده اجتماع است. با توجه به اینکه حقوق شهروندی از سویی با مسئولیت و مسئولیت‌پذیری همه افراد جامعه همراه و از سوی دیگر با حقوق افراد در جامعه مرتبط است، بنابراین، تمامی گروه‌های اجتماعی از جمله زنان را دربرمی‌گیرد. از آنجایی که شهروندی اجتماعی رابطه نزدیکی با عرصه عمومی دارد، تحقق آن برای زنان حائز اهمیت است. از این رو، در این مقاله به ارزیابی کیفی عوامل مؤثر بر مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان پرداخته می‌شود. روش تحقیق حاضر، کیفی با تکنیک مصاحبه است. برای این منظور ۲۰ سمن فعال در حوزه اجتماعی زنان



عوامل مؤثر بر
مشارکت سمن‌ها در
دسترسی زنان به
حقوق شهروندی
کدامند؟

^۱دکتری مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس E-mail: nassimasharyat@gmail.com

^۲آستاذ رشته برنامه‌ریزی جغرافیایی، دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول E-mail: eftekhaa@modares.ac.ir

^۳آستادیار گروه مطالعات زنان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی E-mail: falahati@iscs.ac.ir

که به روش نمونه‌گیری هدفمند از میان ۵۰ سمن فعال در این حوزه که در شهر تهران مستقر هستند، انتخاب شدند و با مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره زن ۱۰ سمن، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته انجام شد. نتایج نشان داد هر دو عوامل خارجی و داخلی بر مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی مؤثر بوده است. بنابراین، با توجه به این عوامل مؤثر، مشارکت سمن‌ها از یک مشارکت فعالانه تا یک مشارکت منفعل تعریف می‌شود و در این میان مشارکت‌هایی از جنس نیمه فعال، نیمه منفعل و غیره نیز وجود خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مشارکت؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ حقوق شهروندی؛ حقوق اجتماعی؛ زنان

راهکارهای توانمندسازی زنان در جهان پسا کرونا از منظر سازمان ملل متحد؛ مطالعه موردی: آفریقا

فریده محمدعلی پور^۱
شیرین حداد زند^۲

چکیده

همه‌گیری جهانی ویروس کووید - ۱۹ از زمان اعلام آن در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ (۲۱ اسفند ۱۳۹۸) از سوی سازمان بهداشت جهانی، با تعمیق نابرابری‌های موجود، آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در پی داشته است. در حوزه‌های سلامت، اقتصاد و تأمین اجتماعی، اثرات کووید - ۱۹ برای زنان و دختران صرفاً به دلیل جنسیت افزایش یافته است. زنان و دختران عموماً درآمد کمتر و پس‌انداز کمتری دارند و مشاغل ناامن یا زندگی در فقر را تجربه می‌کنند؛ فعالیت‌های بدون حقوق آنها مانند مراقبت از کودکان در خارج از مدرسه، نگهداری از سالمندان و ارائه خدمات بهداشتی بیش از حد افزایش یافته است. در این شرایط خشونت مبتنی بر جنسیت شدت یافته و بسیاری از زنان مجبور به «قفل شدن» در خانه با سوءاستفاده‌کنندگان از خود هستند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه سازمان ملل متحد بر بهبود



چگونه سازمان ملل متحد بر بهبود وضعیت زنان و دختران در آفریقا در جهان پسا کرونا تأثیر می‌گذارد؟

^۱ استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی

وضعیت زنان و دختران در آفریقا در جهان پساکرونا تأثیر می‌گذارد؟ در پاسخ این فرضیه با روش تبیینی بررسی می‌شود که سازمان ملل متحد از طریق تقویت ابتکار «نورافکن» با اتحادیه اروپا به دولت‌ها برای حذف تبعیض‌ها و تقویت برابری اقتصادی برای زنان در آفریقا در جهان پساکرونا یاری می‌رساند.

واژگان کلیدی: آفریقا؛ تبعیض جنسیتی؛ حقوق زنان؛ سازمان ملل متحد؛ ویروس

کووید - ۱۹



تأثیر زنان بر گسترش جامعه مدنی در ایران پساانقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶

سیدمحمد محمدی^۱

چکیده



با توجه به محدودیت‌های رسمی و غیررسمی که برای فعالیت‌های سازمان‌یافته زنان در عرصه اجتماعی وجود دارد، جریان غالب اندیشه سیاسی از زنان به عنوان عنصر غایب جامعه مدنی ایران یاد می‌کند. این برداشت از یک سو، متأثر از سنت فکری است که تحت تأثیر هگل و مارکس جامعه مدنی را عرصه فعالیت شرکت‌ها و طبقات اقتصادی می‌بیند که در جهت رسیدن به منافع خصوصی، خود را در برابر دولت و دیگر طبقات سازمان‌دهی می‌کند؛ و از سوی دیگر، منتج از آرای اندیشمندان چون برلین و فوکویاما است که با تکیه بر مفهوم آزادی منفی جامعه مدنی را عرصه فعالیت سازمان‌ها و نهادهای غیرحکومتی می‌بیند که از طریق کنترل و متعادل ساختن قدرت دولت در عرصه اجتماعی از افراد در برابر قدرت سرکوب‌کننده دولت حمایت می‌کند. با تکیه بر آرای توکویل در مقاله پیش رو، سعی می‌شود از تضاد مرسوم که بین دولت و جامعه مدنی ایجاد می‌شود پرهیز شود. بنا بر نظر او، جامعه مدنی عرصه‌ای است که در آن سازمان‌ها و گروه‌های

تأثیرگذاری زنان در شکل‌گیری و گسترش جامعه مدنی و فرآیند دموکراتیزاسیون در ایران در بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶ چگونه بوده است؟

^۱ هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آمل

مردم‌نهاد داوطلبانه و از طریق انجام امور فرهنگی و خیرخواهانه، نه تنها باعث تقویت فرآیند دموکراتیزاسیون، بلکه تقویت دولت نیز می‌شوند. با فاصله گرفتن از تعاریف غالب، توکویل محور اصلی تعریف خود را به فعالیت‌های دگرخواهانه و کنش‌های اجتماعی معطوف می‌سازد که در جهت حمایت از کسانی سازمان‌دهی شده‌اند که به نحوی نیازمند کمک هستند. با توجه به تعریفی که توکویل از جامعه مدنی ارائه می‌دهد و با تأکید بر تمایلات و ویژگی‌های طبیعی که زنان از آن برخوردار هستند، به ویژه حس غمخواری برای دیگران، در این مطالعه در پی آن هستیم تا نشان دهیم که از آغاز ریاست جمهوری آقای خاتمی تا پایان دوره اول ریاست جمهوری آقای روحانی نه تنها زنان با فعالیت‌های اجتماعی در شکل‌گیری و گسترش جامعه مدنی در ایران معاصر نقش داشته‌اند، بلکه بر فرآیند دموکراتیزاسیون نیز تأثیر گذاشته‌اند. روش پژوهش در این مطالعه تبیینی است. فرضیه مطالعه حاضر بیانگر این است که فعالیت‌های خیرخواهانه و فرهنگی زنان در سازمان‌های غیردولتی به صورت غیرعامدانه باعث گسترش جامعه مدنی و تقویت دموکراتیزاسیون در ایران شده است.

واژگان کلیدی: جامعه مدنی؛ زنان؛ نهادهای مردم‌نهاد؛ دموکراتیزاسیون؛ امور خیرخواهانه

بررسی مقایسه‌ای وضعیت زنان در کشورهای آسیای مرکزی با ایران

فاطمه محمدی^۱

چکیده



همانگونه که لئون تروتسکی در انتقاد خود از سیاست‌های استالینی بیان داشته است؛ جایگاه زنان در یک جامعه، تا حد زیادی بیان‌کننده ماهیت و نوع حکومت است. بررسی تجربه زنان در کشورهای آسیای مرکزی که متشکل از پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان است، نشان از آن دارد که در دوره اتحاد جماهیر شوروی و بعد از سال ۱۹۹۱، زنان از نقش اساسی در ملت‌سازی برخوردار بوده‌اند. اما به تعبیر شیرین آکینر این ملت‌سازی در قالب اصلاحات دورکهایم، مکانیکی تعبیر و تفسیر می‌شود. به عبارتی دیگر، علی‌رغم سیاست‌های امپریالیستی زمان شوروی، جوامع آسیای مرکزی درجه بالایی از همگنی و همبستگی را حفظ کرده‌اند و در حال حاضر با توجه به گذار و تغییر سریع ساختارهای دولتی و اجتماعی احتمال سرکوب آزادی‌ها برای ایجاد ثبات وجود دارد که به تبع این مسئله شرایط زنان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. با توجه به این مهم و از آنجا که برابری جنسیتی یکی از اهداف مهم توسعه پایدار سازمان

وضعیت زنان در کشورهای آسیای مرکزی از منظر شاخص‌هایی نظیر توسعه انسانی، توسعه جنسیتی، میزان زایمان در میان نوجوانان، کرسی‌های کسب شده در مجالس، نرخ مرگ و میر مادران، میزان

^۱ دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

مشارکت نیروی کار و میزان سواد زنان در مقایسه با ایران چگونه است؟

ملل متحد تلقی می‌شود، هر ساله شاخص‌های توسعه انسانی کشورها در حوزه زنان از سوی این سازمان مورد واکاوی قرار می‌گیرد. لذا مقاله پیش‌رو در پی آن است با بررسی وضعیت زنان در کشورهای آسیای مرکزی از طریق شاخص‌هایی نظیر توسعه انسانی، توسعه جنسیتی، میزان زایمان در میان نوجوانان، کرسی‌های کسب شده در مجالس، نرخ مرگ و میر مادران، میزان مشارکت نیروی کار و میزان سواد زنان به مقایسه تطبیقی این شاخص‌ها با وضعیت زنان در ایران بپردازد.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی؛ ایران؛ برابری جنسیتی؛ توسعه؛ زنان



الگوی توانمندی زنان نخبه سیاسی با تأکید بر آموزش

شیوا مدرس‌زاده^۱

چکیده



زنان نخبه سیاسی با دسترسی به منابع و ساختارهای فرصت، موقعیت ممتازی را در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کسب کرده‌اند. شناخت تجربه زیسته این گروه از زنان، برای رسیدن به میان‌ذهنیتی مشترک در مورد مفهوم توانمندشدن در عرصه سیاست، دارای اهمیت است؛ چرا که شناسایی تجربیات، انتخاب‌ها، اختیارات و سرمایه‌هایی که موجب توانمندشدن آنها شده و همچنین نوع جامعه‌پذیری، نقش آموزش در پرورش سیاسی ایشان، خاستگاه طبقاتی و اجتماعی و بافت‌های رسمی و غیررسمی که در درون آن دست به کنش زده‌اند، درک بهتر چالش‌ها و موانع پیش‌روی سایر زنان را در پی خواهد داشت. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیل روایت، بیست و نه نفر از زنان نخبه سیاسی بعد از انقلاب اسلامی، شامل یک وزیر، معاونان رؤسای جمهور و نمایندگان مجلس مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند تا پاسخ این پرسش‌ها به دست آید که مفهوم توانمندشدن سیاسی از نظر زنان نخبه سیاسی چیست؟ و آموزش رسمی و غیررسمی، چه نقش و کارکردی در فرآیند توانمندشدن زنان نخبه در ایران دارد؟

مفهوم توانمندشدن سیاسی از نظر زنان نخبه سیاسی چیست؟ و آموزش رسمی و غیررسمی، چه نقش و کارکردی در فرآیند توانمندشدن زنان نخبه در ایران دارد؟

^۱دکتری جامعه‌شناسی، گرایش گروه‌های اجتماعی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه زنان

زنان صاحب منصب در ایران، توانمندشدن سیاسی را بر مبنای دو الگوی «تحرک اجتماعی - سیاسی وابسته به کنشگری و امتیازات آموزشی رسمی» و «تحرک اجتماعی - سیاسی وابسته به خویشاوندی و برخورداری از حمایت گروه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی» تعریف می‌کنند. وجه اشتراک هر دو الگو آن است که پیشران تحرک اجتماعی زنان نخبه سیاسی در فرآیند توانمندشدن، از کسب تخصص و فعالیت در محیط دانشگاه و شکل‌دهی شبکه‌ای از روابط پرنفوذ با افراد صاحب‌منصب سیاسی در عرصه آموزش رسمی و غیررسمی برخاسته است. بر این اساس می‌توان گفت: یکی از عناصر برجسته در فرآیند توانمندشدن سیاسی زنان نخبه، کارکرد نهادهای آموزشی در سطوح مختلف به واسطه ایجاد انگیزه و آگاهی است و در این راستا مؤلفه‌هایی چون میزان تحصیلات، همسر و والدین و همچنین پرورش اجتماعی - سیاسی آنها به واسطه نهادهای مختلف آموزشی دارای تأثیر بوده است. یافته‌های اختصاصی مبنی بر تفاوت‌ها و تمایزات میان روایت‌های زنان نخبه سیاسی نشان می‌دهد که توانمندشدن زنان در عرصه سیاسی با «فرآیند مشترک ارتقای آموزش فردی، مشارکت در سطح خانوادگی، محلی و افزایش آگاهی فردی که گاه به اقدام اجتماعی نیز منجر می‌شود» معادل است.

واژگان کلیدی: آموزش؛ زنان؛ تحلیل روایت؛ توانمندی؛ نخبگان سیاسی

زنان ایران؛ از فمینیسم تا خرد مردسالارانه

فرشته مرادی راغب^۱

چکیده



به طور تقریبی نیمی از جمعیت جامعه ایران را زنان تشکیل می‌دهند. بدیهی است توجه به مشکلات، نیازها و جایگاه آنان می‌تواند در بهبود مسایل اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران مؤثر باشد. سنجش جامعه ایران در نسبت با زنان نشان می‌دهد؛ تفکیک دوره سنتی از دوره معاصر - که در آن نه ارزش‌های کاملاً سنتی غالب است و نه مدرنتیه به طور کامل به وقوع پیوسته - با مؤلفه «اعتراض زنان» به جامعه مردسالار قابل تمییز است. در جامعه سنتی ایران و در اعصار گذشته، زنان همواره مورد انواع خشونت‌های کلامی و فیزیکی قرار گرفته‌اند. زنان در جامعه سنتی نقش خود را به عنوان جنس فروتر پذیرفته و از آن ابایی نداشته‌اند. در عصر کنونی زنان با اعتراض ناشی از خودآگاهی در صدد برهم زدن نظم تعریف شده توسط جامعه مردسالار برآمده‌اند، اما غافل از اینکه اعتراضات آنان در چارچوب ارزش‌های همان جامعه مردسالاری است که با آن سر ستیز دارند. در حقیقت هنگامی که عرصه عمومی مد نظر هابرماس یک عرصه مردانه باشد، خرد هم در آن مردسالارانه است؛ بنابراین، در حالی که تیتر اول رسانه‌های ایران به آزادی

چگونه اعتراضات آزادیخواهانه زنان در عصر کنونی ایران که در تقابل با ارزش‌های مردسالارانه ظهور یافت، خود گرفتار همان ارزش‌ها شد و عملاً تسلسل باطلی را به راه انداخت؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

حضور زنان در ورزشگاه می‌پرداختند، لایه پنهان عدم رهایی از تفکر و خرد مردسالارانه مورد غفلت قرار گرفته بود. این پژوهش سعی دارد تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز روش تفسیری به این مهم بپردازد که چگونه اعتراضات آزادیخواهانه زنان در عصر کنونی ایران که در تقابل با ارزش‌های مردسالارانه ظهور یافت، خود گرفتار همان ارزش‌ها شد و عملاً تسلسل باطلی را به راه انداخت؟ زنان با گرایش‌های فمینیستی در برخی از حرکات اعتراضی نسبت به ارزش‌های مردسالارانه نتوانسته‌اند این ارزش‌ها را به چالش بکشند. به عنوان مثال، همانقدر که خواست عدم ورود زنان به استادیوم مردانه است، خواست ورود زنان به استادیوم نیز مردانه است و حوزه عمومی برای رها شدن از سلطه مردانه بیش از نیاز به بدن زن نیازمند میل زنانه است و گرنه جنس دوم در ورزشگاه هم جنس دوم است. لذا نگارنده این پژوهش در صدد است ضمن روایت دقیق از جایگاه زنان در جامعه سنتی و معاصر ایران و نیز با رویکرد فمینیسم پست‌مدرن، با نگاه انتقادی به تحلیل وضعیت موجود زنان پرداخته، در نهایت فضای مطلوب و راهکار رسیدن به آن را ترسیم کند.

واژگان کلیدی: زنان؛ جامعه ایران؛ فمینیسم؛ پست مدرن؛ عرصه عمومی؛ مردسالار

بررسی نقش زنان در جامعه مبتنی بر موانع و مشکلات موجود

مطهره مرادی فر^۱

چکیده



از زمانی که بشر پا به عصر وجود گذاشت و برای ادامه زندگانی خود به حکم ضرورت به مبارزه با طبیعت برخاست، زن و مرد در کنار یکدیگر گام برداشته‌اند. با این حال، با تشکیل اجتماعات انسانی، تقسیم عادلانه نقش‌ها و اداره امور میان زن و مرد صورت نگرفت. در مقابل، قدرت نابرابری بین این دو گروه شکل گرفت و به تدریج فاصله این دو گروه در اجتماعات و شرکت در گروه‌های مختلف زیاد و زیاده‌تر شد. اما به تدریج و با شخصیت جوامع انسانی، همگان به این نتیجه رسیدند که باید بیشتر از گذشته به زنان و توانایی‌های آنان توجه کنند، زیرا آنها قادر به انجام کارهایی هستند که می‌توانند بهتر جامعه را به سمت آرمان‌های خود هدایت کنند. بیان جایگاه و شخصیت زن، مسئولیت‌های فردی، خانودگی و اجتماعی وی و ترسیم روشن جایگاه و ساختار خانواده، در اسلام اهمیت زیادی دارد. در این نوشتار به تبیین شاخصه‌های تکوینی زن و جایگاه او در جامعه، خانواده و نقش‌های مدیریتی وی در ایجاد بهداشت روانی خانواده، مدیریت اقتصادی و ایجاد جامعه سالم

شاخصه‌های تکوینی زن و جایگاه او در جامعه و خانواده و نقش‌های مدیریتی وی در ایجاد بهداشت روانی خانواده، مدیریت اقتصادی و ایجاد جامعه سالم کدامند؟

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آرادشهر E-mail: motahareh.moradifar1990@gmail.com

پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: زنان؛ مشارکت؛ مدیریت؛ موانع و مشکلات؛ جامعه



تأثیر تضمین حقوق شهروندی زنان بر دموکراتیزاسیون

آتنا مرکزی^۱

چکیده



شهروند به مفهوم امروزی با ظهور دولت مدرن و مفاهیمی چون دموکراسی و جامعه مدنی حیات یافت و به وضعیت فرد به واسطه عضویت در یک جامعه ملی اطلاق می‌شود. حقوق شهروندی منبث از این جایگاه، موجب مهار قدرت حاکمیت است. حقوق شهروندی همچنین یکی از مؤلفه‌های محوری دموکراتیزاسیون و تضمین‌کننده پویایی جامعه مدنی و زمینه‌ساز تشکیل آن از طریق تضمین امکان مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. نهاد حقوق شهروندی به منظور از میان برداشتن محرومیت‌های گوناگون و قدرت‌بخشی به شهروندان به شکلی برابر و بدون تمایز ایجاد شده است. بنابراین، اساساً نهادی عام و فراگیر است که بر تک تک اعضای جامعه سیاسی صدق کرده، هیچگونه تبعیضی را بر نمی‌تابد. حقوق شهروندی در بطن خود نیز دارای اصولی بنیادین است که عبارتند از: برابری، آزادی و فردیت مدرن. تأکید بر برابری انسان‌ها از این منظر که همه افراد انسانی دارای کرامت انسانی یکسان هستند. بنابراین، دولت‌ها باید برای تحقق حقوق شهروندی نسبت به جنسیت

آیا تبعیض جنسیتی با ماهیت حقوق شهروندی سازگار است؟ شکل‌گیری ملت و مفاهیم ناشی از آن مثل منافع ملی، ارزش‌ها و فرهنگ دموکراسی چه نسبتی با رفع تبعیض از زنان خواهد داشت؟

^۱ دانش‌پژوه دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز

نیز موضعی بی‌طرفانه اتخاذ کرده، از درجه‌بندی شهروندان اجتناب کنند. در این راستا، ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که چنانچه در جامعه‌ای تبعیض جنسیتی وجود داشته باشد، می‌توان ادعا کرد که در آن جامعه حقوق شهروندی حکمفرما است؟ یعنی اساساً تبعیض جنسیتی با ماهیت حقوق شهروندی سازگار است؟ شکل‌گیری ملت و مفاهیم ناشی از آن مثل منافع ملی، ارزش‌ها و فرهنگ دموکراسی چه نسبتی با رفع تبعیض از زنان خواهد داشت؟

واژگان کلیدی: آزادی؛ برابری؛ مسئولیت‌پذیری؛ مطالبه‌گری؛ مشارکت



مطالعات زنان در پی دیوارهای بلند نادیده‌انگاری و به حاشیه‌سپاری؛ سیاست مقاومت در برابر تغییر

مجتبی مقصودی^۱

چکیده



پژوهش پیش رو با طرح چند گزاره دقیق در حوزه مطالعات زنان، چند سؤال ساده ولی در عین حال کلیدی را مطرح می‌کند. این یادداشت، با وجودی که معطوف و متمرکز بر حوزه مطالعات زنان است، اما کم و بیش طرح و ایده‌های آن در اکثر حوزه‌ها و ابعاد کشور ساری و جاری است. این پژوهش دو سوپیه دارد. در یک سوپیه آن، مراکز مطالعاتی، دانشگاهی و آکادمیک و انجمن‌های علمی قرار دارند که در ذیل «نهادهای تولید علم» ارزیابی می‌شوند و از منظر تولید دانش و نیز تعلق خاطر ملی، محصولات علمی تولیدی آنها صبغه انتقادی، اصلاحی، ارشادی و راهبردی دارد. در سوپیه دیگر آن، نهادهای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و اجرایی قرار دارند که در ذیل «نهاد دولت و قدرت» قرار می‌گیرند. در میانه این دو سوپیه، نهادهای مدنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارند که همگام با محافل دانشگاهی بعضاً پیگیر تحقق تغییرات در سطوح مختلف و از جمله حوزه زنان هستند. پاسخ‌های

آیا متناسب با رشد و فزونی مطالعات زنان، در عرصه‌های رئال و ملموس از سوی نهاد قدرت تحرکی برای تغییر مشاهده می‌شود؟ چرا این طرح‌ها و نظرها در حوزه مطالعات زنان تبدیل به سیاست

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، رئیس هیأت مدیره انجمن علمی مطالعات

صلح E-mail: maghsoodi42@yahoo.com

نشده‌اند؟ خلاء و
مشکل کار کجا
است؟

احتمالی به سؤالات «چشم‌انداز وضعیت تولید علم و نوآوری» در حوزه‌های مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور و در مقابل «سیاست مقاومت در برابر تغییر» را در سطح ملی نشان می‌دهد.

همگام با تحولات شتابان و فراگیر جهانی؛ در دو دهه اخیر محیط‌های آکادمیک، اجتماعی و مدنی ایران با حجم گسترده‌ای از مطالعات و رویدادهای علمی مرتبط با موضوع مسایل زنان روبه‌رو شده است. از نگارش یادداشت‌ها و گزارش‌های روزمره و ژورنالیستی تا آماده‌سازی مقالات علمی، تدوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، انتشار کتاب و مدیریت طرح و پروژه و برگزاری نشست، کارگاه آموزشی، کنفرانس و همایش و انجام گفتگو و مصاحبه... که همگی حکایت از جنب و جوش ویژه آکادمیک و رو به رشد در حوزه مطالعات زنان ایران دارد و شاید بتوان ادعا کرد که به لحاظ فراوانی، ناخواسته پژوهش‌های حوزه زنان درصدر تکاپوهای آکادمیک در ایران قرار دارد و برخلاف برخی مطالعات و موضوعات مبتلابه در برهه‌هایی از زمان، پژوهش‌های حوزه زنان دچار انقطاع نشده و مستمراً در حال افزایش است. تنها با مروری سطحی به چند پایگاه اطلاعات علمی کشور نظیر؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و سیویلیکا (CIVILICA) به حدود ده هزار مقاله علمی قابل اعتنا و مستند بر فکت‌های مشخص و دقیق در ارتباط با موضوعات و مسایل زنان با تأکید بر ایران برخورد می‌کنیم که اکثر مقالات نتیجه پژوهش‌های

جداگانه، طرح‌های مطالعاتی مستقل، پایان‌نامه‌ها یا رساله‌های دانشجویی است که در پس و پشت آن سال‌ها ممارست فکری، راهنمایی و مشاوره از صاحبان نظر و عمل، زحمات فراوان اندیشه‌ای و علمی، تلاش و هزینه‌های مالی - فرصتی و زمانی نهفته است.

برخلاف برخی احکام بدبینانه، تکراری و پرخاطا، به ویژه از سوی مسئولان اجرایی، مدیران عالی‌رتبه و سیاستگذاران کشور که مدعی برج عاج‌نشینی نویسندگان و غیرقابل استفاده بودن اغلب این آثار به دلیل دورافتادگی از واقعیت‌ها و نیازهای روزمره و اجرایی و وجه نظری و غیرکاربردی این تحقیقات هستند، دقیقاً واقعیت‌ها به گونه‌ای متفاوت بوده، مشخصاً برخلاف این ادعاها، بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها مسایل مبتلابه، عینی و ملموس جامعه زنان ایران را مورد بررسی و کنکاش قرار داده و تنها معطوف به طبع ظریف و مطالبات حوزه نخبگی و خواص نبوده است، بلکه تحقیقات مطالعات معطوف به وضعیت‌سنجی همه اقشار و طیف‌های زنان از خانه‌دار و شاغل، شهری و روستایی و عشایری، حاشیه‌نشینان، تحصیل‌کرده و عامی، کودک، جوان، میانسال و پیران و... را شامل می‌شود.

تلاش برای بومی - کاربردی‌سازی مطالعات و نظریات حوزه زنان متناسب با ویژگی‌ها و مختصات جامعه ایران، کاربست انضمامی و مصداقی یافته‌ها، تولید اطلاعات و آمار و ارقام و در یک جمع‌بندی تولید «دانش»، «بینش» و «بصیرت» در حوزه علمی - آکادمیک و دانشگاهی واقعیت غیرقابل انکار بخش قابل توجهی از این تولیدات علمی است که برخی از منکران

این واقعیت‌ها در بهترین حالت از درک محتوا، مضمون و کارکردهای آن غافل هستند؛ حال آنکه در نگاه بدبینانه صاحب منفعت بوده و در زیر نادیده‌انگاری واقعیت‌ها، برچسب‌زنی، رنگ و لعاب ایدئولوژیک زدن به هر واقعیتی در حوزه زنان، منافع مالی، اقتصادی و سیاسی خود را جستجو می‌کنند.

با توجه به ویژگی میان رشته‌ای مطالعات زنان، طیف متنوع و گسترده‌ای از کنکاش‌ها و بررسی‌ها در مسایل مبتلابه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی، حقوقی و امنیتی مبتنی بر روش‌های علمی اعم از کمی - کیفی، تحلیلی، تفسیری، تطبیقی، موردکاوانه، علی و پیمایشی با کاربست آخرین متدهای علمی در جریان است. اما آنچه قاطعانه می‌توان ابراز داشت؛ در میان منابع و مراجع قدرت در حال حاضر اراده، انگیزه، ساختار و چشم‌اندازی برای بهبود وضعیت جامعه و از جمله زنان وجود ندارد که از این پژوهش‌ها بتوانند استفاده بهینه کنند.

سؤالی که در این سال‌ها از سوی محافل علمی مطرح می‌شود این است که آیا متناسب با رشد و فزونی مطالعات زنان، در عرصه‌های رئال و ملموس از سوی نهاد قدرت تحرکی برای تغییر مشاهده می‌شود؟ در حالی که متناسب با این مطالعات و تحقیقات، جامعه و نهادهای مدنی جنب و جوش گسترده‌ای را آغاز کرده و خودآوانگارد طرح‌ها و ایده‌های نوآورانه بوده‌اند؛ ساختار نظام تصمیم‌گیری و اجرایی چه مکانیزمی برای بهره‌مندی از این همه تولیدات علمی اندیشیده است؟ آیا این تحرکات موجب گشایشی هر چند محدود در حوزه قانونگذاری، سیاستگذاری یا حضور زنان در ساختار هرم قدرت سیاسی و

تصمیم‌گیری در پارلمان، هیأت دولت، شورای نگهبان، مجمع تشخیص، ساختار قوه قضاییه، دادگستری و نیروهای مسلح شده است؟

واقعیت آن است که با وجود اینکه تولید دانش و انباشت علمی با رویکرد کاربردی و بومی در حوزه مطالعات زنان در قالب کار تحقیقی - راهبردی به وفور انجام شده است، اما دستاوردی در عمل و تغییری در سیاست‌ها، راهبردها، خط‌مشی‌گذاری‌ها و بهبودی ملموسی در وضعیت زنان محقق نشده است. از این رو، سؤال پرتکرار جامعه علمی در این ارتباط این است که چرا این طرح‌ها و نظرها تبدیل به سیاست نشده‌اند؟ و حتی در مواردی که تنها به سیاست تبدیل نشده‌اند و تغییری را رقم نزنند، بلکه مواجه با اتخاذ سیاست مقاومت و مخالفت از سوی اصحاب قدرت شده، در مقابل به طرح و پروژه‌هایی معکوس تبدیل شده است. خلاء و مشکل کار کجا است؟ از توده‌ها، از نخبگان، از گروه‌های ذی‌نفع مخالف، از نهادهای مدنی، از سنگ‌اندازی دشمن و عوامل نفوذ، از سوء مدیریت، از فرهنگ سیاسی تبعی، ... چرا باید برای هر تغییر جزئی هزینه‌های سنگین پرداخت و کشور را به تلاطمات و بحران‌ها کشاند؟ مشکل این کلاف سردرگم کجا است؟ راه حل چیست و چه باید کرد؟

واژگان کلیدی: مطالعات زنان؛ ایران؛ مقاومت در برابر تغییر؛ نهادهای تولید علم؛ نهاد دولت؛ پایگاه‌های اطلاعات علمی کشور

پدیدارشناسی و معرفت‌شناسی زنانه محور

حمید ملک‌زاده^۱

چکیده



عقل توان استفاده از کلمات و معانی برای استدلال است؛ چیزی اکتسابی است؛ یک‌جور تکنیک برای سرهم کردن عناصری از زبان برای به دست دادن گزاره‌های درست درباره چیزها. آنچه راهنمای استدلال درست به حساب می‌آید، روش است. روش صحیح استدلال کردن، مشخصه اصلی «عقل صائب» است که در نگاه‌ها ب «عقلی واحد و اکتسابی» است. این، عقلی است که در هر کس به نتایج درست واحدی منتهی می‌شود؛ یعنی هر کس با استفاده از روش استدلال درست، فارغ از تمایزاتی که با دیگران دارد، نتایجی واحد و طبیعتاً درست از استدلالش به دست خواهد داد. این فهم از عقل، به مثابه ابزار دستیابی به دانش یقینی، توسط روانکاو‌های فرویدی و لاکانی، نظریه‌های انتقادی، پست مدرنیسم و انواع ضد‌مبنای‌گرایی‌های دیگر و همچنین معرفت‌شناسی‌های زنانه‌محور، از طریق به چالش کشیدن ادعای وحدت ایگو، زیر سؤال رفته است. در این مقاله و از منظری پدیدارشناختی، به یکی از رادیکال‌ترین این چالش‌ها پرداخته خواهد شد که «معرفت‌شناسی زنانه‌محور» است. معرفت‌شناسی‌های

آیا معرفت‌شناسی زنانه‌محور توانسته است از منظر تئوریک با عقلی واحد، اکتسابی و صائب به روش صحیح استدلال در مطالعه دانش دست یابد؟

^۱ دانش‌آموخته علوم سیاسی، دانشگاه تهران E-mail: hmaleakzade@gmail.com

زنانه‌محور، مجموعه‌ای از نظام‌های مطالعه درباره دانش هستند که صورت‌بندی‌های موجود از دانش را بر قسمی باور بنیادین به شکافی اساسی - شکافی متأثر از تمایزهای بیولوژیکی و نتایج معرفت‌شناختی آنها از تجربه خود و دیگران و جهان - در مفهوم انسان استوار می‌سازند و نشان خواهیم داد که چطور این دسته از معرفت‌شناسی‌ها، ناگزیر، در همان تله تئوریک‌تری گرفتار می‌آیند که رقبای ضد‌مبنا‌گرای آنها در مطالعه درباره دانش به آن دچار شده بودند.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی؛ معرفت‌شناسی زنانه‌محور؛ عقل صائب؛ تله تئوریک



زنانگی و مسئله هویت‌یابی اجتماعی

حمید ملک‌زاده^۱

چکیده



از دهه‌های میانی قرن هجدهم میلادی در حوزه‌های مربوط به عمل و نظر سیاسی یک تمایز جدید سیاسی با بنیانی جنسی / جنسیتی در منازعات سیاسی تولید شد. این منازعه از شکافی در مفهوم خنثی «انسان» در مقام یک مفهوم فلسفی و تبع آن مفهوم «شهروند» به عنوان یک واحد مفهومی نیرو می‌گرفت، ادعای خنثی بودن مفهوم انسان و عقل را زیر سؤال می‌برد و ظهور الگوهای جدیدی از معرفت‌شناسی زنانه را نوید می‌بخشید. شکاف ایجاد در سوژه واحد و عقل خنثی برآمده از روشنگری مسئله تازه‌ای در سیاست و رابطه آن با جامعه به وجود آورد و «علاق» زنانه به سیاست وارد شدند. این مقاله به اعتبار یک روش‌شناسی پدیدارشناسانه، با اتکا به صورت‌بندی ادmond هوسرل از پدیدارشناسی، سعی خواهد کرد تا یک جور فهم بینادذهنی از نحوه بودن در جهان بنیانی جنسی / جنسیتی از سیاست ارائه بدهد. تلاشی که بر اساس آن امر سیاسی به عنوان امری مربوط به معنا، به نحوه آشکارگی جهان در یک زندگی اجتماعی بر اساس به رسمیت شناخته شدن تمایزهای

فهم بینادذهنی از نحوه بودن در جهان بنیانی جنسی / جنسیتی از سیاست را چگونه می‌توان صورت‌بندی کرد؟

^۱ دانش‌آموخته علوم سیاسی، دانشگاه تهران E-mail: hmaleakzade@gmail.com

جنسی / جنسیتی مردان و زنان صورت‌بندی می‌شود. در مقام نتیجه، به رسمیت شناخته شدن افق‌های معنایی زنانه در جریان زندگی سیاسی، توسعه‌ای پایدار و همه‌جانبه را بر اساس سیاستی اعتدالی که از انسان و طبیعت مراقبت بیشتری می‌کند، برای یک مردم ممکن می‌سازد.

واژگان کلیدی: بدن؛ زنانگی؛ توسعه؛ سیاست؛ معنا؛ پدیدارشناسی



تأثیر حمایت شبکه‌های جمعی از زنان در ارتقای جایگاه سیاسی به سطوح مقام سیاسی

طاهره مهرورزیان^۱

چکیده



حمایت شبکه‌های جمعی از زنان چه تأثیری در ارتقای جایگاه آنها به سطوح مقام سیاسی دارد؟

بررسی موانع ارتقای جایگاه سیاسی زنان به مقام‌های سیاسی و راهکارهای رفع این موانع از موضوعات مورد توجه در جامعه امروز است. در راستای این موضوع، مقاله حاضر برای یافتن پاسخ این مسئله که «حمایت شبکه‌های جمعی از زنان چه تأثیری در ارتقای جایگاه آنها به سطوح مقام سیاسی دارد؟» این فرضیه را مورد بررسی قرار داده است که «حمایت شبکه‌های جمعی از زنان باعث افزایش ارتقای جایگاه آنها به سطوح مقام سیاسی می‌شود». برای بررسی فرضیه مذکور از نظریه «سرمایه اجتماعی شبکه» و ابزار تحلیل شبکه استفاده شده است. بر مبنای این نظریه، هر چه تعداد شبکه‌ها و نهادهایی که کنشگران سیاسی در آنها عضویت دارند بیشتر و قدرتمندتر باشد، احتمال حمایت آن شبکه‌ها و نهادها از کنشگر برای دستیابی به مقام سیاسی بیشتر خواهد بود. از آنجا که زنان در شبکه‌ها و نهادهای محدودتری عضویت دارند و نمی‌توانند از ابزارهای بازاریابی سیاسی، لابی و رایزنی به

^۱دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاستگذاری فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

صورت گسترده استفاده کنند، لذا در مقام‌های سیاسی حضور کم‌رنگ‌تری دارند. بنابراین، برای دستیابی بیشتر زنان به مقام سیاسی، لازم است آنها ارتباطات شبکه‌ای خود را افزایش داده، از حمایت‌های شبکه‌ای و ابزارهای بازاریابی سیاسی بهره بیشتری ببرند.

واژگان کلیدی: حمایت‌های اطلاعاتی؛ مشروعیت‌بخشی و توصیه‌ای؛ شبکه‌های جمعی؛ مقام سیاسی؛ سرمایه اجتماعی شبکه؛ تحلیل شبکه؛ بازاریابی سیاسی

شناسایی مدل‌های تربیت سیاسی و تأثیر آن بر رقابت سیاسی میان زنان سیاستمدار ایرانی

سیده آمنه میرخوشخو^۱

چکیده



یکی از راه‌های انتقال تجارب و مهارت‌های کنشگری سیاسی در نسل‌های مختلف، آگاهی به تجارب زیسته سیاستمداران است. تجربه بازیگری سیاسی به اقتضای نوع نظام سیاسی در هر جامعه‌ای متفاوت است؛ چرا که ساختارهای نهادی، قانونی و سازمانی نظام‌های سیاسی و از سوی دیگر، ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، دینی و فکری بر شیوه‌های بازیگری سیاسی، قواعد و نیز نتایج و دستاوردهای آن تأثیر می‌گذارد. تربیت سیاسی، به عنوان اولین و مهم‌ترین مرحله در شیوه‌های سیاست‌ورزی حایز اهمیت است؛ به طوری که اقسام تربیت سیاسی بر ویژگی‌های بازیگری سیاسی تأثیر بسزایی دارد که مهم‌ترین نمود آن در رقابت سیاسی آشکار می‌شود. در پژوهش حاضر، با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و به‌کارگیری روش کیفی تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری به روش استراوس و کوربین، مقوله‌های مرکزی دو مفهوم تربیت سیاسی و رقابت سیاسی در ارتباط با تجارب زیسته زنان سیاستمدار ایرانی استخراج شد. در مجموع سه مدل تربیت

مقوله‌های مرکزی دو مفهوم تربیت سیاسی و رقابت سیاسی در ارتباط با تجارب زیسته زنان سیاستمدار ایرانی کدامند؟

^۱دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران

سیاسی پیرو، تربیت سیاسی مبارزاتی، تربیت سیاسی شهروندی مفهوم‌بندی و با دو مدل رقابت سیاسی پنهان و رقابت در اقتدار سیاسی مورد مطالعه قرار گرفتند. در نهایت، تأثیر مدل‌های تربیت سیاسی بر نوع رقابت سیاسی جمع‌بندی و تحلیل شد.

واژگان کلیدی: تربیت سیاسی؛ رقابت سیاسی؛ زنان سیاستمدار؛ سیاست‌ورزی



روش‌شناسی مبتنی بر ارزش‌های جنسیت با تمرکز بر دو مفهوم «عینیت» و «ارزش» در دیدگاه ماکس وبر

سیده آمنه میرخوشخو^۱

چکیده



رابطه روش‌شناسی با مفهوم زنانگی چگونه و مبتنی بر چه مواردی است؟

روش‌شناسی یکی از مهم‌ترین مباحث در رشته‌های مختلف علمی است که به بحث درباره خاستگاه روش، پیامدهای معرفتی کاربست آن و چگونگی فرآیند پژوهش می‌پردازد. مجادلات روش‌شناسی با حوزه‌های دیگر دانش از جمله معرفت‌شناسی و شناخت نیز مرتبط است. از جدیدترین مباحث مطرح در حوزه روش‌شناسی در چهار دهه اخیر، رابطه روش‌شناسی از منظر جنسیت و بویژه از مفهوم «زنانگی» است. مفهوم زنانگی که عمدتاً ارجاع به ویژگی‌های توأمان بیولوژیکی و برساخت اجتماعی دارد، مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه مطالعات زنان در فرآیند تولید دانش، به طور کلی، و دانش اجتماعی، به طور خاص، قرار گرفت که در ارتباط با مباحث روش‌شناسی عمدتاً با نظریه «موضع‌گرایی» شناخته می‌شود. نقطه تمرکز این نظریه، اهمیت بر تجربه زنان در زندگی اجتماعی و تأثیر ساختار سلسله مراتبی آن در فرآیند تولید دانش و پژوهش است؛ با این تأکید که تجربه زنان به مثابه نوعی منبع تولید معرفت از فرآیند ساخت دانش

^۱دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران

کنار گذاشته و سپس در فرآیندهای پژوهش مغفول واقع شده است. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی - تفسیری نشان داده می‌شود که رابطه روش‌شناسی با مفهوم زنانگی، بیانگر ارزش‌ها و موقعیت‌های پژوهشگر در ارتباط با جنسیت است که با تمرکز بر دو مقوله «ارزش» و «عینیت» می‌توان آن را به مثابه امکانی از رویکرد جدید در مباحث روش‌شناسانه دانش سیاسی - اجتماعی تلقی کرد. در اینجا، موقعیت‌مندی پژوهشگر از موضع جنسیت، با مباحث روش‌شناسی ماکس وبر ذیل دو مفهوم «ارزش» و «عینیت» شرح داده می‌شود. سپس به عنوان دستاورد این پژوهش، کاربردی این مفاهیم در ارتقا و غنای مباحث روش‌شناسی و نظریه موضع‌گرایی بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: زنانگی؛ ارزش؛ عینیت؛ نظریه موضع‌گرایی؛ ماکس وبر

بررسی نقش پدران در جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانش‌آموز؛ مطالعه موردی: دختران دانش‌آموز استان اصفهان

مهدی میرزایی قلعه میرزمانی^۱

چکیده

از آنجایی که در جامعه ایرانی دانش‌آموزان و به ویژه دانش‌آموزان دختر، بیشترین اوقات شبانه‌روز خود را در کنار خانواده سپری می‌کنند، بررسی نقش و میزان تأثیرگذاری هر یک از والدین بر جامعه‌پذیری سیاسی فرزندان دانش‌آموز، از اهمیت والایی برخوردار است. از این رو، در این پژوهش سعی شده است تا به طور ویژه، نقش پدران بر جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانش‌آموز مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. همچنین این پژوهش، با روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه انجام شده است و جامعه آماری آن، تمامی دختران دانش‌آموز ۱۲ تا ۱۸ سال استان اصفهان هستند که از میان آنها بر اساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. در این پژوهش



نقش پدران بر جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانش‌آموز چگونه است؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه مازندران. E-mail: mehdimirzaei9574@gmail.

تأثیر متغیرهای مختلفی از جمله میزان استحکام رابطه عاطفی با پدر، میزان نظارت پدر، میزان اختلاف سنی با پدر و پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر بر جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانش‌آموز مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد میان تمامی متغیرهای یاد شده و جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانش‌آموز رابطه معناداری وجود دارد و از بین این متغیرها، متغیر استحکام رابطه عاطفی با پدر بیشترین تأثیر و متغیر میزان نظارت پدر کمترین تأثیر را بر جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانش‌آموز ایرانی دارد.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری؛ جامعه‌پذیری سیاسی؛ دختران دانش‌آموز؛ نقش پدران؛ نظارت پدر

بررسی نقش مردان در جامعه‌پذیری سیاسی زنان مطالعه موردی: زنان متأهل استان اصفهان

مهدی میرزایی قلعه میرزمانی^۱

چکیده



میزان اثرگذاری
همسران بر
جامعه‌پذیری سیاسی
زنان چگونه است؟

جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی است که طی آن یک جامعه ارزش‌ها و ایستارهای سیاسی خود را به تدریج از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. به بیان دیگر، طی این فرآیند و تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله خانواده، محیط آموزشی و ... افراد یک جامعه می‌آموزند چگونه در یک جامعه سیاسی فعالیت کنند و یا آماده زندگی با ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی آن جامعه شوند. از این رو، هدف از این پژوهش مطالعه و بررسی میزان اثرگذاری همسران بر جامعه‌پذیری سیاسی زنان است. جامعه آماری مورد مطالعه، تمامی زنان متأهل ۱۸ تا ۶۰ سال استان اصفهان است که از میان آنها بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به طور تصادفی به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، تأثیر متغیرهای مختلفی از جمله میزان استحکام رابطه زناشویی، میزان نظارت، میزان اختلاف سنی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی همسر بر جامعه‌پذیری سیاسی زنان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه مازندران. E-mail: mehdimirzaei9574@gmail.com

به دست آمده نشان می‌دهد میان تمامی متغیرهای یاد شده و میزان جامعه‌پذیری سیاسی زنان رابطه معناداری وجود دارد و از میان این متغیرها، متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی همسر بیشترین تأثیر و متغیر میزان اختلاف سنی با همسر کمترین اثرگذاری را بر جامعه‌پذیری سیاسی زنان دارد.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری سیاسی؛ زنان؛ نقش مردان؛ پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده؛ اختلاف سنی

حضور زن در عرصه سیاستگذاری: موانع و راهکارها

یحیی میرشکاران^۱
الهام وحیدی^۲

چکیده



موانع موجود بر سر
راه مشارکت سیاسی
زنان کدامند؟

پژوهش حاضر تحت عنوان «تبیین موانع و راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان در ایران» در بین کلیه فعالان حوزه زنان کشور انجام گرفته که در سال ۱۳۹۷ به نوعی مشغول فعالیت در زمینه زنان بودند. این پژوهش به دنبال بررسی و شناسایی موانع موجود بر سر راه مشارکت سیاسی زنان و ارائه آن در قالب یک مدل است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه است. پرسشنامه‌ها به صورت محقق ساخته و بر پایه یک کار کیفی به صورت مصاحبه با نخبگان سیاسی زن تهیه شده است. تعداد نمونه با توجه به سؤالات پرسشنامه ۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری نیز به صورت گلوله برفی است. نحوه سنجش و آزمون هر یک از متغیرهای تحقیق با استفاده از سؤالات بسته، طیف‌های مجموع نمرات و مقیاس لیکرت بود و با توجه به سطوح سنجش هر یک از متغیرها، به وسیله نرم‌افزار SPSS آزمون‌های آماری مرتبط به کار گرفته شد و

^۱ استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی yahyamirshakaran@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس vahidielham@yahoo.com

سپس برای طراحی مدل تحقیق از نرم‌افزار معادلات ساختاری AMOS استفاده شد. چارچوب نظری تحقیق برگرفته از نظریات اجتماعی شدن، رویکرد ساختاری، کارکردی، فمینیستی و رویکرد تضاد است. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که تمامی موانع پنج‌گانه شناسایی شده بر مشارکت سیاسی زنان مؤثر هستند و این اثرگذاری نیز به صورت معکوس است؛ بدین معنا که هرگاه میزان هر یک از موانع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی - روانی و فقهی - حقوقی افزایش یابد، مشارکت سیاسی زنان کاهش می‌یابد و بالعکس. همچنین بررسی برآزش حاصل از معادلات ساختاری نیز گویای این مطلب است که اثرگذاری به دست آمده از موانع پنج‌گانه بر مشارکت سیاسی زنان با اطمینان بالایی منطبق بر جامعه آماری است.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی؛ زنان؛ موانع فرهنگی؛ موانع اجتماعی؛ موانع سیاسی؛ موانع اقتصادی - روانی؛ موانع فقهی - حقوقی

زن و سیاست‌گذاری تحلیلی بر مشارکت سیاسی زنان در ایران

یحیی میرشکاران^۱
الهام وحیدی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ایجاد الگویی پارادایمی از مشارکت سیاسی زنان در ایران انجام گرفته است. روش تحقیق از نوع کیفی است که با تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شده و از تحلیل محتوای استقرایی جهت تحلیل محتوای مصاحبه‌های به عمل آمده استفاده شده است. در این راستا، مصاحبه‌های مورد بررسی به سه صورت (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) کدگذاری شده است. جامعه آماری پژوهش شامل زنان دارای تجربه مشارکت در ساختار سیاسی کشور (دولت، مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده در حوزه زنان) و اساتید دانشگاه است که از این میان با روش نمونه‌گیری هدفمند زنان مورد مصاحبه انتخاب شدند و پس از اجرای ۵۰ مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم. مدل ارائه شده حاکی از آن است که مشارکت سیاسی زنان تحت تأثیر عوامل گوناگونی صورت می‌پذیرد که



عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی زنان کدامند؟ شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی زنان کدامند؟

^۱استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی yahyamirshekaran@yahoo.com

^۲دانش‌آموخته مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس vahidielham@yahoo.com

این عوامل در شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای طبقه‌بندی می‌شود و با در نظر گرفتن پدیده محوری، راهبردها، طرح‌ها و کنش‌هایی جهت مشارکت سیاسی زنان در نظر گرفته شد که خود در قالب پیامدهای این دیاگرام ظهور یافت.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی؛ زنان؛ الگو؛ پارادایم؛ ایران



نقش زنان در حکمرانی خوب: مطالعه موردی پاندمی ویروس کووید - ۱۹

امیرهوشنگ میرکوشش^۱

چکیده



نقش زنان در
حکمرانی خوب
چيست؟ نقش زنان
در مبارزه با پاندمی
کرونا و ویروس چگونه
بوده است؟

حکمرانی سیستم پیچیده‌ای از تعامل میان ساختارها، سنت‌ها، کارکردها و فرآیندها است که بوسیله سه ارزش کلیدی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت مشخص می‌شود. در تعریفی دیگر، حکمرانی خوب کوششی در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارآیی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری است. حکمرانی خوب به دنبال نقش حداقلی دولت و توانمندسازی نهادهای مدنی و بخش خصوصی است. جهان مدتی است که با پاندمی ویروس کووید - ۱۹ موسوم به کرونا روبه‌رو است و کشورهای زیادی با توجه به نوع حکومت و مدیریت با این ویروس در حال مبارزه هستند. به نظر می‌رسد مبارزه با بحران پاندمی در کشورهای مختلف با توجه به نوع حکومت‌ها و نیز سیاستمداران متفاوت بوده است. نقش زنان در این مبارزه نقش مهم و تأثیرگذاری بوده است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که به طور کلی نقش زنان در

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی سمنان، واحد شاهرود E-mail: ammirkooresh@ gmail.com

حکمرانی خوب چیست و به طور خاص در مبارزه با پاندمی کرونا ویروس چگونه بوده است؟ هدف تحقیق اثبات این فرضیه است که به طور کلی زنان در عرصه حکومت و مدیریتی بهتر می‌توانند ویژگی‌های حکمرانی خوب را محقق سازند و به طور خاص در مبارزه با پاندمی ویروس کووید - ۱۹ نیز نقشی مهم و تأثیرگذار ایفا کرده‌اند. روش پژوهش این مقاله کیفی و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تبیینی - تحلیلی است. نگارنده در تلاش است با استفاده از تئوری نقش و بازتعریف این نظریه در مورد نقش زنان در حکمرانی فرضیه مقاله را اثبات کند.

واژگان کلیدی: زنان؛ حکمرانی خوب؛ پاندمی کووید - ۱۹؛ تئوری نقش



سیاست و زنان؛ بررسی مشارکت زنان در سیاست در منطقه خاورمیانه

سیده مسعوده میرمسعودی^۱

چکیده



زنان نیمی از جمعیت هر کشوری را تشکیل می‌دهند و حق دارند در سیاست مثل هر حوزه دیگری مشارکت داشته باشند، ولی زنان در حوزه سیاست در منطقه خاورمیانه به اجبار از این موضوع دور هستند و سهم کمتری را در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارا هستند. اگر هم در طول تاریخ خاورمیانه مشارکت سیاسی داشته‌اند، به عنوان جماعتی در پشت صحنه سیاسی و غیره تأثیرگذار بوده‌اند. سؤال کلیدی این است که چرا زنان با وجود پتانسیل‌های خدادادی و به عنوان افرادی دارای اندیشه و تفکر مساوی با مردان در این حوزه نتوانسته‌اند تأثیرگذار باشند؟ بنابراین، واکاوی دلایل فقدان عملکرد سیاسی زنان در منطقه خاورمیانه که مهد تمدن‌های بزرگ است، در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، اولین دلیل به عدم شناخت زنان از خود و پتانسیل‌های خود و حذف آموزش سیستمیک و عدم اعتماد به نفس آنان در عرصه سیاست برمی‌گردد. دومین دلیل، عدم خواست حکومت‌های مستقر در خاورمیانه برای

چرا زنان با وجود پتانسیل‌های خدادادی و به عنوان افرادی دارای اندیشه و تفکر مساوی با مردان در این حوزه نتوانسته‌اند تأثیرگذار باشند؟

^۱ دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

مشارکت زنان در امر سیاست است. سومین دلیل و مهم‌ترین دلیل، نبود مساوات و برابری جنسیتی در این کشورها و ساختاربندی مردانه سیستم سیاسی این کشورها است. روش پژوهش کیفی، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تبیینی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای اسنادی و بررسی روندها است.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی؛ زنان؛ ساختار مردانه؛ خاورمیانه



بازنمایی رسانه‌ای خشونت علیه زنان مطالعه موردی: قتل رومینا

سیدمحمدحسین میرهاشمی^۱

چکیده



هر رویدادی گفتمان‌ها را وادار به اتخاذ موضع می‌کند و آنها را بر آن می‌دارد که از رهگذر آن رویداد خود را بیان کنند. از این رو، می‌توان هر رویداد را همچون فرصتی پیش روی گفتمان‌ها دید که در پی وقوع آن می‌کوشند با ارائه تصویری مقبول، کارآمدی خود را به نمایش بگذارند. اما از سوی دیگر، همین رویدادها می‌تواند تهدیدی باشند که ناکارآمدی گفتمان‌ها را در ارائه روایتی قانع‌کننده از آنها برملا سازند. اهمیت نقش زنان و چالش‌های پیش‌روی احقاق حقوق آنها رفته رفته چنان اهمیتی یافته که گفتمان‌های مسلط را ناگزیر از بازآرایی خود به منظور پاسخگویی به مسایل مرتبط با آن می‌کند. در این میان، بزنگاه‌هایی وجود دارد که این فرآیند را تسریع کرده و به شاخصی از کارآمدی اقناعی گفتمان‌ها بدل می‌شود. قتل یک دختر نوجوان در بهار ۱۳۹۹ در ایران، موجی گسترده از واکنش‌ها را برانگیخت و پرسش‌های بسیاری را در رابطه با برخی قوانین و پیش‌فرض‌های جامعه پیرامون مسایل دختران

تمهیدات گفتمانی به کار گرفته شده از سوی رسانه‌ها در خشونت علیه زنان چیست؟ رسانه‌ها چگونه از مسایل خشونت علیه زنان برای تثبیت دیدگاه خود پیرامون حقوق زنان بهره می‌برند؟

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه علامه طباطبایی E-mail: mirhaashemi@gmail.com

و زنان در برابر افکار عمومی قرار داد. رسانه‌های داخلی نیز که در زمره مهم‌ترین ابزارهای بازتولید گفتمان‌های مسلط هستند، کوشیدند تا با روایت‌های خود، سمت‌وسوی مطلوب خود را از این واقعه ترسیم کنند. در همین راستا، این پژوهش می‌کوشد با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی لاکلاو و موفه، تمهیدات گفتمانی به کار گرفته شده از سوی این رسانه‌ها را آشکار کرده، بهره‌برداری این رسانه‌ها را از رویداد یاد شده برای تثبیت دیدگاه خود پیرامون حقوق زن نشان دهد. جامعه آماری، کلیه نوشتارهای تحلیلی در بازه زمانی یک هفته پس از این واقعه است و موارد انتخاب شده نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. بررسی برخی از این رسانه‌ها حکایت از آن دارد که این رسانه‌ها بی‌توجه به نقصان‌ها و خلاءهایی که وقوع چنین رخدادهایی را تسهیل می‌کند، از آن برای تثبیت و استقرار هر چه بهتر دیدگاه‌های خود پیرامون موضوعات دیگر بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: حقوق زنان؛ بازنمایی رسانه‌ای؛ تحلیل گفتمان انتقادی؛ لاکلاو و موفه

زمانه تصمیم‌گیری: مطالبات زنان و آینده ایران

سیدعبدالامیر نبوی^۱

چکیده



در سال‌های اخیر، توجه به مسایل زنان در خلال مطالعات و پژوهش‌های علوم سیاسی در ایران افزایش یافته است که بخشی از آن به افزایش سهم دختران و زنان در جمعیت دانشجویی کشور برمی‌گردد. در واقع، افزایش تعداد دختران دانش‌آموز و دانشجو در دو دهه گذشته موجب شده است جامعه ایرانی با مسئله‌ها و پرسش‌هایی درباره مشارکت سیاسی مؤثر زنان، سهم زنان از سمت‌های مدیریتی و رعایت عدالت جنسیتی روبه‌رو شود که نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد و یا به تعویق اندازد. با این حال، تردیدهای پیاپی، عدم شکل‌گیری اراده جمعی و در نتیجه به تعویق افتادن تصمیم‌گیری مناسب در این زمینه، به ویژه در سپهر سیاسی، سبب شده است که هرازگاهی رویدادهای آسیب‌زننده‌ای رخ دهد و نوعی سرخوردگی و خشمی پنهان جامعه را فرا بگیرد که نمودی از آن در افزایش حضور زنان در جنبش‌های اعتراضی دو سال اخیر قابل مشاهده است. به عبارتی، این جنبش‌ها و ناآرامی‌ها نشان‌دهنده بی‌اعتمادی دوسویه و ناامیدی اجتماعی است. به نظر می‌رسد برای کاهش خشم و احتمال خشونت و نیز

راهکارهای پیشگیری از خشم و خشونت زنان در قالب جنبش‌های اجتماعی و نیز افزایش توان اثرگذاری زنان بر فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کدامند؟

^۱ دانشیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی E-mail: nabavi@iscs.ac.ir

افزایش توان اثرگذاری زنان بر فرآیندهای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری، چاره‌ای جز رشد و گسترش گروه‌های مدنی از سوی زنان نباشد. فعالیت چنین گروه‌هایی که ممکن است گاه حالت مبارزه‌جویانه علیه رویه‌ها و سیاست‌های رسمی و دولتی نیز پیدا کند، بیش از هر چیز به رشد احساس مسئولیت اجتماعی در بین همه شهروندان می‌انجامد و موجب می‌شود حس مثبت اثرگذاری پدید آید. باور این مسئله که دموکراسی یک فرآیند تدریجی است که ریشه در احساس مسئولیت اجتماعی دارد و این حس بیش از هر جای دیگری در فعالیت نهادهای مدنی، بخصوص در سپهر سیاسی، متبلور می‌شود، راه را بر بسیاری از انفعال‌ها و ناامیدی‌ها می‌بندد و البته خطر ناآرامی، آشوب و بی‌ثباتی را از کشور دور می‌کند.

واژگان کلیدی: جنبش زنان؛ جامعه مدنی؛ مسئولیت اجتماعی

مطالعه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا (بررسی شاخص CPIA)

صدیقه نصری^۱

چکیده



مشارکت سیاسی زنان به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه بوده و گسترش ادبیات پژوهشی در سراسر جهان شاهدی بر این ادعا است. امروزه بر اساس آماری که نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی به طور سالانه ارائه می‌کنند، نسبت نامتوازن زنان و مردان در کسب مناصب سیاسی، به عنوان یکی از شاخص‌های مشارکت سیاسی در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دیده می‌شود. در این میان زنان در کشورهای خاورمیانه، با توجه به مشکلات ساختاری، فرهنگی و اقتصادی از نابرابری بیشتری رنج می‌برند. این مقاله قصد دارد تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی و مراجعه به داده‌های بانک جهانی به تحلیل دو شاخص عمده در سنجش برابری جنسیتی بپردازد. از این رو، با روش تحلیل ثانویه به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که شاخص حضور زنان و شاخص CPIA چه تأثیری بر افزایش مشارکت زنان دارند؟ و کدام کشورها بیشترین زمینه را برای این مشارکت فراهم کرده‌اند؟

شاخص حضور زنان و شاخص CPIA چه تأثیری بر افزایش مشارکت زنان دارند؟ و کدام کشورها بیشترین زمینه را برای این مشارکت فراهم کرده‌اند؟

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه حکیم سبزواری

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی؛ زنان؛ توانمندسازی زنان؛ ارزیابی نهادی؛ برابری جنسیتی



اخلاق مراقبت و دیگری: امکان‌سنجی عدالت و صلح

رضا نصیری حامد^۱

چکیده



تحقق صلح و عدالت، بدون تعامل و ارتباط مناسب با «دیگری» ممکن نیست. از سوی دیگر، برای آنکه «دیگری» در کانون توجه کنش‌ها و اندیشه‌ورزی‌های مرتبط با سیاست قرار گیرد، تنها نمی‌توان به تجویزهای هنجاری بسنده کرد. الگویی می‌تواند در مسیر ایجاد امکاناتی برای صلح و عدالت مؤثر و مفید باشد که بتواند مبانی مناسبی را برای اخلاق بر اساس هستی‌شناسی و انسان‌شناسی انضمامی و با توجه به واقعیات عینی زندگی انسانی فراهم کند. اخلاق مراقبت که در ابتدا عموماً برگرفته از تأملات زنانه و گرایش‌های فمینیستی بود و با طرح آن از سوی کسانی همچون «کارول گیلیگان» و «نل نادینگر» برای بیان ویژگی‌های اخلاقی و روان‌شناختی زنان کاربرد یافت، در دوران اخیر با تلاش‌های فکری کسانی همچون «ویرجینیا هلد»، «فیونا رابینسون» و دیگران وارد حوزه تأملات مربوط به امر سیاسی نیز شده است. اهمیت اخلاق مراقبت در این منظر، فراتر رفتن از دوگانه‌های کلیشه‌ای و تثبیت‌شده جنسیتی و تلاش برای ارائه الگوهای فکری و عملی است که نه فقط بر مناسبات میان زنان و مردان

بر اساس مفروضات اخلاق مراقبت، مؤلفه‌هایی همچون توجه به موقعیت، رابطه و نسبت بین عاملان سیاسی چگونه است؟

^۱ مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه تبریز

ناظر است، بلکه معطوف به نقدی بر کلیت پارادایم‌های سیاست از جمله اخلاق عدالت و جهانشمولی لیبرالی است. از این رو در این نوشتار، بر اساس مفروضات اخلاق مراقبت، مؤلفه‌هایی همچون توجه به موقعیت، رابطه و نسبت بین عاملان سیاسی مورد توجه قرار گرفته و با بیان نقدهای اخلاق مراقبت بر اصول و ارزش‌های مکاتب اخلاقی پیشین به ویژه اخلاق عدالت، صلح مبتنی بر عدالت از منظری نوین مورد بازخوانی و تأمل قرار می‌گیرد. ویژگی مهم اخلاق مراقبت از این حیث قابل توجه است که با طرح صدای زنانه به عنوان بخشی از گروه‌های حاشیه‌ای جامعه، کاربرد فراجنسیتی آنها را خاطر نشان می‌سازد.

واژگان کلیدی: اخلاق عدالت؛ امر سیاسی؛ زنان؛ موقعیت‌مندی؛ وابستگی متقابل

پیشگیری از خشونت بر علیه زنان در پرتو «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»

امیرحسین نیازپور^۱

چکیده



در پهنه سیاست جنایی، زنان موضوع پیش‌بینی حمایت‌های افتراقی در برابر خشونت هستند. در سیاست جنایی ایران نیز حمایت‌های کنش و واکنش‌مدارانه متعددی از رهگذر جرم‌انگاری، کیفی‌گذاری و به‌کارگیری شیوه‌های پیشگیرانه شناسایی شده است. اما، این حمایت‌ها جنبه افتراقی ندارند و به همین جهت باید تدابیر ویژه‌ای در این زمینه پیش‌بینی شود. از این رو، سیاست‌گذاران جنایی به تدوین لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» برای حمایت افتراقی از زنان مبادرت ورزیده‌اند. در این لایحه، علاوه بر جرم‌انگاری‌های خاص به حمایت پیشگیرانه از زنان در برابر خشونت توجه شده است. تدوین راهبردها و برنامه ملی پیشگیری از خشونت در برابر زنان، تقسیم کار میان نهادهای دولتی و جامعه‌ی در این زمینه و چگونگی به‌کارگیری شیوه‌های پیشگیری فردمدارانه و موقعیت‌مدارانه مانند آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی، مدیریت وضعیت‌های خشونت‌زا برای کاهش شمار ارتکاب خشونت نسبت به زنان از جمله تدابیر شناسایی شده در این لایحه است. با وجود این، شکل‌گیری گفتمان و رویکرد یکپارچه در میان کنش‌گران پیشگیری، ایجاد نظام پیشگیری از خشونت در برابر زنان و اجرا و

تدابیر پیش‌بینی شده در لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» کدامند؟

^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی،

E-mail: a_niazpour@sbu.ac.ir

ارزیابی دقیق تدابیر شناسایی شده بایستی انکارناپذیر در این زمینه به شمار می‌رود. به طور طبیعی، نبود فرآیند پیشگیری این پدیده را با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌کند.

واژگان کلیدی: زنان؛ خشونت؛ پیشگیری؛ سیاست جنایی؛ برنامه ملی



ارتباط میان فرهنگی در سفر زنانه؛ پدیدارشناسی تجربه زنان ایرانی از پیاده‌روی اربعین در عراق

سماء نیسی^۱
محسن بدره^۲

چکیده

یکی از ابعاد جدی تغییر در زیست زنانه، تجربه‌های میان فرهنگی است که در اصل در مسافرت اتفاق می‌افتد. در سال‌های اخیر پیاده‌روی اربعین در عراق به عنوان یک رویداد معنوی تبدیل به بستری برای ارتباطات میان‌فرهنگی برای میلیون‌ها نفر از سراسر جهان شده است. اربعین به عنوان یک خاطره کهن مذهبی که در آن سفر و تجربه زنانه حضرت زینب و دیگر زنان و دختران اهل بیت (سلام‌الله‌علیهم) برجستگی و اصالت دارد، زمینه‌ای را برای ملاقات، گفتگو، فهم متقابل و یادگیری زنان مسلمان از کشورهای مختلف فراهم کرده است. از آنجا که این زنان از فرهنگ‌های مختلف می‌آیند و هویت‌های زنانه و سپهرهای جنسیتی متفاوتی را نمایندگی می‌کنند، مواجهه آنها با همدیگر و دوستی‌ها و بعضاً تعارضاتی که میان آنها شکل می‌گیرد، می‌تواند آنها را برانگیزاند تا تصویری را که از خود و دیگری دارند بازبینی کنند. این امر به



تجربه زیسته زنان ایرانی از پیاده‌روی اربعین در عراق به چه صورت است؟

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا E-mail: samaanaissi@gmail.com

^۲ عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا E-mail: m.badreh@alzahra.ac.ir

طور خاص می‌تواند در تعامل زنان ایرانی زائر با زنان عراقی که همسفر آنان در طول پیاده‌روی و یا میزبان آنان در بین راه و در شهرها هستند، از اهمیت خاصی برخوردار باشد، زیرا دو کشور در دهه ۱۹۸۰ میلادی جنگ بسیار سختی را تجربه کرده‌اند که آثار تلفات انسانی آن هنوز به طور واضح محسوس است. بهر حال، این پژوهش بر آن است تا با روش کیفی و با ترکیبی از پدیدارشناسی روان‌شناختی و خودمردم‌نگاری (Auto Ethnography) و با ابزار مصاحبه، تجربه زیسته زنان ایرانی از پیاده‌روی اربعین در عراق را کاوش کند. نمونه‌گیری این پژوهش برای مصاحبه به روش گلوله برفی است و زنانی که برای گفتگو انتخاب می‌شوند مورد مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته قرار می‌گیرند. سپس مصاحبه‌ها تحلیل محتوای کیفی شده، با لحاظ داده‌های مردم‌نگاری، نگارش نهایی اثر صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، زنان، ارتباط میان فرهنگی، پیاده‌روی اربعین

زنان و معمای توانمندسازی یا سلطه‌پذیری در ایران رهیافتی انتقادی

شکیباسادات هاشمیان^۱
سعید گزرائی^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر تبعیض و نابرابری جنسیتی علیه زنان به گفتمانی رایج در عرصه جهانی تبدیل شده و توجه اندیشمندان و دولتمردان را جلب کرده است. در سراسر جهان، زنان با محدودیت‌های ناشی از تبعیض و نابرابری جنسیتی و عدم دسترسی یکسان به فرصت‌ها، امکانات، منابع قدرت و اثرگذاری در جامعه روبه‌رو بوده‌اند. در برخورد با این وضعیت مجامع بین‌المللی راه‌حلهایی پیشنهاد کرده‌اند که خط‌مشی توانمندسازی زنان از آن جمله است. در ایران نیز این خط‌مشی مورد توجه قرار گرفته و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی از سوی مراجع ذی‌ربط انجام شده است، ولی شواهد عینی نشان می‌دهد وضعیت زنان چندان مطلوب نیست. به گزارش مجمع جهانی اقتصاد، در سال ۲۰۱۴ ایران در زمینه تبعیض جنسیتی در میان ۱۴۲ کشور رتبه ۱۳۷ و جایگاهی پایین‌تر از عربستان

چرا با وجود طرح‌ها و اقدامات انجام‌شده برای توانمندسازی زنان، همچنان شاهد فرودستی و سلطه‌پذیری زنان در ایران هستیم؟



^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد E-mail: hashemian1146@gmail.com
^۲ نویسنده مسئول، عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد E-mail: gazerani. saeed@gmail.com

داشته است. بر این اساس، پرسش اصلی این است که «چرا با وجود طرح‌ها و اقدامات انجام‌شده برای توانمندسازی زنان، همچنان شاهد فرودستی و سلطه‌پذیری زنان در ایران هستیم؟» در پاسخ به این پرسش، فرضیه اصلی این است که «علاوه بر عوامل ساختاری، ترکیب هم‌افزای عوامل آموزشی، فرهنگی و اعتقادی با ایجاد آگاهی کاذب موجب تثبیت ذهنیت فرودستی و در نتیجه سلطه‌پذیری زنان شده است». برای آزمون فرضیه از داده‌های کمی و کیفی موجود و برای تحلیل داده‌های کمی از روش «تحلیل انتقادی» و برای تحلیل داده‌های کیفی از «تحلیل درونمایه‌ای» استفاده می‌شود. رهیافت نظری مقاله نیز مبتنی بر اصول و مفاهیم نظریه انتقادی است.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی؛ سلطه؛ صنعت فرهنگ؛ مشروع‌سازی؛ نظریه انتقادی

قوانین حمایتی منع خشونت علیه زنان؛ مطالعه موردی قانون منع خشونت خانگی اقلیم کردستان عراق

آزاد عبدالقادر ولدبیگی^۱

چکیده

خشونت علیه زنان و بالاخص خشونت خانگی در زمره جرایمی هستند که از بدو تاریخ در جوامع بشری وجود داشته‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم، موضوع منع خشونت علیه زنان بیش از پیش مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت و در این زمینه کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان به تصویب رسید. همچنین کمیته منع تبعیض علیه زنان سازمان ملل از تمامی کشورهای عضو درخواست کرد که نسبت به تصویب قانون منع خشونت علیه زنان اقدام کنند. در راستای تعهدات بین‌المللی، دولت عراق در این زمینه و اقلیم کردستان هم به عنوان بخشی از عراق، به منظور جلوگیری از استمرار خشونت خانگی علیه زنان در اقلیم کردستان و در پی تلاش و فشار سازمان‌های بین‌المللی و محلی حقوق بشری و حقوق زنان به منظور بهبود وضعیت زنان در اقلیم، قانون منع خشونت خانگی از سوی پارلمان اقلیم به تصویب رسید. اقلیم کردستان تنها منطقه‌ای در عراق است که از چنین قانونی برخوردار است. به



کاستی‌های قانونی،
اجرائی و نهادی
قانون منع خشونت
خانگی در اقلیم
کردستان کدامند؟

^۱ کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی، اربیل، اقلیم کردستان عراق

رغم اینکه وجود چنین قانونی به نوعی پیشرفت در زمینه منع خشونت علیه زنان و حفظ حقوق آنان محسوب می‌شود، اما با این حال هنوز کاستی‌های فراوانی در متن قانون، اجرای قانون و نهادینه کردن قانون وجود دارد. در این مقاله با رویکردی توصیفی، تحلیلی و انتقادی قانون مذکور را مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: اشکال خشونت؛ تبعیض جنسیتی؛ جرم‌انگاری؛ حقوق بین‌الملل بشر؛ سازوکارهای حمایتی



بررسی سیاست‌های اثرگذار بر مطالعات زنان پس از انقلاب اسلامی با تکیه بر روش آینده‌پژوهی

سمانه یحیی‌پور کومله^۱

چکیده



نحوه و میزان تأثیرگذاری هر دوره سیاسی بر وضعیت زنان چگونه بوده است؟

مطالعات زنان به عنوان دانشی جوان و پویا با تلفیق دانش آینده‌پژوهی در پیشرفت و اصلاح کاستی‌ها در جوامع نقش مهمی ایفا می‌کند. بررسی روندها و رویدادهای هر جامعه در بهبود و ارتقای جایگاه زنان از الزامات پیشرفت و توسعه است که برنامه‌ریزی در جهت تبدیل وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را قابل دستیابی می‌کند. مقاله حاضر یکی از دستاوردها و نتایج پژوهشی در موضوع آینده‌پژوهی مطالعات زنان در ایران است. بر اساس پژوهش انجام شده، سیاست‌های حاکم پس از انقلاب اسلامی بر جایگاه زنان تأثیرات بسزایی داشته است. بررسی اسناد و قوانین وضع شده در هر دوره نشان می‌دهد، ارتقا و بهبود شرایط زنان در جامعه ایران حائز اهمیت بوده، اما نوع نگرش و تصمیمات اخذ شده تفاوت‌های قابل توجهی داشته‌اند. این پژوهش با تکیه بر مبانی و رویکرد آینده‌پژوهی، بررسی و تحلیل اسناد و قوانین وضع شده در هر دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی، نحوه و میزان

^۱ کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه خوارزمی تهران

تأثیرات هر دوره سیاسی بر وضعیت زنان را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است و در نهایت پیشنهادات و راهکارهایی در مسیر دستیابی به سیاستگذاری اثربخش فارغ از سیاست‌زدگی ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی؛ روندها؛ رویدادها؛ زنان؛ وضعیت مطلوب



بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب فارسی (بخوانیم) پایه اول دبستان در ایران

سمانه یحیی‌پور کومله^۱

چکیده



بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب فارسی پایه اول دبستان چگونه است؟

کتاب‌های درسی از ابتدایی‌ترین ابزار و ملزومات آموزش و انتقال مفاهیم هستند. تصویری که دانش‌آموزان در ابتدایی‌ترین مرحله آموزش از نقش‌های جنسیتی دریافت می‌کنند، در تعریف آنها از خود و پذیرش نقش‌های مرتبط با خود و کسب هویت جنسیتی تأثیرگذار است. این موضوع در دانش‌آموزان دختر پررنگ‌تر است. این پژوهش با هدف بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب فارسی (بخوانیم) پایه اول دبستان، چاپ نهم ۱۳۹۸ در نظام آموزشی ایران و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. واحد تحلیل، متن، تصاویر، پرسش‌ها و تمرین‌ها در نظر گرفته شده است. بررسی تصاویر و محتوای این کتاب درسی نشان می‌دهد نحوه معرفی نقش‌های جنسیتی به دانش‌آموزان پایه اول دبستان و بویژه برای دختران چگونه مورد توجه قرار گرفته است و مفاهیمی که از هویت جنسیتی به دانش‌آموزان جامعه ما منتقل می‌شود تا چه اندازه با تحولات و آگاهی عصر حاضر

^۱ کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه خوارزمی تهران

تناسب دارد. در نهایت، ضمن تحلیل و بررسی نتایج به دست آمده، پیشنهادهاتی برای بهبود تألیف کتب درسی متناسب با جامعه رو به پیشرفت و تحول ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: هویت جنسیتی؛ برنامه‌درسی؛ سیاست‌های آموزشی؛ نظام آموزشی؛
دختران



WOMEN'S ROLE IN THE COLLECTIVE WATER MANAGEMENT IN COASTAL BANGLADESH: A CASE STUDY OF POND SAND FILTER SYSTEM

Muhammad Badrul Hasan¹

Abstract



What are the nature and impact of the kinds of women's role in the functionality of rural drinking water system?

The durable functionality of a rural drinking water system (RDWS) largely depends on contribution from both men and women in its management mechanisms in developing countries. However, the effectiveness of women's contribution is still unclear. Drawing from a case study of an RDWS in South western Bangladesh, this study, therefore, attempts to investigate the nature and impact of the kinds of women's role in the functionality of RDWS. Combining insights gained from theory on institutions for collective action in the context of shared resource systems, we develop a set of requirements presumed necessary for guaranteeing collective action among the RDWS users. We apply this framework to empirically explore if, how, and why women's contribution targets these requirements, and whether this support influences organization of collective

¹ Assistant Professor, Department of Political Science, University of Dhaka, Bangladesh, Email: badrulhasan@du.ac.bd



action. To this end, we examine 30 cases where women more or less contribute to the collective management of pond sand filter (PSF) systems in coastal Bangladesh. We collected data through group surveys with users; informal interviews with local elites; and by reviewing existing literature. We find that women's contributions positively influence the requirements of collective action. The findings of the study are likely to help the policymakers to optimize the implementation strategies for rural drinking water systems in Bangladesh and elsewhere of the developing countries.

Keywords: Collective Water; Management; Women; Bangladesh

FUNDAMENTALS AND REQUIREMENTS OF METHODOLOGY IN WOMEN'S STUDIES

Shahla Bagheri¹

Abstract



What are the fundamentals and requirements of methodology in women's studies branch of science?

In this article, assumptions, presuppositions, the logic of a methodological analysis, and the power of its response to social issues are discussed critically. Although it has not been long since the establishment of women's studies in the Iranian universities, preliminary studies and teaching experiences of teachers in this field indicate that the topics of some courses and the content of educational materials lack the necessary coordination with the requirements of the field of study and requirements of the society. From the sociology point of view, the launch of any new discipline and the introduction of subject topics inevitably have a coherent and comprehensive relationship with the temporal and spatial conditions of the society. The need to develop new courses and revise teaching methods is to be noted. In addition to being a fundamental and important principle, it can provide a platform for the confidence of enthusiasts and students to provide realistic

¹ Associate Professor, Kharazmi University



methodologies. As a basic measure, the need to design indigenous methodology in the Iranian society has been addressed and the characteristics of indigenous methodology based on scientific principles and relevant arguments have been presented. Methods that demonstrate their efficiency and scientific adequacy by understanding the temporal and spatial conditions of the society should identify and resolve women's issues, and at the same time, provide the necessary scientific strengths and weaknesses to this field.

Keywords: Gender; Indigenous Methodology; Philosophy of Science; Social Sciences; Women's Studies



THE ROLE AND PRESENCE OF WOMEN IN THE RUSSIAN LEGISLATIVE PROCESS AFTER THE COLLAPSE OF THE SOVIET UNION (Case Study: Duma)

Aref Bijan¹

Abstract



How have the Russian women participated in the last three rounds (2007, 2012, and 2016) of the Duma parliamentary elections?

In the post-Soviet era, the position of women in Russian society remains at least as problematic as it was in previous decades. The Soviet constitution of 1977 stipulated that men and women have equal rights, and that women have equal access to education and training, employment, promotions, remuneration and participation in social, cultural and political activity. One of the pillars of legislation in Russia is the Duma. The presence of women in this parliament has faced many ups and downs. Women's higher profile in post-Soviet Russia has also extended to politics. At the national level, the most notable manifestation of women's new found political success has been the Women of Russia party, which won 11 percent of the vote and twenty-five seats in the 1993 national parliamentary elections. Russia is in a transitional phase shifting from one type of society and culture to another; one based on the principles of a free market economy. The Russian experience

¹ PhD candidate in Political Science and Area Studies, Department of Political Science, Saint Petersburg State University, Saint Petersburg, Russia, Email: st082323@student.spbu.ru

is interesting for all newly independent states of the former Soviet Union, since the main trends are similar in most of the former Soviet republics. Throughout history, the role of women in society has repeatedly varied according to political conditions and discourse, for serving the interests of those in power. Contemporary Russia is hardly an exception to this general tendency. Putin's paternalistic leadership celebrates concepts such as virility, strength and power. The main question of this research paper is how the Russian women participated in the last three rounds (2007, 2012, and 2016) of the Duma parliamentary elections. In response, it should be noted that although the presence of women in the Duma has faced problems, the evidence shows that women have been able to achieve success in the past. In this article, descriptive-analytical method is used to examine the role and presence of Russian women after the collapse of the Soviet Union in Duma.

Keywords: Duma; Legislation; Putin's government; Russia; Role of Women



THE ROLE OF WOMEN IN THE POLITICAL AND ECONOMIC STRUCTURE OF SOCIETY; IRAQI KURDISTAN AS A CASE STUDY

Ribaz Chato Biro¹
Zhila Nuri Saeed²

Abstract



How is the participation of women in the process of decision-making of the Kurdistan Region of Iraq? What are its outcomes?

The development of women's rights in the economic and political sphere can grow societies. Their participation in the policy-making processes at the national and provincial levels produces useful norms and policies for the whole society. Moreover, for their involvement within the political and economic contexts, a high level of fundamental skills and education is needed. A crucial point for them is to be aware of the action plan and tactics to enhance the well-being of the society and country as a whole. This study investigates the participation of women in the process of decision-making of the Kurdistan Region of Iraq (KRI) and its outcomes. However, the steps that the KRG has taken to pave the way for the women's participation in these contexts are fully described. The data used in this study collected throughout a review on the literature of published books, review articles, document analysis, and official government websites. The

¹ M.A in International Relations, Soran University, Kurdistan Region, Iraq, E-mail: ribaz.biro@soran.edu.iq

² B.A in International Relations, Soran University, Kurdistan Region, Iraq, E-mail: zhila.saed@soran.edu.iq



findings of this paper elaborate that the Kurdish women had the option to shape their associations, which in result a few ladies run high positions in the parliament and government in Kurdistan. Furthermore, the KRG has realized that at the point when more ladies work, economies develop. The more women empower in the economic sector, the more productivity will appear.

Keywords: Gender Equality; Iraqi Kurdistan; Women Empowerment; Women's Rights

A THOUSAND PETITIONS; A SINGLE DEMAND

A Demand for Equal Citizenship Rights and Recognition Reflections on Women's Petitions during the Constitutional Period

Simin Fasihi¹

Abstract



What does the analysis of the content of the women's petitions demonstrate?

There is some literature about the many petitions that were submitted to the Majlis in the early Constitutional period, including women's petitions. Little, however, has been done in terms of analyzing the content of women's petitions in terms of citizenship rights and recognition. This paper will analyze the content of these petitions and will demonstrate that despite the specific content of these petitions – largely centered on financial claims, property disputes, defense of individual and family rights, their form of presentation and in particular the content of these petitions point to their significance in terms of women's perceptions of their own position as citizens of a new form of government. While at times they employ the dominant culture of women as inferior (often in an ironical mode), in other petitions they use a stronger and more challenging alternative culture. The paper will conclude with some reflections about women in

¹ Assistant Professor, Faculty of Literature, Languages and History, Alzahra University, E-mail: fasihi@alzahra.ac.ir

this period as modern subjects demanding their equal citizenship rights and recognition – an unfinished project.

Keywords: Petition; Equal Citizenship; Women; Constitutional Period; Majlis

A COMPARATIVE AND FEMINIST STUDY OF THE INHERITANCE OF LOSS BY KIRAN DESAI AND THE WHITE TIGER BY ARAVIND ADIGA

Roya Fattahpour¹

Abstract



Whether India's traditional gender norms reflected in literature are transformed and if so, to what extent?

The aim of this study is to have a feminist and comparative reading of Kiran Desai and Aravind Adiga's novels, the *Inheritance of Loss* and the *White Tiger*, based on Judith Butler's theory of gender. Both novels are from the same age, written in 2000s. The authors also are from the same generation of Indian writers with similar backgrounds, and their importance in Indian literature lies on their being awarded the Booker Prize for the novels selected to be studied. Literature is a reflection of reality while affecting the culture and norms governing the people simultaneously. As a country whose policy, especially after independence, has emphasized equity in social structure, India is expected to have succeeded, even if slightly, in eliminating the male/female binaries and fading the gender norms. The question raised here is whether India's traditional gender norms reflected in

¹ M.A Student of India Studies, Tehran University, E-mail: roya.fattahpour@gmail.com



literature are transformed and if so, to what extent? Analyzing these novels is a suitable way to answer this question. The data needed is collected from the novels and other library sources. The methods used are feminist and comparative. Firstly, the writing style of the authors and the extent to which the authors are affected by patriarchy are studied. Second, the position of women compared to that of the men is examined while the sex-related binary oppositions, gender roles, gender stereotypes and the parts where these are deconstructed, if there is any, are highlighted. Third, how Desai, as the female writer depicts its male and female characters is compared and contrasted with that of Adiga, the male one.

Keywords: The Inheritance of Loss; The White Tiger; Judith Butler; Gender; patriarchy; India; Desai; Adiga

IRANIAN WOMEN: THE POLITICS OF UNDER-PRESENCE

Simin Hajipour Sardue¹

Abstract



What factors affect the political presence of Iranian women in the parliament? How can we promote the Iranian women's presence in the Islamic Consultative Assembly?

The under-representation of women in national parliaments is a global concern, but the Middle East lags far behind other regions in the world. According to the Inter-Parliamentary Union, Asia is ranked as the third-lowest region in the world in terms of percentage of women in parliaments. In Iran, situated among Asian countries, women represented in parliament are not in proportion to the women population of the country. The political status of Iranian women is therefore a critical issue. This case study focuses upon the political presence and participation of Iranian women in parliament and is going to answer the questions what factors affect the political presence of Iranian women in the parliament and how we can promote it. The data are mainly provided from interviews with female members of parliament and representatives from political parties. The overarching theoretical frameworks used in the thesis consist of descriptive and substantive democracy and a new theory called

¹ Ph.D, Political Science, Islamic Azad Univeristy, Tehran Central Branch, E-mail: s_binesh@yahoo.com

“the Politics of Under-Presence” proposed by the researcher. The paper argues that major obstacles for the presence of women in parliament are public and political parties’ opinion, the electoral system, economic and socio-cultural factors. This case study describes that gender quota mechanism is highly controversial in Iran, while it is the best solution.

Keywords: Iran; Parliament; Women’s Political Representation; the Politics of Under-Presence; Gender Quota



SAVING THE CITY BY WOMEN IN CAIRO

Seyedeh Roghayeh Hasani Chenar¹

Abstract



How the theory of Tourain can be applied on the phenomenon of “saving the city” in Cairo?

This article explains a phenomenon in a contemporary African city, Cairo. The phenomenon or social reality is (as Tourain calls it) saving the city. The author of this article argues that women in Cairo saved the city from being an absolute masculine city. The idea of saving the city is originally for Daphne Spain whose works in the field of urban planning and gender studies are insightful. The study uses the tools of Allain Tourain theories in the new paradigm and new social movements. Tourain’s main idea in new paradigm is that we cannot analyze social reality in political terms anymore. To him, the paradigm of this era is the cultural one instead of economical, social or even political. This paper tries to apply this theory on this phenomenon (saving the city). The existence of millions of educated women in Cairo, women’s health clinics, many parks, coffee shops, internet Café’s and other public areas where women can commute easily shows that the city is not absolute masculine anymore. That is while the

¹ M.A in Middle East Studies, Allameh Tabatab’i Univeristy



state of the country has not been a democratic one. Women's impressive presence in Cairo's public place just will be explained if we accept Tourain's view about our era saying that we live in the cultural era instead of political or economical one.

Keywords: Egypt; Women; Gendered Spaces; Women's Movement



THE ARAB WORLD AND WOMEN'S POLITICAL PARTICIPATION IN THE 21ST CENTURY; DIASPORA OF THE HIDDEN BEHIND CURTAINS

Mozafar Hasanvand¹

Abstract



What is the status of Arab women's political participation in the current decade (2010-2020)? What are the most important problems and obstacles at both structural and agency levels?

The transition to the developmental stage is a multifaceted, complex, and multi-factorial process. Paying attention to women's capabilities is one of the inevitable factors for achieving political development. The Arab world has experienced many dramatic changes over decades and many achievements in increasing women's political participation especially in the countries bordering the Persian Gulf, Tunisia and Jordan have been achieved. Arab women have played a significant role in the process of reform, transformation, protest, and new revolutions, such as the 2011 developments and among the new Arab nationalists, leftists, and liberals, women have far more roles than ever before. However, in a state of transition to development and transitional stage in Arab world, given the Plurality and growing population number of women, there are several restrictions and

¹ Ph.D Candidate of Political Science, Political Thoughts, Shiraz University, Email: mhasanvand@shirazu.ac.ir



problems to establish women's political participation. Despite all the achievements, it must be said that effective institutions and structures in power still are not willing to accept the real presence of women in the political arena. However, in the main question of the present study is: what is the status of Arab women's political participation in the current decade (2010-2020)? And in this regard, what are the most important problems and obstacles at both structural and agency levels? To answer this question, this hypothesis has been proposed that, despite many political, legal, social and cultural achievements, contexts and conditions for consolidation, continuity and regular presence of Arab women is not provided and Arab women continue to be considered as the hidden behind curtains. The findings, however, show that although the importance has been placed on the role and participation of Arab women, but the issue is more superficial and lacks real principles. The fact is that the Arab world could not yet achieve a mechanism to institutionalize women's participation increase in politics and the Arab woman more than anything have taken the diaspora condition. The research method is descriptive-analytical and data collection method is from library and most prestigious global reports and Arabic and English resources.

Keywords: Arab World; Political System; Political Participation; Arab Women; Diaspora; Tradition and Modernity



IRANIAN WOMEN'S PARTICIPATION IN POLITICS: CONSTITUTIONAL RIGHTS, ACTUAL BARRIERS & SUGGESTED SOLUTIONS

Jaleh Hassaskhah¹

Abstract



To what extent are political rights for women utterly pronounced in the Iranian constitution? What are the actual barriers that hinder Iranian women's political inclusion in the country's political structures and

Women's participation in political decision-making process is both a global benchmark for assessing degree of political rights granted to all citizens in a country and a scale for predicting the sustainability of economic and social empowerment in that context. Such significance persuades most democratic countries to constantly review their current status to ascertain that no one of their citizens, including women, is either under- represented or excluded from the political arena. To this end, this study examines the extent to which political rights for women is utterly pronounced in the Iranian constitution, and then, in the light of those constitutional acts that unequivocally support women's political inclusion, explores the actual barriers that hinder Iranian women's political inclusion in the country's political structures and decision -making processes. It is hoped that on the basis of lived experiences, we would get the

¹ Ph.D., Associate Professor of TEFL, ELT Department, University of Guilan

decision-making processes? due strategies and solutions that may affect policies and help successful future reforms in the institutional design.

Keywords: Political Participation; Constitution; Women's Constitutional Rights; Barriers; Solutions



EFFECTIVENESS OF INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS ON WOMEN'S RIGHTS

Marzieh Hojaji¹
Massimo Papa²

Abstract



Whether international human rights law has taken effective measures for equal guarantee of women's rights? What opportunities do international human rights provide for the promotion of the

For centuries, women have struggled for their rights to be recognized. It took long time to recognize violence against women and gender-based violence as a human rights concern. In 1948, Universal Declaration of Human Rights clearly described the inalienable and inviolable rights of all members of the human family. The United Nations, as the most important international organization, has played an important role in recognizing and promoting women's rights across the world in recent decades. In this regard, several international and regional documents have been adopted and various international institutions and conferences have been formed. The Universal Declaration of Human Rights commits nations to recognize "equal respect for the dignity and rights of all human beings, regardless of nationality, place of

¹ Ph.D Candidate in Right and Protection: Contemporary Experience, Comparison, Roman Law System, TorVergata University, Rome, E-mail: mhojaji2000@gmail.com

² Professor of Islamic Law and Islamic Countries, TorVergata University, Rome, E-mail: massimo.papa@uniroma2.it



status of
women?

residence, sex, national or ethnic origin, color, religion, language or any other status. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, as the international bill of rights for women, is one of the key international agreements that guide the work of UN Women in achieving gender equality and empowering all women and girls. The Committee on the Elimination of Discrimination against Women regularly reviews the process on elimination of discrimination against women. At the regional levels treaties as: the African (Banjul) Charter on Human and Peoples' Rights, the Charter of the Organization of American States, The European Convention on Human Rights, Arab Charter on Human Rights and, especially in the field of women's rights, the states are bound to international human rights law and, in particular, to the women's human rights with the respect to the principle of gender equality through the treaties they ratified. This essay by examining human rights instruments at the international and regional levels, will argue whether international human rights law have taken effective measures for equal guarantee of women's rights and explore the opportunities of international human rights to promote the status of women? The present study uses a descriptive-analytical research method and examines the performance of the United Nations in the field of women's rights.



Keywords: United Nations; Human Rights; Women's Rights; Gender Equality; Gender Discrimination



OPPRESSIVE SOCIALIZATION AND WOMEN'S AUTONOMY

Noemi Magnani¹

Abstract



Can a woman who follows traditional gender norms and lives a conventional life (by the standards of the community to which she belongs) be autonomous?

In this paper, I will address the following question: can a woman who follows traditional gender norms and lives a conventional life (by the standards of the community to which she belongs) be autonomous? My hypothesis is that she can, provided certain conditions, be in place. Some philosophers have argued that an individual is autonomous if she is capable of self-reflection and her preferences and desires have been developed in the absence of coercion and manipulation. Others contend that desires formed under the influence of oppressive socialization cannot be regarded as autonomous, and that a woman's resulting attitudes run so deep that even the knowledge of their origin is not enough to undermine them. One problem with the latter account is that it forces us to make normatively substantive judgments about women's preferences and choices which may clash with respecting women's own judgment and, ultimately, their (perceived) autonomy. This

1 Ph.D in Philosophy, Birbeck, University of London, E-mail: nmagna01@mail.bbk.ac.uk



seems troubling, especially in a multicultural world where adherence to cultural norms could mean more than blind subservience. While agreeing that there is a reason to worry about oppressive socialization, I aim to defend a procedural notion of autonomy that uses self-reflection as its starting point. This notion of autonomy is constitutively relational and consists of four necessary components: minimal rationality; ability to reflect freely on one's preferences and desires; availability of an adequate range of alternatives; and answerability. I hope to show that, under the right conditions, a woman who chooses a traditional life can still exercise a degree of autonomy – even if her choices do not coincide with the ones defenders of substantive notions of autonomy would want her to make. To reach this conclusion, I will follow the theoretical method of philosophical investigation, analyzing different arguments and supporting my own conclusion with reasoning and examples.

Keywords: Autonomy; Oppressive Socialization; Philosophy and Gender; Cultural Norms

ARAB POSTMODERN THINKERS AND THE CONCEPT OF WOMEN'S POLITICAL ACTION AND PARTICIPATION

Nafiseh Nikbakht¹

Abstract



What is the general viewpoint of postmodern Arab thinkers on the issue of women's political action and participation?

The women's movement and their politico-social role in Islamic societies substantially differ from women's issues in the Western world. This literally means that feminist concepts must go beyond their Western framework and be adapted to the context of Islamic nations. Such an attitude seems to be more prevalent in postmodern thought; because this method of thinking makes it possible to deconstruct and evolve concepts. Deconstruction is also likely to smooth the process of changing the presumptions about Nass (textual proof) and Sunnah (traditional practice) which are the main sources in Islamic jurisprudence. Therefore, this article seeks to investigate the general viewpoint of postmodern Arab thinkers on the issue of women's political action and participation. The method used is to analyze the content, texts and narrations of the late well-known Arab postmodern thinkers in the field of women's rights.

¹ M.A of Political Science, Tarbiat Modares University

Keywords: Islam; Women's Movement; Deconstruction; Nass; Sunnah

AN ANALYSIS OF APPROACHES APPLIED TO ADDRESS THE SURGE OF DOMESTIC VIOLENCE DURING THE COVID 19 PANDEMIC

Ana Yousefian¹

Abstract



Whether the measures taken during the pandemic to protect the victims have been viable enough to provide a framework on legal and social basis?

Covid-19 provided a benchmark for various issues both at international and national arenas, among which “Domestic violence” against women was profound and dreadful. As a result there came various responses from many countries regarding tackling this vital issue by the intervention of national and governmental agencies and the NGOs. This paper tries to assess different approaches that were taken to mitigate this secondary pandemic, by focusing on regions like MENA, Europe, and Latin America that experienced the highest rates. It is hypothesized that most of the steps taken by different governments were on a trial and error base and in other words were ad hoc reactions to contain this pre-existing challenge in different societies. However, these approaches might lay the groundwork for the development of indispensable preventive measures in the future.

¹ Research fellow at the Institute for Middle East Strategic Studies, PhD candidate of International Relations, Islamic Azad University, Tehran central branch



On that account, this paper will examine the legal and social capacities through which the root causes of gender based violence might be eradicated. In other words, the research question is whether the measures taken during the pandemic to protect the victims have been viable enough to provide a framework on legal and social basis. The research method is an analytical one, considering the data collected via published literature sources, documents and reports.

Keywords: Covid-19; Domestic Violence; Legal Capacity; Social Capacity; Preventive Measures

CAUSES OF THE FORMATION OF FEMINIST MOVEMENTS IN WEST ASIA

Case Study: Iran, Turkey and Saudi Arabia

MarjanYousefpour¹
Ali Soltani²

Abstract



What could be the causes and roots of feminist movements in the West Asian region?

According to Herbet Bloomer, a social scientist, a social movement is an attempt to transform a particular part of a society's relations or to make a big, unguided change in social relations with the participation of many people. Based on this definition, the activity of women in the last few centuries can be called the women's movement. With the industrialization of western societies, we have witnessed great changes in the West, which have become commonplace around the world today. Until the late nineteenth century, westerners were keen to move into a world called modernization, but from the early twentieth century onwards, other nations of the world were invited to embrace western culture and civilization. The feminist movement, as an intellectual movement, had positive consequences at the beginning of its formation.

¹ M.A of International relations, Islamic Azad University, Shahreza

²Ph.D Candidate of International Relations, Islamic Azad University, Isfahan, Khorasgan

The goal of this organized movement is not just the realization of women's social equality, but feminism dreams of repelling all forms of discrimination. One of the oldest and most influential of these movements is the West Asian Women's Movement, which has generally been more dynamic and well-known since the nineteenth century. In most parts of the West Asia, the women's civil movement can be traced back to the last century and in some parts of the world it has been marked by significant gains, although the fate of millions of women remains bitter in West Asia. Although feminism in the West is the product of needs such as equal rights for men and women and equal political rights, there are other reasons for the rise of feminism in the West Asian region. The present study emphasizing on Iran, Turkey and Saudi Arabia, seeks to answer the question of what could be the causes and roots of feminist movements in the West Asian region? The research hypothesis is based on the fact that the patriarchal system governing the West Asian region, social historical contexts such as colonialism, nationalism, religions and modernization, are factors impacting the formation of feminist movements in these three regions. The approach of this research is descriptive-analytical. The findings of the study show that the roots of the women's movement in Iran, Turkey and Saudi Arabia go back to the constitutional revolution, the



declaration of the Turkish secular republic and the recent decades of political activities of Arab leaders. In all three regions, however, with very obvious differences, it is following a path of freedom for women in West Asia.

Keywords: Feminist Movement; Feminism; West Asia; Iran; Saudi Arabia; Turkey

ISLAMIC FEMINISM; AN ONWARD OPPORTUNITY TOWARDS DEVELOPMENT OF WOMEN'S RIGHTS

Monireh Zahedi Galougahi¹

Abstract



Why and how the recurring scientific and interdisciplinary discourses on Islamic feminism can open a suitable path to develop women's rights and ultimately social development in Iran?

Like other movements whose nature is the result of dissatisfaction with their status, the reason for the rise of feminism was nothing but the reaction of women to institutionalized discrimination. Islamic feminism, which derived from the desire of Muslim egalitarian women for gender discrimination is the product of women's historical absence in the field of interpretation (as they say) and is a newly founded phenomenon, arose in front of Islamic classical jurisprudence and seeks its goals via dynamism of Figh. Whereas analyses of this young knowledge in scientific circles is highly essential to pave the way for positive cooperation between Islam and feminism with the aim of developing women's rights in Islamic societies, this ideology has alternatively been the target of attacks by traditional Islamists, political extremists, and radical secularists. This article does not seek the

¹ Ph. D Candidate, Friedrich Alexander Universität, Erlangen, Germany, E-mail: monireh.zahedi@fau.de

approval or the rejection of Islamic feminism, rather in addition to render an analytical review, this article critiques the neglect of scientific discourses in this regard and seeks to answer the question of why and how the recurring scientific and interdisciplinary discourses on Islamic feminism can open a suitable path to develop women's rights and ultimately social development in Iran.

Keywords: Discrimination; Figh; Islamic Feminism; Scientific Discourses; Women's Rights Development



مانیفست کنفرانس بین‌المللی «علم سیاست، مطالعات زنان و آینده»

کارهای برجسته‌ای در کنفرانس «علم سیاست، مطالعات زنان و آینده» ارائه شد که انشاءالله نمونه‌ها، نسخه‌ها و دستاوردهای موفقیت‌آمیز آینده را در پی خواهد داشت. ما قدردان تمام افرادی هستیم که برگزاری موفقیت‌آمیز این رویداد را امکان‌پذیر ساختند و معتقد هستیم این کنفرانس دارای «قدرت نرم» قابل توجهی است که می‌توان از آن برای دستیابی به «نتایج بهتر» برای زنان و دختران و دستیابی به عدالت جنسیتی بهره برد. در واقع، این لحظه، لحظه پایان کار کنفرانس نیست، بلکه کار ما از امروز آغاز می‌شود. مشارکت‌کنندگان در این کنفرانس بر مبنا و رویکرد «همکاری» بجای «درگیری، کشمکش و چالش» و «اجماع» بجای «خواسته‌ها و مطالبات فردی» موارد زیر را مورد تأکید قرار دادند:

۱- **بهبود مشارکت زنان در عرصه سیاست و مدیریت‌های کلان سیاسی.** علی‌رغم تلاش‌های انجام گرفته در دهه‌های اخیر در سراسر جهان، تعداد زنان در مقامات عالی‌رتبه همچنان بسیار کم است. در حال حاضر، ۹۳ درصد از کشورها در سراسر جهان بوسیله مردان اداره می‌شوند و فقط در حدود ۲۵ درصد از نمایندگان مجالس ملی را زنان تشکیل می‌دهند. اما از نظر سیاسی، ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که بیش از هر زمان دیگر، ضرورت حضور زنان در عرصه مدیریت‌های عالی سیاسی احساس و مطالبه می‌شود. زنان ایران امروز خواهان حضور در سطح کاندیداتوری ریاست‌جمهوری هستند و می‌بینید که توانمندی این حضور شایسته نیز فراهم شده است تا دوره مهیجی از تاریخ برای زنان کشور رقم بخورد. ما افتخار می‌کنیم در جامعه‌ای زیست می‌کنیم که مردان و زنان آن به راحتی پذیرای حضور زنان در عرصه مدیریت‌های کلان هستند. تسهیل عمل سیاسی، توان اجماع‌سازی و تلطیف روابط قدرت بخشی از توانمندی‌های زنان در حوزه مدیریتی است. بنابراین،

شرکت‌کنندگان در کنفرانس انتظار دارند از اقدامات سیاسی زنان برای ایجاد تعادل جنسیتی در سلسله مراتب قدرت شامل افزایش نقش زنان به عنوان تصمیم‌گیرنده در تمام سطوح جامعه، افزایش مشارکت سیاسی به عنوان مقامات منتخب و افزایش رهبری و مدیریت زنان در تمام بخش‌ها و عرصه‌ها پشتیبانی شود.

۲- **تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار و متوازن.** با استناد به اصول دهم، بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با وجود تأکیدات مکرر در برنامه‌های مختلف توسعه کشور و همچنین سند چشم‌انداز بیست ساله بر نقش مؤثر زنان در فرآیند توسعه، اما کشور همچنان از توسعه نامتوازن در حوزه زنان متأثر است. از این رو، شرکت‌کنندگان در کنفرانس بر اجرای تمام و کمال برنامه‌های توسعه و تأکید بیشتر بر مسایل زنان در برنامه‌های توسعه به منظور دستیابی به توسعه پایدار و متوازن تمرکز کردند.

۳- **توانمندسازی زنان به منظور دستیابی به عدالت جنسیتی.** موضوع عدالت جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران تقریباً در همه کشورها با چالش روبه‌رو است و برای تحقق اهداف آن تلاش‌های بسیاری انجام می‌گیرد. ما اطمینان داریم طی چهار سال آینده، با استفاده از دستاوردهایی که قبلاً به دست آورده‌ایم و در فضایی از همدلی و همکاری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌توانیم دنیای بهتری را برای زنان آینده کشور رقم بزنیم. لذا شرکت‌کنندگان در کنفرانس از حمایت از زنان در قالب اصلاح و تغییر قوانین مربوط به نهادهای مدنی، ارتقای سطح آگاهی، آموزش زنان، حذف نگاه جنسیتی و مردسالارانه، رشد جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس، جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری، لزوم سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های مناسب در زمینه توانمندسازی زنان از سوی دولت به عنوان عمده‌ترین راهکارهایی نام بردند که موجب توانمندسازی و تقویت مشارکت سیاسی و حضور فعال زنان در

عرصه‌های مختلف بخصوص عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی، افزایش قدرت اقتصادی / مالی زنان، تغییر ساختارهای قدرت و تأثیرگذاری پسران و مردان در دستیابی به عدالت جنسیتی می‌شوند.

۴- **لزوم بازتعریف هویت زنانه.** در ایران، با وقوع انقلاب اسلامی جهان‌زیست سنتی فعال و باعث شد طبقات پایین و متوسط سنتی که در حکومت پهلوی امکان بازیگری نداشتند، به عرصه اجتماعی قدم بگذارند. جهان‌زیست سنتی از یکسو امنیت، همبستگی و همدلی ناشی از فضای مادری را تقویت کرد و باعث ورود زنان به عرصه‌های آموزشی و اجتماعی شد و از سوی دیگر، با تداوم فضای مردانه و تقسیم کار «خصوصی زنانه، عمومی مردانه» موانعی برای حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی ایجاد کرد. در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب، اما، مطالبه‌گری و دوران گذار از سنت به مدرنیته آغاز شد، جایگاه، وظایف، نقش و موقعیت اجتماعی زنان در جامعه سنتی متزلزل و پایه‌های آن سست شد، اما این مفاهیم متناسب با وضعیت جامعه مدرن و ایران اسلامی بازتعریف نشدند. متأسفانه رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه نیز در راستای اهداف سیاسی، الگوهایی از زن را تبلیغ و ارائه کرده‌اند که در تناسب با بافتارهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان نبود. از این رو، شرکت‌کنندگان بر ضرورت بازتولید هویت زنانه متناسب با بافت مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تصریح کردند و در این مسیر، نقش شبکه‌ها و رسانه‌های مجازی را به عنوان مهم‌ترین منبع بازتولید روایت‌های جهان امروز از هویت زنانه و دگرگونی روابط قدرت مادی و سمبلیک مورد توجه قرار دادند.

۵- **حل مشکلات اقتصادی.** تحصیلات عالی زنان رابطه معنادار، اما منفی با نرخ رشد اقتصادی کشور دارد؛ بدین معنا که نه تنها با افزایش نسبت دانش‌آموختگان زن دانشگاه‌های کشور به کل دانش‌آموختگان دانشگاهی در هر سال، نرخ رشد اقتصادی افزایش نیافته است، بلکه ارقام حاصل شده یک روند کاهشی را نیز نشان می‌دهد. از سوی دیگر، کمبود شغل در شأن برای

زنان (یا کار شایسته) و عدم دریافت حمایت‌های قانونی و حاکمیتی برخی زنان را به بزهکاری ناخواسته کشانده است. شرکت‌کنندگان در کنفرانس درونی کردن صلح، برقراری عدالت ترمیمی در نهاد خانواده، اتخاذ قوانین حمایتی زنان، دستیابی به عدالت جنسیتی در محل کار (از منظر تعداد، جایگاه‌ها، موقعیت‌ها و همچنین از منظر دریافت حقوق و دستمزد هم‌تراز در برابر کار یکسان) و لغو نابرابری‌های جنسیتی را به عنوان برخی راهکارها برای رفع این آسیب‌های اجتماعی مطرح کردند.

۶- **حمایت از برقراری عدالت جنسیتی.** شرکت‌کنندگان در کنفرانس به ضرورت ایجاد حمایت سیاسی بیشتر برای برقراری عدالت جنسیتی در میان تصمیم‌گیرندگان اشاره کردند. اجرای بهتر اصول قانون اساسی و حقوق مندرج در حقوق مدنی و شهروندی که از عدالت جنسیتی حمایت می‌کنند، از مطالبات به حق زنان ایران است که پژوهشگران بر آن تاکید کرده، خواستار کاهش هنجارهای فرهنگی و جنسیتی کژکارکرد به عنوان موانع دستیابی به عدالت شدند.

۷- **تاکید بر آموزش.** دختران و زنان باید در مورد قوانینی آموزش ببینند که بر آنها تأثیر می‌گذارد. از طریق آموزش، دختران و زنان می‌توانند در مورد قوانین موجود برای دفاع از مطالبات خود آگاهی یابند. علاوه بر آن، پسران و مردان نیز باید درباره قانون و حقوق قانونی آموزش ببینند تا بتوانند پارادایم‌های رفتار اجتماعی را تغییر دهند. آموزش شامل سرمایه‌گذاری در آموزش حرفه‌ای، افزایش تعداد دختران و زنان مدیر در نظام آموزشی بخصوص نظام آموزش عالی و آموزش سیاسی دختران و زنان برای حضور در جایگاه‌های و مناصب انتخابی و انتصابی است.

۸- **اصلاح سیستم، کتب و مطالب درسی آموزشی.** سیستم آموزشی ایران با دیدگاه‌های تفکیکی زنانه - مردانه منجر به ایجاد جامعه‌پذیری مردسالار، انزوای زنان و توانمندسازی آنها بر اساس تفکیک حوزه عمومی مردانه و

خصوصی زنانه است. از این رو، شرکت‌کنندگان در کنفرانس بر لزوم بازنگری در سیستم آموزش ابتدایی به منظور افزایش قدرت خودباوری و ریسک‌پذیری، توانایی کنترل جهان - زیست و حضور زنان در عرصه‌های مختلف تأکید کردند.

۹- جمع‌آوری داده‌های بهتر و دقیق‌تر و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی زنان.

شرکت‌کنندگان خاطرنشان کردند که جمع‌آوری داده‌های بهتر، دقیق‌تر و تفکیک شده از منظر سن و جنس به منظور پر کردن خلاء داده‌ها و اطلاع از نتایج سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها ضروری است. باید داده‌هایی در مورد اندازه‌گیری هنجارهای جنسیتی و تأثیرات حضور زنان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری - از طریق پیشرفت طبیعی یا از طریق سیستم‌های سهمیه‌بندی - تهیه شود.

۱۰- تلاش به منظور کاهش خشونت علیه زنان. شرکت‌کنندگان با توجه به

خشونت‌های بوجود آمده در جامعه علیه زنان و دختران جوان، از قوه مقننه انتظار دارند تا با تدوین قوانین سختگیرانه‌تر علیه افراد خاطی از ایجاد فضای خشونت در کشور بر علیه زنان و دختران جوان جلوگیری کند. پیشگیری از خشونت از نظر مشارکت‌کنندگان شامل پیشگیری از خشونت مبتنی بر جنسیت در همه اشکال آن، اطمینان از وجود قوانین و سازوکارهای قانونی برای تحقق و پیگیری عدالت و تغییر هنجارها و رویه‌های سنتی / جنسیتی / اجتماعی است که سلامت، امنیت، حقوق و رفاه دختران و زنان را تأمین می‌کند.

۱۱- توجه بیشتر به گروه‌های به حاشیه رانده شده. مشارکت‌کنندگان بر تلاش

برای بهبود زندگی آسیب‌پذیرترین اقشار زنان و دختران تأکید می‌کنند. توجه به نیازهای زنان و دختران معلول، ساکن در مناطق محروم، آسیب‌دیده در نتیجه بلایای طبیعی و آنهایی که در فقر شدید بسر می‌برند، اهمیت دارد.

۱۲- اعتماد به توانمندی‌های زنان و دختران جوان. یکی از مشکلات قدرت در کشور ما عدم چرخش نخبگی است. شایسته است حرکت چرخش نخبگی از جامعه زنان و با اعتماد به زنان و دختران جوان آغاز شود. از این رو، مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که احزاب سیاسی و فعالان حقوق زنان از کارگزاری دختران جوان حمایت کنند.

۱۳- تأکید بر استفاده از تکنولوژی. تلاش برای کاهش خشونت‌های اعمال شده علیه دختران و زنان در نتیجه پیشرفت‌های جدید تکنولوژیک و ارتباطی با وضع قوانین جدید؛ استفاده از تکنولوژی‌های جدید به عنوان ابزاری برای حمایت از مطالبات زنان و دختران مورد حمایت مشارکت‌کنندگان در کنفرانس قرار گرفت.

۱۴- لزوم حضور و همراهی آقایان برای دستیابی به عدالت جنسیتی. شرکت‌کنندگان در کنفرانس تأکید کردند که حضور و همراهی مردان ایران زمین برای تغییر هنجارهای جنسیتی و برقراری عدالت جنسیتی ضرورت دارد. عدالت جنسیتی یک موضوع «زنانه» نیست، یک مسئله اجتماعی است که تمام گروه‌ها و اقشار را دربرمی‌گیرد.

۱۵- جریان‌سازی برای ایجاد تغییرات قانونی و فرهنگی. در حال حاضر، شاهد دوگانه‌های «مطالبه عدالت جنسیتی» و «مقاومت در برابر تغییر» هستیم. از این رو، شرکت‌کنندگان بر تغییر باورها در جامعه و توجه به اصل برابری در بهره‌گیری از شرایط مساوی زنان و مردان بر اساس اصل بیستم قانون اساسی ایران در حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری تأکید کردند.

۱۶- سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه‌های مربوط به زنان. شرکت‌کنندگان در کنفرانس بر لزوم تخصیص بودجه بیشتر برای برنامه‌ها و سیاست‌هایی تأکید کردند که بر حیات دختران و زنان تأثیر می‌گذارد. سرمایه‌گذاری در مسایل و موضوعات زنان و دختران امواجی را شکل می‌دهد که نفع کل جامعه را دربرخواهد داشت.

در انتها، شرکت‌کنندگان ابراز امیدواری می‌کنند که این کنفرانس لحن گفتمانی مسایل زنان را به صورت زیر تعیین کند:

- ← امیدوارکننده
- ← ضروری و فوری
- ← راهکارگرا
- ← سیاست‌ورزانه
- ← متفکرانه
- ← صادقانه
- ← جامع و وحدت‌بخش





IPSA Women
INTERNATIONAL
CONFERENCE
TEHRAN - Feb 2021

Women's Studies Committee of IPSA

Abstracts Collection

P O L I T I C S

WOMEN'S STUDIES AND THE FUTURE

Feb. 2021

انجمن علوم سیاسی ایران
Iranian Political Science Association



Scientific Chair: Dr. Simin Hajipour Sarduie

Executive Chair: Dr. Marzieh Hajipour Sarduie